



حکایت عشق

جرعه‌ای از زلال دعای ندبه



عزیزالله حیدری





-
- نام کتاب: حکایت عطش «جرعه‌ای از زلال دعای ندبه» □
 - مؤلف: عزیز الله حیدری □
 - ویراستار و طراح جلد: رضا دیلمی □
 - صفحه آرا: امیرسعید سعیدی □
 - ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران □
 - تاریخ نشر: بهار ۱۳۸۷ □
 - نوبت چاپ: اول □
 - چاپ: پاسدار اسلام □
 - تیراژ: ۳۰۰۰ جلد □
 - قیمت: ۱۰۰۰ تومان □
 - شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۱۳۳ - ۹ □

-
- مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران □
 - فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران □
 - تلفن و نمابر: ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ □
 - قم - صندوق پستی: ۶۱۷ □

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

یا ناصر یا معین

حکایت عطش

جرعه‌ای از زلال دعای ندبه

مؤلف

عزیز الله حیدری

دعای ندبه یکی مخزنی است از اسرار
که هر خزانه آن مشعلی است از انوار
حقایقی است در آن فوق دانش افهام
دقایقی است فزونتر ز عالم افکار
ز فهم ظاهر آن لنگ است توسن فکرت
ز درک باطن آن عقل مانده از رفتار

شیخ عباسعلی ادیب

فهرست مطالب

۷ ضرورت‌های طرح و تحلیل دعای ندبه
۸ مروری بر مسأله دعا
۱۳ اجابت دعا
۱۴ عوامل و موانع اجابت دعا
۱۸ پرسشی پیرامون درخواست تعجیل فرج، آری یا نه!
۲۰ نکته‌ای در عظمت دعا‌های شیعه
۲۱ تعدادی از شروح دعای ندبه
۲۲ وجه تسمیه ندبه
۲۲ سند دعا
۲۴ دعای ندبه از کدام امام نقل می‌شود؟!
۲۵ نکات مهم در تقویت سند دعا
۲۶ اشکالات
۲۸ طرح کلی دعا
۲۹ کلیدی برای فهم فرازهای دعای ندبه
۳۳ نمونه‌های آگاهی و مهر امام <small>علیه السلام</small>
۳۶ آیات خلقت أحسن
۳۷ الحمد لله رب العالمین
۴۲ نمونه روایات از تنزیه و تسبیح نداوند
۴۵ فراز دوم دعا (سنت بلا)
۵۱ برخورد با بلا
۵۳ آثار بلا

- ۵۴ مروری بر حرکت واحد انبیاء علیهم‌السلام
- ۵۸ جایگاه ویژه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علم و کمال خاص او
- ۶۳ اجر مودت آل‌البیت علیهم‌السلام
- ۶۵ مقام امام علی علیه‌السلام و مناقب او و تحلیل مقصد امامت و ولایت ..
- ۸۱ آثار اقامه عزائم اطهار علیهم‌السلام
- ۸۶ روایات این فراز
- ۸۸ ویژگی‌های امام موعود علیه‌السلام در پیروان راستین او
- ۱۱۴ اصالت و نجابت مقام امام زمان علیه‌السلام
- ۱۳۱ اوج دعای ندبه، طلب و عطش به موعود علیه‌السلام
- ۱۳۹ توصیفی از برکت‌های وجود امام علیه‌السلام و
- ۱۴۵ پیوند طولانی ولایت معصوم علیه‌السلام با ولایت خداوند
- ۱۵۴ وظایف منتظران در زمان غیبت نسبت به امام علیه‌السلام
- ۱۵۹ وابستگی شدید و بی‌بدیل به ولایت و
- ۱۶۱ منابع

ضرورت‌های طرح و تحلیل دعای ندبه

سابقه مبارزه و معارضة تاریخی اسلام با مذاهب منسوخ و رقابت اندیشه دینی با دیگر مکاتب معاصر، اقبال عمومی و جهانی به اندیشه اسلامی شیعی را در پی داشت و با ظهور انقلاب اسلامی ایران؛ دشمنان را به مقابله در سه شکل عمده و مؤثر کشانده است:

۱. گسترش شهوات (ماهواره، اینترنت، عکس و پورنوگرافی).
 ۲. طرح شبهات و ایجاد شک و تردید در ایمان، رسالت، امامت و حتی اماکن مذهبی.
 ۳. بدعت‌ها (مثل: خرافات، عرفان و اخلاق بدون دین! و قرائت‌های گوناگون و هرمنوتیک).
- در چنین فضایی، جبهه ایمان و به ویژه گرایش اسلامی شیعی در طرح اندیشه‌های خود، باید با چند ویژگی به میدان بیاید:

۱. استناد؛
۲. هماهنگی؛
۳. جامعیت؛
۴. توفیقات عملی؛^۱

مروری بر مسأله دعا

خاستگاه دعا چیست؟!

دعا در متون دینی آن چنان مقامی رفیع دارد که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾^۱ اگر دعای شما نبود خدا چه اعتنایی به شما داشت؟!

اشاره‌ای لطیف در قرآن، دعا را مساوی عبادت می‌داند که جلوه‌ای از مقصد هستی است و اگر کسی به این کار نپردازد، جزء مستکبرین بوده و با خواری به جهنم وارد می‌شود.

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾^۲ اما به راستی چرا انسان دعا می‌کند؟!

واضح است که انسان دعا را وسیله حاجت و عبادت قرار می‌دهد. اما دعا می‌تواند ریشه‌ای عمیق‌تر داشته باشد و خود هدف واقع شود.^۳ زیرا نشانه تعلق و وابستگی و عبودیت ماست. لذا دیگر مهم نیست که اجابت بشود یا نشود.

روزی حضرت رسول ﷺ به فاطمه علیها السلام فرمود: هم اکنون جبرئیل آمده و به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: به فاطمه علیها السلام بگو هر حاجتی که دارد، بخواهد.

فاطمه علیها السلام پاسخ می‌دهد: «یا ابتاه شغلنی عن مسئلته لذة خدمته

۱. سوره فرقان، آیه ۷۷.

۲. سوره غافر، آیه ۶۰.

۳. دعاهاى روزانه فاطمه علیها السلام، استاد علی صفایی، ص ۶۳.

لا حاجة لي غير النظر الي وجهه الكريم في دارالسلام؛ پدر جان لذت حضور خداوند مرا از حاجت خواهی باز داشته و چیزی جز نظر به وجه با کرامت خداوند ندارم.^۱

خوش همی آید مرا آواز او	وان خدایا گفتن وان راز او
دست اخلاص از دعا گفتن مدار	با اجابت یا رد اویت چه کار؟!
تا نگرید طفلک نازک گلو	کی روان گردد ز پستان شیر او
طفل حاجات شما را آفرید	تا به ناله گردد آن شیرش پدید
گفت: ادعوا لله بی زاری مباش	تا بجوشد نه‌های شیر فاش
چون خدا خواهد که مان باری کند	میل مان را جانب زاری کند
وآنکه خواهی کز بلایش و آخری	جان او را در تضرع آوری
چون بیارم در تضرع ره دهم	چون یکی بستانم از وی ده دهم ^۲

اهل تحقیق گفته‌اند: هر نیاز در انسان، نمایشگر یک استعداد است

چنان که: نیاز به اعتراف، نمایشگر وجدان می‌باشد.

اما نیاز به نجوی؛ نشان دهنده روح است، روح متعالی انسان که جز

با پیوند به بی‌نهایت، اشباع و راضی نمی‌شود.

آری!

نجوی و دعا حاصل چنین گوهری در آدمی است؛ شاهد مسأله،

کلامی عمیق است از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پاسخ کمیل رضی الله عنه که

۱. اخلاق حضرت فاطمه علیها السلام، تاج لنگرودی، به نقل از ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. مثنوی، ص ۲۴۸.

پرسید: نفس چیست؟!؟

امام علیؑ فرمودند: کدام نفس؟!؟

کمیل با شگفتی پرسید: مگر نفس چند تا است؟!؟

امام علیؑ پاسخ دادند: چهار نفس.^۱

سپس در توضیح فرمودند:

اول) نفس نامی نباتی که با قوایی: چون ماسکه، هاضمه، دافعه و مربیه شناخته می‌شود و دو ویژگی زیاده و نقصان را به همراه دارد.

دوم) نفس حسی حیوانی که با قوایی چون: سامعه، باصره، شامه، ذائقه و لامسه شناخته می‌شود و دو خصوصیت رضا و غضب در آن است.

سوم) ناطقه قدسی که با قوایی چون: تفکر، تمیز، علم، حلم و ذکر (یعنی راز و نیاز و همان دعا) شناخته می‌شود و حاصلی مانند: پاکی و حکمت دارد.

چهارم) کلی الهی^۲ ...

آنچه مورد نیاز و شاهد ما بود. همین قسمت می‌باشد که دعا حاصل این روح متعالی است که بزرگ‌تر از دنیا است و جز با خدا و اتصال با بی‌نهایت به آرامش نمی‌رسد.

۱. که گویا اشاره به مراحل نفس می‌باشد.

۲. مجمع البحرین، طریحی، کشکول شیخ بهایی رحمته، ج ۱، ص ۴۹۵.

رفع یک شبهه و سؤال

با این مقامات بلند دعا، بسیاری از دعا کنندگان می پرسند که چرا دعاهای آنان به اجابت نمی رسد،^۱ چرا حداقل در خیلی از خواسته ها، به پاسخ نرسیده اند؟

در روایت، آمده است:

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: من دو آیه از قرآن دیده ام که خداوند وعده داده، اما به آن نرسیده ام، یکی آنجا که خداوند می فرماید: «أدعونی أستجب لکم»^۲ ولی من دعا کرده ام، اما اجابت ندیده ام! امام علیه السلام فرمود: آیا فکر می کنی خداوند خلف وعده می کند؟! عرض کردم: نه سر آن را نمی دانم.

امام علیه السلام فرمود: هر کس جهات دعا را رعایت کند، دعایش به اجابت می رسد. این جهات عبارتند از:

۱. ابتدا با حمد خدا شروع شود.
۲. نعمت های خدا را سپاس گوید.
۳. صلوات بفرستد.^۳

وان نیاز و سوز دردت پیک ماست	۱. بلکه آن الله تو لبیک ماست
جذب ما بوده گشوده پای تو	حایله ها و چاره جویی های ما
زیر هر یارب تو لبیک ماست	درد عشق تو کمند ماست

۲. سوره مؤمن، آیه ۶۲.

۳. کل دعاء محجوب حتی یصلی علی محمد و آل محمد؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۱ و میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۰.

۴. گناهان خویش را یادآوری و اعتراف و سپس طلب آمرزش نماید و آنگاه دعا کند.^۱

پس پاسخ این است که:

اولاً هیچ تردیدی نیست که به نص صریح قرآن و احادیث، عواملی موجب حبس دعای می‌شوند؛ در دعای کمیل آمده:

اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء و..

در احادیث، مصادیق ردّ دعا بیان شده است، چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

الذنوب التي تردّ الدعاء و تظلم الهواء؛ عقوق الوالدین؛^۲

گناهانی که باعث ردّ دعا و تاریکی هوا می‌شوند؛ عبارتند از: عقوق والدین....

و در حدیثی زیبا و شگفت، هشت مورد از عوامل حبس دعا بیان شده است:

۱. سوء نیت؛

۲. خبائث باطن؛

۳. نفاق؛

۴. باور نداشتن اجابت دعا؛

۵. تأخیر نمازهای واجب؛

۱. تفسیر دعای ندبه، مرحوم حاج شیخ عباسعلی ادیب، صص ۱۱ - ۱۰.

۲. معانی الاخبار، ص ۲۷۰.

۶. ترک نیکی؛

۷. صدقه به غیر قصد قرب خداوند؛

۸. فحش و بدگویی.^۱

اجابت دعا

با جرأت می توان گفت که دعاها به اجابت می رسد؛ اما شکل های آن متفاوت است. این شکل ها با استناد به آیات و روایات چنین بیان می شود.

۱. تعجیل؛ یعنی بدون فاصله به اجابت می رسد.

۲. تأجیل؛ یعنی اجابت، زمان بر می دارد، گاه به مصلحتی در دنیا و گاه در عالم آخرت پاسخ می گیرد و یکی از مصالح مهم، همانا تربیت انسان است.

۳. تبدیل؛ یعنی چون مصلحت خود را نمی دانیم، اجابت حاجت ما با مصلحت ما هماهنگ می شود و به شکل دفع بلاء و بدی ها و یا به شکل تأخیر در قیامت با اعطاء درجات و گاهی به صورت تکلیفی یعنی بخشش گناهان ظاهر می شود.

در این تعجیل و تاخیرها اهداف تربیتی نهفته است، چنان که خداوند دعای موسی و هارون علیه السلام بر علیه فرعون را قبول می کند اما امام صادق علیه السلام می فرماید: چهل سال طول کشید.^۲

۲. اصول کافی، باب دعا.

۱. معانی الاخبار، ص ۲۷۱.

در این جا حکمتی است که باید اَمّت، استعدادها را بروز دهند و به تعبیر گفته اهل معرفت، موسی و فرعونى درگیر شوند تا ابوذری ساخته شود.^۱

برای مرور به روایات و آیات به منابع ذیل مراجعه شود.^۲

عوامل و موانع اجابت دعا

۱. معرفت خدا:

کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: ما لنا ندعوا ولا يستجيب لنا؟ چرا خدا را می خوانیم و برای ما اجابت نمی شود؟

امام علیه السلام پاسخ داد؛ چون: لانکم تدعون من لاتعرفونه و تسألون من لاتفهمون؛^۳

شما کسی را می خوانید که نمی شناسید و چیزی می خواهید که نمی فهمید.

۲. حُسن ظن به خدا:

ادعوا الله و اتمم موقنون بالاجابه؛^۴ خدا را بخوانید در حالی که یقین به اجابت دارید.

۱. کلامی از استاد علی صفایی حائری رحمته الله.

۲. سوره مؤمن، آیه ۴۲؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۸۶ و کتاب ارزشمند دعا عند

اهل بیت علیهم السلام، شیخ محمد آصفی، صص ۱۰۷ - ۹۳.

۳. جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۹۳. ۴. المیزان، ج ۲، ص ۳۶.

۳. هماهنگی با عناصر اجابت:

در تعقیب نماز ظهر می خوانیم: **و لا حاجةً هی لك رضا ولی فیها صلاح الا قضیتها؛ اجابت باید دارای دو عنصر باشد، رضای حق و صلاح عبد.**

۴. هماهنگی با سنتها و مقاصد تربیتی؛

یعنی: سازندگی آدم‌ها، اتمام حجّت و ظهور و بروز استعدادها. هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند: بین سخن خداوند در قرآن که به موسی علیه السلام و هارون علیه السلام پاسخ داد «قد أُجِبت دعوتكما و بین مواخذه فرعون» ۴۰ سال فاصله شد.^۱

این جا همان مقاصد و هدف برتر است که موسی با فرعون درگیر شود تا ابوذری ساخته شود! و امت‌ها استعداد خود را بروز و ظهور دهند، گرچه دعا به اجابت رسیده بود؛ چنان که راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض نمودم: «یستجاب للرجل الدعاء و یؤخر؟ قال: نعم، عشرين سنة» دعا به اجابت می‌رسد، اما گاه بیست سال تأخیر می‌افتد.^۲

۵. اضطرار به سوی خدا و انقطاع از غیر او

اذا اراد احدکم ان لا یسئل الله شیئاً الا اعطاه فلیأس من الناس کلهم و لایکون له رجاء الا عند الله عزوجل؛^۳ هر کدام از شما وقتی حاجت داشته باشد و بخواهد حتماً از خدا بگیرد، باید از همه مردم ناامید باشد، مگر امید به خدا.

۱. اصول کافی، ص ۵۶۲، ابواب دعا. ۲. همان.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷۴.

۶. اقبال قلب به سوی خدا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فإذا دعوت فاقبل بقلبك ثم استيقن بالإجابة»^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: لا يقبل الله دعا قلب ساه؛ خدا دعای قلب ساهی (غافل) را نمی‌پذیرد.^۲

۷. دعا در ضمن پذیرش سنت‌های الهی و هماهنگی با آن

از آنجا که خداوند سنت‌ها و قانون‌هایی را برای نظام هستی ایجاد کرده و سنت‌های خداوند تغییر و تبدیل نمی‌پذیرند، باید با آن قوانین هماهنگ باشیم، چنان‌که از روایات معلوم می‌شود، نمی‌توان چیزهایی که محال و ناشدنی‌اند یا حلال نیستند، بخواهیم.

از امام علی علیه السلام سؤال شد: کدام دعا منحرف‌تر از مقصد است؟

ایشان فرمودند: کسی که آنچه نشدنی است، درخواست می‌کند.^۳

امام علی علیه السلام در روایتی دیگر می‌فرمایند: ای صاحب دعا! چیزی که نشدنی (و مخالف سنت‌های خداست) و حلال نیست (متضاد با نظام تشریح است) از خدا نخواه!

در این جایگاه به اندازه نیاز، مواردی را ذکر کردیم تا اشاره‌ای مناسب نسبت به بحث خود داشته باشیم و پاسخ‌گوی مباحث دعا در تعجیل فرج بوده باشد و گرنه عوامل دیگری نیز در اجابت دعا دخالت

۲. من لا یخصره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۹.

۱. اصول کافی، باب اقبال، علی‌الدعا.

۳. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۴.

دارند که عبارتند از:

توسل به ائمه علیهم السلام

خضوع و رقت قلب؛

مداومت در دعا؛

وفای به عهدها؛

همراهی دعا با عمل؛

اجتماع در دعا و آمین خواهی از جمع؛

سادگی و عدم تکلف در دعا؛^۱

حضور قلب با حمد و استغفار و صلوات؛

دعا با اسماء حسنی؛

نام بردن حاجات؛

اصرار در دعا؛

دعا برای دیگران؛

دعا در زمان‌های ویژه؛^۲

دعا در مکان‌های ویژه؛^۳

ترک گناه و ستم؛

۱. ان افضل الدعاء ما جرى على لسانك؛ بهترین دعا آن است که بر زبان جاری شود؛ امام

صادق علیه السلام، کافی باب دعا.

۲. باران، اذان، قرائت قرآن، جهاد مجاهدان، نیمه شب و....

۳. مسجد، عتبات.

مسح صورت با دست‌ها بعد از دعا.^۱

پرسشی پیرامون درخواست تعجیل فرج، آری یا نه!

با مراجعه به متون قرآنی و روایی به مسأله‌ای با ظاهری متناقض برخورد می‌کنیم که برخی صراحت در عدم درخواست تعجیل فرج و برخی درخواست تعجیل فرج دارند، در دعای عهد می‌خوانیم:

و عَجِّلْ فرجه و سهِّلْ مخرجه و در دعای غیبت: اللَّهُمَّ فَافْرِجْ ذَلِكْ عَنَّا
بِفَتْحِ مَنْكَ تُعَجِّلُهُ؛ خدایا! بگشا بر ما (این مشکلات را) با پیروزی که در
آن شتاب کنی.

از طرفی در حدیث می‌خوانیم: هَلِكِ الْمُسْتَعْجِلُونَ.^۲

امام علی علیه السلام نصیحت می‌فرماید: وَلَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يَعْجَلْهُ اللَّهُ
لَكُمْ فَانْهَ مِنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلِيٌّ فَرَّاشُهُ وَهُوَ عَلِيٌّ مَعْرِفَةُ حَقِّ رِبِّهِ وَحَقِّ
رَسُولِهِ وَاهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً؛^۳

در توقیع مبارک امام موعود علیه السلام می‌خوانیم: وَاکْثَرُ وَالدَّعَاءِ بِتَعْجِيلِ
الْفَرْجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ؛^۴

و در قرآن می‌خوانیم: ...وَمَا يَدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ، يَسْتَعْجِلُ بِهَا
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ...؛^۵

۱. به کتاب الدعاء عند اهل البيت عليهم السلام فصل آداب و شروط، ص ۶۳ تا ۹۰ مراجعه کنید.

۲. منتخب الاثر، ص ۵۷۲. ۳. نهج البلاغه، خ ۱۸۵.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲. ۵. سوره شوری، آیه ۱۷-۱۸.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند، این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام است و در دعای غیبت نیز آموزش می‌بینیم که: **و لا اسئلك تعجیل ما آخرت؛^۱**
پاسخ:

از جمع منطقی بین آیات و احادیث مطرح شده، سه پیام حاصل می‌گردد که عبارتند از:

۱. اعتقاد به امام علیه السلام؛

۲. عدالت خواهی و زمینه سازی جهت اهداف امام زمان علیه السلام؛

۳. برائت از دشمنان و اهل جور و ستم.

اما از آنجا که خداوند دارای حکمت بالغه است و بخش زیادی از علت غیبت به خود انسان‌ها باز می‌گردد،^۲ پس باید شکایا بود، تأخیر در ظهور دوران غیبت، ظرفیتی برای بروز برخی شرایط و استعدادهاست، چنان که می‌فرماید:

القائم لا یظهر أبداً حتى تخرج ودایع الله؛^۳ قائم ظهور نمی‌کند، ابداً؛ مگر آن که ذخیره‌ها ظهور یابند.

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که نباید برای خداوند تعیین تکلیف بکنیم بلکه ادب دعا را باید از معصوم علیه السلام بیاموزیم که می‌فرماید:
«فصبرني على ذلك حتى لا أحب تعجيل ما آخرت ولا تأخير ما عجلت»

۱. مفاتیح الجنان، دعا در غیبت امام زمان علیه السلام.

۲. امام کاظم می‌فرماید: اذا غضب الله على قوم نحانا عن جوارهم؛ کافی، ج ۲، ص ۱۴۵، هنگامی که خداوند بر قومی غضب کند، ما را از همدمی آنان، دور می‌کند.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۷.

ولا أكشف ما سترت ولا أحبث عما كتمت ولا أنزعك في تدبيرك ولا أقول لِمَ وكيف وما بال ولي الامر لا يظهر وقد امتلات الأرض من الجور وأفوض اموری كلها إليك»^۱.

مرا بر این امر انتظار، شکیباً گردان تا در آنچه تأخیر انداخته‌ای شتاب نخواهم و تأخیر در آنچه شتاب داری، طلب نکنم و....

نکته‌ای در عظمت دعاهای شیعه

دعاهای شیعه چند ویژگی دارد:

۱. استناد به منبع وحی؛

۲. تنوع و گوناگونی برای نیازها و حاجات مختلف؛

۳. محتوای عمیق، تربیتی، سازنده و جذاب.

چنین است که «خانم آن ماری شیمل» شرق شناس معاصر می‌گوید: من بخشی از کتاب مبارک صحیفه سجادیه را به زبان آلمانی ترجمه و منتشر کرده‌ام، وقتی مشغول ترجمه این دعاها بودم، مادرم در بیمارستان بستری بود و هر وقت که به او سر می‌زدم، پس از آن که او به خواب می‌رفت، در گوشه‌ای از اتاق به کار پاکنویس ترجمه‌ها مشغول می‌شدم.

اتاق مادرم دو تختی بود، در تخت دیگر خانمی متعصب به مذهب کاتولیک بستری بود، وقتی فهمید من دعاهای اسلامی را ترجمه

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۷۹.

می‌کنم، دلگیر شد و گفت، مگر در مسیحیت و کتب مقدّس خودتان کمبودی دارید که به دعاهای اسلامی روی آورده‌ای؟! وقتی کتاب چاپ شد، نسخه‌ای برایش فرستادم، یک ماه بعد با من تماس گرفت و گفت، صمیمانه از هدیه این کتاب متشکرم؛ زیرا هر روز به جای دعاهای کتب مقدّس خودمان، آن را می‌خوانم! بله، واقعاً ترجمه ادعیه امامان معصوم علیهم‌السلام مخصوصاً صحیفه حضرت زین العابدین علیه‌السلام برای بسیاری از مردم جهان، کارساز و سودمند است.^۱

تعدادی از شروح دعای ندبه

۱. شرح دعای ندبه، مدرس یزدی؛
۲. عقد الجمان لندبه صاحب الزمان علیه‌السلام، میرزا عبدالرحیم تبریزی؛
۳. وسیلة القربة، شیخ علی خویی؛
۴. فروغ الولاية، آیت الله صافی گلپایگانی؛
۵. النخبه فی شرح دعاء الندبه، سید محمود مرعشی؛
۶. شرح و ترجمه دعای ندبه، سردار کابلی؛
۷. معالم القربة فی شرح دعاء الندبه، محدّث ارموی؛
۸. وظایف الشیعه، ادیب اصفهانی؛
۹. نوید بامداد پیروزی، موسوی خرّم آبادی؛

۱. مجله از دیگران، سال ۲، ش ۵، مرداد ۱۳۸۰.

۱۰. شرح دعای ندبه، ملاحسین تربتی؛
۱۱. نصره المسلمین، عبدالرضا ابراهیمی؛
۱۲. شرح دعای ندبه، سنیدیاسین موسوی؛
۱۳. شرحی بر دعای ندبه، علوی طالقانی؛
۱۴. شرح و ترجمه دعای ندبه، محب الاسلام.^۱

وجه تسمیه ندبه

ندبه به معنی طلب و خواندن و شمردن محاسن مندوب علیه و گریه بر او آمده است.^۲ و محتوای دعا نشان می‌دهد که مصیبت شیعه و امت و حتی بشریت از فقدان امام علیه السلام می‌باشد و چه مصیبت‌هایی بر سر اولیا خدا آمده است.

سند دعا

در سند دعای ندبه به چند نام برخورد می‌کنیم:

۱. محمد بن حسین بن بزوفری
۲. محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق ابن ابی قرّه
۳. محمد بن جعفر مشهدی

و همچنین نقل دعا در کتاب‌های معتبری چون:

۱. موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، چاپ مسجد مقدس جمکران.
 ۲. مختار الصحاح، عبدالقادر الرازی، ص ۶۵۱

۱. مزار کبیر محدث معروف قرن ششم، محمد بن جعفر مشهدی
 ۲. مزار قدیم از مرحوم طبرسی، نویسنده کتاب احتجاج (قرن ۶)
 ۳. مصباح الزائر، تألیف سید بن طاووس رحمته الله (قرن ۷)
 ۴. مرحوم علامه مجلسی، جلد ۲۲ بحار الانوار
- این حدیث به ترتیب در المزار شیخ مشهدی و او از محمد بن ابی قره و ابی قره از کتاب حسین بن سفیان بزوفری نقل شده است.
- از ابن مشهدی در مستدرک، چنین آمده که مراد از محمد بن مشهدی، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی، یکی از راویان ابی الفضل شاذان بن جبرئیل قمی است، او همچنین با دو واسطه از شیخ مفید رحمته الله روایت می‌کند.^۱

ابن ابی قره را نجاشی چنین توصیف کرده است:

او ثقه بوده و روایات فراوان شنیده و کتاب‌های بسیاری تألیف نموده است، وی کسی بود که کتاب‌ها را ورق به ورق برای اصحاب امامیه می‌خواند و همواره در مجالس با ما بود.^۲

محمد بن حسین بن سفیان بزوفری نزدیک به زمان غیبت صغری می‌زیسته و از مشایخ روایی شیخ مفید رحمته الله است و صاحب الذریعه، علامه آقا بزرگ تهرانی درباره‌اش می‌نویسد: او از مشایخ شیخ مفید رحمته الله بوده و مکرر در مکرر از او روایت نقل می‌کند و در هنگام ذکر او، شیخ

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۸ و موعودشناسی، ص ۴۹۱.

۲. رجال نجاشی، ص ۲۳۸؛ موعودشناسی، علی اصغر رضوانی ص ۴۲۹.

مفید علیه السلام از بزوفری تجلیل کرده و به نیکی یاد می‌کند.^۱

ابن مشهدی در اول کتاب خود گفته است:

هر چه در این کتاب نقل می‌کنم، سندش تا ائمه اطهار علیهم السلام همگی موثق هستند که این شهادت کافی است تا نظیر مراسلات ابن ابی عمیر و مراسلات شیخ صدوق علیه السلام باشند که می‌دانیم مراسلات آنها حکم مسند معتبره دارند.^۲

دعای ندبه از کدام امام نقل می‌شود؟!

قدر مسلم این است که یکی از ائمه علیهم السلام راوی دعای ندبه می‌باشد؛ و علامه مجلسی علیه السلام در زادالمعاد فرموده که، این دعا از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

حاجی نوری علیه السلام صاحب مستدرک و استاد حاج شیخ عباس قمی علیه السلام معتقد است که فقط نقل از معصوم علیه السلام ثابت است، البته برخی محققین احتمال داده‌اند از آنجا که پدر بزوفری از علماء و راویان بزرگ قرن چهارم که هم عصر و در زمان غیبت صغری بوده است نقل کرده و او هم به وسیله نواب اربعه از راه مکاتبه و توقیع در ارتباط بوده و این دعا را در کتاب خود آورده و سپس به دست فرزندش ابو جعفر بزوفری رسیده است.^۳

۱. طبقات اعلام الشیعه علامه آقا بزرگ تهرانی، صص ۲۶۱-۲۶۵.

۲. تحقیقی درباره سند دعای ندبه، آقای استادی، ص ۱۷.

۳. موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، ص ۴۹۴.

نکات مهم در تقویت سند دعا

۱- امروزه فقط به توثیق راوی و وثوق مُخبری توجه نمی‌شود؛ بلکه وثوق مضمونی و خبری کفایت می‌کند؛ یعنی هنگامی که می‌بینیم مضمون دعای ندبه شامل مفاهیم فاخر و بلند است و از طرفی با مجموعه معارف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هماهنگ می‌باشد و وحدت سیاق با بقیه احادیث آن بزرگواران دارد؛ به قطعیت در ارسال دعا از ائمه علیهم‌السلام می‌رسیم.

این دعا با قرآن مخالفتی ندارد تا شامل «ما خالف کتاب الله فدعوه» بشود؛ بلکه موافق با کلمات دیگر معصومین علیهم‌السلام است که فرموده‌اند: «فان كان يشبههما فهو متاً»؛^۱

از طرفی توافق کامل با عقل دارد که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: حدیث من رابر کتاب خدا و حجت عقولتان عرضه کنید، اگر موافق بود قبول و گرنه به دیوار زنید.^۲

۲- در مستحبات به روایات مَنْ بَلَغَ عَمَلٍ مِی شُود. «من سمع شیئاً من الثواب علی شیءٍ فصنعه کان له وإن لم یکن علی ما بلغه»؛^۳

همچنین قاعده تسامح در ادله سُنَن جاریست و سخت‌گیری در احکام واجب و حرام است.

۳- در بعضی روایات، معیار حق نیز مطرح شده؛ پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۲۱. ۲. کافی، ج ۲، ص ۳۴۳.

۳. معانی الاخبار، شیخ صدوق رحمته‌الله، ص ۳۹۰.

می‌فرماید: «ما جائکم عنی من حدیث موافق للحقّ فإنّنا قلته وما أتاکم عنی من حدیث لا یوافق الحقّ فلم اقله»؛^۱
 در دعای ندبه مطلب ناحق دیده نمی‌شود.

۴- نورانیت مضامین، خود، مؤیدی بر مطلب است، چنان که در حدیث آمده: انّ علی کل حق حقیقه و علی کل صواب نوراً فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه؛^۲ بر هر (سخن) حق، حقیقتی و بر هر (کلام) درستی، نوری است، پس آنچه موافق کتاب خداست، بگیری و آنچه مخالف است، کنار بگذاری.

اشکالات

اشکال ۱) چرا در دعا از کوه رَضَوِی و ذی طَوِی نام برده شده، در حالی که فرقه کیسانیه^۳ معتقدند محمد حنفیه (پسر امام علی علیه السلام) در کوه رضوی مخفی است، آیا این موضوع اشاره به عقیده آنها ندارد؟
 پاسخ: ذی طَوِی مکانی در محدوده حرم و حدود یک فرسخی مکه است و رضوی کوهی از کوه‌های مدینه که در فضیلت آن روایاتی وارد شده است.

۱- اما ما معتقدیم امام علیه السلام جای معینی ندارد^۴ و ذکر این دو کوه در

۱. میزان الحکمه، ج ۲ قدیم، ص ۲۹۶. ۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۸۸ ترجمه مصطفوی.

۳. کیسانیه گفته‌اند، زیرا رهبر آنان مختار ثقفی بوده که ابتداء کیسان نام داشت.

۴. در حدیث آمده: لا یطلع علی موضعه احد من ولی ولا غیره؛ منتخب الاثر، آیت الله صافی،

این دعا معنای کنایی دارد، یعنی نمی دانم کجا هستی، مثل این که بگویم این طرف یا آن طرف.

۲- ذکر این دو کوه به خاطر تقدّس آن است و ثابت شده که حضرت موعود علیه السلام در این دو مکان تردد داشته است.

اشکال ۲) چرا اسامی همه ائمه علیهم السلام در این دعا نیامده است؟

پاسخ: تصریح نشدن به اسامی همه ائمه علیهم السلام از قوّت متن نمی کاهد؛ زیرا قرآنی بر اظهار اسامی بقیه ائمه علیهم السلام وجود دارد:

۱- «لم یمثل امر رسول الله فی الهادین بعد الهادین»؛ درباره ائمه علیهم السلام بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

۲- می فرماید: فقتل من قتل و سبی من سبی و أقصى من أقصى؛ که غیر از قتل، به اسارت و تبعید تصریح می کند که از مصادیق آن مثل امام سجاد علیه السلام و امام موسی بن جعفر علیه السلام و... می باشد.

۳- جمله «این الحسن، این الحسین و این ابناء الحسین علیهم السلام»

در این فراز دعا، از فرزندان امام حسین علیه السلام می گوید.

۴- «یا بن السعادة المقرّبین» و «یا بن النجباء الاکرمین» که اشاره به نجابت و کرامت پدر و مادر دارد، در حالی که محمّد بن حنفیه فقط از طرف پدر به امام علی علیه السلام نسبت دارد، ولی در نسب امام موعود علیه السلام در دعا آمده است: «این النبی المصطفیٰ و ابن خدیجة الغراء و فاطمة الزهراء... و صلّ علی جدی رسولک السید الاکبر و جدته الصدیقه الکبریٰ» که واسطه ائمه علیهم السلام را توضیح می دهد.

طرح کلی دعا

اگر بتوانیم طرح کلی یک دعا را به دست آوریم، کمک زیادی در توضیح آن خواهد بود، مثلاً در طرح کلی دعای کمیل با انسانی روبرو هستیم که می‌خواهد از تجزّی بر خدا، که براساس جهل او بوده تا مقام خوف موقنین برسد.^۱

اما در دعای ندبه چنین به نظر می‌رسد که می‌توان این عنوان را قرار داد؛ یعنی از حمد خداوند بر خویشتن تا حمد آدمی به رهبری امام موعود علیه السلام، با مروری ساده بر دعای ندبه درمی‌یابیم که این دعا از یک جریان مستمرّ تاریخی گفت و گو می‌کند، از خلقت نیک و کامل و ستودنی خداوند که هدایت خویش را در همه هستی ریخته و سپس رهبری صحیح آدمی را با نبوت و امامت به کمال رسانده است و ناسپاسی کفرآمیز گروهی: «الذین بدلوا نعمت الله کفراً واحلّو قدمهم دارالبوار»^۲ که رفتار و اعمال آنها به انزوا و حذف حجّت‌های خدا در شکل‌های سه گانه (قتل، اسارت و تبعید) انجامید، و از نگهداری حجّت و طلب و تلاش منتظران و گروه صالح مصلح که به وسیله حجّت معصوم (آگاه و آزاد) رهبری می‌شوند تا وقتی از انسان، رفع

۱. دعای کمیل (تجرات بجهلی، ... حتی اخافک مخافة الموقنین)، استنباط از استاد علی صفایی حائری رحمته الله.

۲. کسانی که نعمت خداوند را کفران نموده و قوم خود را به نابودی کشاندند؛ سوره ابراهیم، آیات ۲۸-۲۹ که در زیارت امام رضا علیه السلام نیز آمده است و حملوا الناس علی اکتاف آل محمد صلی الله علیه و آله و مردم را بر گرده آل محمد صلی الله علیه و آله سوار نمودند.

عطش و بازگشت دوباره به سیر کمال و رشد با نابودی جبهه باطل شروع شود و سرانجام حمد انسان مؤمن و منتظر را بیان می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: «و اجتثت اصول الظالمین و نحن نقول الحمد لله رب العالمین».

در تعبیری دیگر می‌توان گفت: دعای ندبه، داستان طلب و تشنگی پناه‌جویی انسان است، این پناه و ولایت همان است که از خداوند شروع شده و سپس در مقام نبوت و امامت تجلی می‌یابد: «خلقتنا عصمة و ملاذا».

ولی در پناه این رهبری، آدمی دوباره به حمد و ستایش خدای هستی می‌رسد و راه خویش را به دور از هر جهل و انحراف و تحمیل انتخاب می‌کند.

عبارت قرآنی «من شاء اتخذ الی ربه سبیلاً»^۱ در دعای ندبه، نشان دهنده آرمان‌نهایی ولایت است که انسان به انتخابی مناسب شأن خویش دست یابد.

کلیدی برای فهم فرازهای دعای ندبه

ما در دعای ندبه با یک طلب و اشتیاق گسترده به دنبال کسی هستیم که انسان مؤمن و باورمند در جستجوی اوست، کلمه «أینَ أین»، تبلور این طلب می‌باشد.

۱. سوره انسان، آیه ۲۹؛ سوره مزمل، آیه ۱۹.

این چه دغدغه‌ایست؟!

حقیقت این است که انسان دارای چهار رابطه است:

۱- با خود

۲- با جامعه

۳- با طبیعت و هستی

۴- با حاکمیت هستی

این رابطه‌ها ضابطه می‌خواهند.^۱

اگر این رابطه‌ها، ضابطه مناسب نداشته باشند، انسان صدمه می‌بیند و رنج می‌بیند؛ زیرا جهان هستی (پیکره) واحد است و تمامی موجودات در یک جریان متقابل با یکدیگرند، هیچ موجودی به طور مجرد نیست، بلکه وابسته به کلّ جریانات مادی جهان هستی است.^۲ پس این روابط نیازمند ضوابط هستند که اگر نباشند و یا رعایت نشوند، فساد، همه‌خشکی و دریا را فرا می‌گیرد.^۳

پرسش این است: چه کسی این آگاهی را در اختیار من می‌گذارد؟

چه کسی خود، الگو و اسوه هماهنگ این ضوابط و سنت‌هاست؟!

۱. شدت این رابطه و تأثیرگذاری متقابل انسان و هستی آنقدر ظریف و وسیع است که پل لائون فیزیکدان معاصر می‌گوید: اگر بگوییم: اگر چمدانم را روی میز حرکت بدهم، این حرکت ناچیز در همه کپکشان‌ها اثری خواهد داشت، شدت ارتباط میان اجزای طبیعت به حدی است که شما بایستی از نظر علمی بپذیرید؛ ترجمه تفسیر نهج البلاغه، علامه جعفری رحمته الله علیه، ج ۲، صص ۹۶-۹۵.

۲. فریتوف کاپرا، در *the, tau, of physics*؛ به نقل از طب سنتی، ص ۲۹۵ دکتر حداد عادل و دیگران.

۳. سوره روم، آیه ۴۱.

امکانات انسان برای آگاهی چیست؟!

در پاسخ به چهار نکته اساسی و مهم اشاره می‌کنیم:

۱- علم

۲- عقل

۳- وجدان

۴- غریزه

با بررسی کوتاهی در می‌یابیم که علم با پای تجربه حرکت می‌کند و هنوز عالم هستی را تجربه نکرده، پس نمی‌تواند ضوابط جامع و آگاهانه در اختیار ما بگذارد و اگر منتظر تجربه بمانیم، قرن‌ها طول می‌کشد.

اما عقل نیز محدودیت دارد و مبتلا به همین اشکال است،

وجدان نیز تحت تأثیر غریزه و محیط و عادت است.

و غریزه که کور و سرکش است.

لذا تنها راه، علمی بی‌نهایت است که از منبعی نامحدود به دست آید

و این جاست که انسان به ضرورت وحی می‌رسد و خود را مضطرّ این

آگاهی می‌بیند؛ زیرا خدا نامحدود است و مشرف و مسیطر بر همه

خلقت؛ پس: «الله یعلم و اتم لا تعلمون».^۱

از طرفی او علمی را می‌آموزد که هرگز در حوزه آگاهی ما نبود،

چنانکه می‌فرماید: «علمکم ما لم تکنوا تعلمون»؛^۲ یعنی به شما چیزی

می‌آموزد که نمی‌توانستید بدانید.

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۲.

۲. سوره بقره، آیه ۲۳۹.

سپس این علم در اختیار پیامبر ﷺ قرار می‌گیرد و در نتیجه امر و نهی او اجتناب‌ناپذیر می‌شود، آنچه را پیامبر می‌آورد بپذیرید و اطاعت کنید و آنچه را نهی می‌کند، از آن دست بردارید؛ زیرا عصیان او درگیری با قانونمندی و نظم هستی است و همین تفسیر صحیح گناه است.

سپس پیامبر ﷺ این علم را به امام علیؑ وا می‌گذارد و هزار هزار در علم را بر او می‌گشاید.^۱

«ان لله جمع لمحمد ﷺ سنن النبیین من آدم وهلم جراء الی محمد قیل له وما تلك السنن؛ قال: علم النبیین بأسره وان رسول الله صیر ذلك عند امیر المؤمنین علیؑ»^۲

این امام معصوم علیؑ است که الگو و اسوه می‌شود؛ زیرا عصمت، ترکیبی از دو عنصر آگاهی و آزادی است.

و امام علیؑ کسی است که با این آگاهی و پاکی از ما به خودمان دلسوزتر است: «والله انا لارحم بکم منکم انفسکم»؛^۳ به خدا قسم من از شما به خودتان مهربان‌ترم.

«انّی اریدکم لله وانتم تریدوننی لأنفسکم»؛^۴ او مرا برای خودش نمی‌خواهد، بلکه برای خدا می‌خواهد.

این تاریخ علم و طهارت و دلسوزی آنان، برای هدایت انسان است

۱. کافی، باب علم ائمه علیهم السلام؛ میزان الحکمه، ج ۱، در علم علی علیہ السلام.

۲. فصول المهمه، حرّ عاملی، ص ۱۴۵، مع رجال الفکر، ص ۹۱.

۳. مدینه المعاجز، ج ۵، ص ۳۶۳، ح ۱۳۷؛ تحف العقول، کلمات امام صادق علیہ السلام.

۴. علی علیہ السلام، نهج البلاغه، خ ۱۳۶، صبحی صالح.

که به قتل و تبعید و اسارت می‌انجامد و هنگامی که قدر او شناخته نمی‌شود، در تدبیر بلند و متعالی خداوند حکیم، چنین چاره‌جویی می‌شود که آخرین ذخیره را در پس پرده غیبت محفوظ دارد، چنان که در حیات ائمه علیهم‌السلام نیز چنین سنتی جاری بود: «اذا غضب الله علی خلقه نَحَّانا عن جوارهم»^۱

با تجربه حکومت‌های جور و ستم و حتی رفاه که انسان و هویت او به وسیله آنها مسخ شده است، آدمی پس از ادبار به این طلب و تشنگی و عطش می‌رسد و امام در آرزو و اُمْنیه انسان جای می‌گیرد،^۲ تا این عطش چگونه با آب گوارای وجود او سرشار گردد.^۳

نمونه‌های آگاهی و مهر امام علیه‌السلام

آگاهی امام علیه‌السلام بر جسم و روح آدمی و همه هستی و حتی رؤیای ما توسعه دارد، وقتی زنی از امام صادق علیه‌السلام پرسش‌هایی از مسائل زنان می‌کند و سپس خارج می‌شود، می‌گوید: «والله لو كان امرءة مازاد علی

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۴۵.

۲. اُمْنیه شاقِ یتمنی، من مؤمن و مؤمنة ذکرنا فحنا؛ دعای ندبه.

۳. آیه آخر سوره ملک، ماء معین به وجود حضرت موعود علیه‌السلام تفسیر شده است. نزلت فی الامام القائم علیه‌السلام یقول ان اصبح اماما کم غائباً عنکم لاتدرون این هو؟ فمن یتیکم بامام ظاهر یتیکم باخبار السموات والارض و حلال الله و حرامه، ثم قال: والله ما جاء تأویل هذه الایه ولا بدان یجبشی تاویلها نور الثقلین، ج ۵ ص ۳۸۷؛ نمونه، ج ۲۴، صص ۳۶۰-۳۵۹.

«هذا»؛ به خدا قسم اگر زن هم می‌بود، بیش از این نمی‌توانست چیزی بگوید!^۱
 رُمیله از اصحاب علی علیه السلام نقل می‌کند: در زمان خلافت آن حضرت
 دچار بیماری شدیدی شدم. اما در روز جمعه ناگهان احساس خوبی
 و سبکی نمودم و گفتم بهتر است به نماز امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شوم،
 هنگامی که به مسجد رفتم و امام علیه السلام برای سخنرانی بر فراز منبر رفت،
 دوباره بیماری‌ام عود نمود، اما من تحمل نمودم تا سخن امام علیه السلام تمام
 شد، سپس هنگام بازگشت با امام علیه السلام همراه شدم و به دارالخلافة رفتم.
 امام علیه السلام فرمود: تو را دیدم که از درد به خود می‌پیچیدی.

گفتم: بله و داستان بیماری‌ام را تعریف نمودم و علت حضورم را در
 نماز توضیح دادم.

امام علیه السلام فرمودند: ای رمیله! مؤمنی نیست که بیمار شود، مگر آن که
 با بیماری‌اش رنجور می‌شویم و غمگین نمی‌گردد، مگر با او غم خواریم؟!
 دعایی نمی‌کند (مگر آن که برایش آمین می‌گوییم و هنگامی که
 ساکت است برایش دعا می‌کنیم).

به ایشان گفتم: ای امیر مؤمنان! خدا مرا فدایت کند، آیا این توجهات
 شما برای کسانی است که با شما در این مکانند یا هر مؤمنی در هر جای زمین؟!
 ایشان فرمودند: ای رمیله «لیس یغیبُ عنّا مؤمن فی شرق الارض لا
 فی غربها»؛ هیچ مؤمنی در شرق و غرب عالم از نگاه ما غایب نیست.^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۷.

۲. سفینه البحار، محدث کبیر شیخ عباس قمی رحمته الله، ج ۳، صص ۴۰۸-۴۰۷.

حیب نیاجی گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که در قریه ما اجلال نزول کرده است، به نزدش شتافته و سلام کردم، در حضورش ایستاده بودم که مشتی از خرمایی که نزد آن گرامی قرار داشت، برداشته و به من داد، آن‌ها را شمردم، هجده عدد بود، از خواب برخاستم. گفتم: تاویل خواب این است که هجده سال دیگر عمر می‌کنم، بعد از بیست روز، مردی نزد من آمد و گفت: امام رضا علیه السلام از مدینه به قریه و مسجد ما آمده است مردم به سویش می‌شتافتند؛ من نیز رفتم.

شبه همان منظره در خواب را مشاهده کردم، آنجا پیامبر صلی الله علیه و آله بود و حصیری و طبق خرمایی و اینجا فرزندش علی بن موسی الرضا علیه السلام، به او سلام کردم جوابم را داد و مرا به نزد خود خوانده و مشتی خرما به من داد. آن را شمردم به تعدادی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب به من هدیه کرده بود. گفتم: قدری بیشتر بدهید، ای فرزند رسول خدا!

پاسخ داد: اگر پیامبر صلی الله علیه و آله افزوده بود، ما هم زیادتر می‌دادیم.^۱ این گونه است که انسان شیدای امام علیه السلام می‌شود و تشنگی وجود او را درک کرده و در انتظار او نشسته است، این ندای سرشت درونی بشریت است، چنان که این حس در گفتار انسان غربی نیز دیده می‌شود. همواره دوست داشتم دنیا را دگرگون کنم. اما حالا دریافته‌ام در زندگی، تنها پشت سرم کوهی از فیلم‌های مختلف انباشته‌ام و چه کسی اهمیت می‌دهد؟

۱. عیون الرضا علیه السلام، شیخ صدوق رحمته الله علیه، ج ۲، ص ۲۱۰.

هیچ کس! باید دنیای دیگری را خلق کرد، اما سؤال اینجاست که:
باید از چه کسی پیروی کرد؟!^۱

آرتور میلر گفته است: همواره انسان‌هایی پیدا می‌شوند که در هسته مرکزی وقایع جهانی ظهور می‌کنند و جایگزینی ندارند، نه تنها به خاطر شخصیت‌شان، بلکه در میان ترکیب وقایعی که هیچ کس نمی‌تواند آن‌ها را کنترل یا پیش‌بینی کند، زیرا آنها به سادگی اتفاق می‌افتند.

می‌دانیم که درباره ظهور موعود علیه السلام آمده است: «توقعوا هذا الامر صباحاً و مساءً»؛ هر صبح و شب‌انگاهی مترصد ظهور باش!^۲

آیات خلقت أحسن

آیاتی که نشان می‌دهد خداوند در عالم هستی کم نگذاشته و اگر نقصی هست از ما آدم‌ها می‌باشد:

الذی احسن کل شیء خلقه؛^۳

أحسن الخالقین؛^۴

صنع الله الذی اتقن کل شیء؛^۵

ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت؛^۶

۱. آنتونی کوئین، هنرمند مشهور، کتاب قدیس، مقدمه، ش - لامعی.

۲. کمال‌الدین، شیخ صدوق رحمته الله، ج ۲، ص ۱۳.

۳. سوره سجد، آیه ۷.

۴. سوره مؤمنون، آیه ۱۴.

۵. سوره نمل، آیه ۸۸.

۶. سوره ملک، آیه ۳.

ظهر الفساد في البرّ والبحر؛^۱

حتی إذا هلك قلتم لن يبعث الله من بعده رسولاً؛^۲ وقتی یوسف علیہ السلام وفات نمود، امید داشتند که دیگر بعثتی نباشد. خداوند با این خلقت نیک، هدایت همه مخلوقات هستی را، به همراه رسولان و اوصیاء آنان و اولیاء عهده دار می شوند و آنان را با بیانات و کتاب و میزان^۳ همراه می کند و آنان نیز با حکمت و موعظه و جدال (راه و روش) احسن^۴ با مردم سلوک می کنند، اما افسوس که آدمی....

الحمد لله رب العالمين

حمد: ستایش، تجلی تسبیح، «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ»

تسبیح: پاک شمردن خداوند

رب: صاحب اختیاری که تدبیر می کند، مالکی که امر مملوک خود را تدبیر می کند، از ریشه رَبَبَ است^۵ آن صاحب اختیاری است که هرگاه بخواهد بتواند در امور آن کس یا چیز دخالت کرده و به تدبیر آن پردازد.

در این شروع با جمله «الحمد لله رب العالمين» در جستجوی آنیم که

۲. سورة غافر، آیه ۳۴.

۱. سورة روم، آیه ۴۱.

۳. سورة حدید، آیه ۲۵ و سورة انبیاء، آیه ۷۳.

۴. سورة نحل، آیه ۱۲۵.

۵. از رَبَّی و مُرَبِّی که به معنی تربیت است گرفته شده است.

به معنای جامعی در دعا برسیم که رساننده به مقصود دعا باشد؛ این دو «الحمد لله» در دعا (ابتدا و اواخر) نشان می‌دهد که خداوند کار خویش را خوب انجام داده و برای خلقت و هدایت انسان (با ارسال رسل و آفرینش ائمه علیهم‌السلام و اهدای عقل و اختیار) کمبودی باقی نگذاشته است. پس او ستودنی و پاک است و مسؤولیت رفع مشکلات و عیوب بر عهده آدمی است که بر این نعمت‌های خداوند، ادبار نمود و باعث غیبت حجت خدا شد، اکنون باید با طلب و تلاش به رهبری موعود علیه‌السلام این نواقص را جبران کند و این مفهوم صحیح حمد است، زیرا تسبیح به این معناست که من اعتقاد دارم، خداوند، پاک از نیاز، ظلم، جهل، عبث و لغو است و حکمت، تقدیر، تدبیر و تنظیم او را پذیرفته‌ام و همین زمینه تسبیح است.^۱

ولی حمد تجلی تسبیح است^۲ یعنی وقتی باور کرده‌ایم که در تمام هستی و در جامعه و در خود انسان، با تمام کمبودها و کسری‌ها و درگیری‌هایی که هست؛ خدا چیزی را کم نگذاشته و از ناحیه او کمبود و ظلمی و اشتباه و فساد نبوده است؛ پس به پاکی او شهادت داده‌ایم و ذره‌ای عیب از او ندیده‌ایم. حالا باید با حمد خودمان و با کارهای خودمان این کمبودها را پر کنیم و این تکلیف ماست، پس اینجا تسبیح در کلمه‌ها خلاصه نمی‌شود و به حمد ما راه می‌یابد؛ حمدی که

۱. تطهیر با جاری قرآن، استاد علی صفایی حائری، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۳.

علی علیه السلام این گونه توصیف می نماید: «حمداً یملأ ما خلقت و یبلغ ما أرذت»؛ سپاسی که آفریدگانت را سرشار سازد و تا آنجا که بخواهی تداوم یابد^۱ چنانکه می خوانیم: «فسبح بحمد ربك».^۲

پس تسبیح آن است که در پرونده خدا، ظلم و ستمی، جهل و اشتباهی سراغ نگیرم و اعتراف کنیم: «ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانك فقنا عذاب النار».^۳

تسبیح آنجا مطرح می شود که من با بررسی و دیدن آسمان، جنگل و دریا و جنگ، فقر و جهل، خون و درد، حتی لحظه ای نسبت به خداوند، شک و اعتراضی نکنم و باور داشته باشم که او تمامی کارش را انجام داده و قبول داشته باشم که تمامی آن دردها و ستمها در جامعه، و کمبودها در جهان از ماست و به عهده ماست، پس تسبیح کلمه نیست، چنان که شکر و استغفار با کلمه نیست و اینها فقط صیغه شکر و استغفار است و عتاب امام علی علیه السلام را در نهج البلاغه، قصار ۴۱۷ را می بینیم که وقتی فرد، فقط استغفار زبانی می کند، ۶ مرحله را یادآور می شود:

پشیمانی برگزیده، عزم بر عدم بازگشت گناه، ادای حق مردم، جبران فرایض، ذوب گوشتی که از معصیت روییده با غم و غصه و چشاندن رنج طاعت در برابر لذت معصیت. دلیل این ادعا در خطبه

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۱۶۰.

۲. سوره نصر.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.

۱۵۹، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۵۷، ۱۸۲، ۱۱۴ نهج البلاغه و دعای اول صحیفه سجادیّه آمده است که نشان می‌دهد، حمد وسیله شکر و رسیدن به رضای خدا و اراده او وسیله ادای حقوق و میزان انسانیت و مرز بین حیوانات و انسان است.^۱

چنان که در صحیفه سجادیّه می‌خوانیم: «الحمد لله الذي لو حبس عن عباده معرفة حمده... لتصرفوا في مننه فلم يحمده و توسعوا في رزقه فلم يشكروه ولو كانوا كذلك لخرجوا من حدود الانسانية الى حد البهيمية، فكانوا كما وصف في محكم كتابه، ان هم الا كالانعام بل هم اضل سبيلا».

اگر چنین نبود و کار فقط بر عهده ولی خداوند می‌بود و همه کارها را به عهده او می‌گذاشتیم و هنگام پایان کار می‌گفتیم: «الحمد لله رب العالمين»؛ ما نیز هم صدا با یاران بی وفای موسی عليه السلام می‌شدیم که گفتند: «اذهب انت وربك فقاتلا انا ههنا قاعدون!»^۲ تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما اینجا نشسته‌ایم.

حال آن که شکل حقیقی ارادت و انتظار در تبعیت و نصرت جلوه می‌کند «و تجعلني من المنتظرين والتابعين والناصرين».^۳

و در جایی دیگر صریحاً می‌خوانیم: «اللهم انصره وانتصر به لدينك

۱. تطبیق با جاری قرآن، صص ۳۹-۳۷. ۲. سوره مائده، آیه ۲۴.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه؛ درباره شکل های نصرت امام عليه السلام کتاب های مفیدی چون: کیفیت یاری قائم عليه السلام از آقای فقیه ایمانی و... به چاپ رسیده است.

و انصر به اوليائك و اوليائه و شيعته و انصاره و اجعلنا منهم».^۱
 خدايا! امام را ياری کن و با او دینت را نصرت بده... و مرا هم از آنان
 قرار بده.

می بینیم امام صادق علیه السلام هنگامی که احول را در بازگشت از بصره
 می بیند، می پرسد: بصره بودی؟

با پاسخ مثبت او، امام علیه السلام می پرسد: کیفیت رجوع مردم را در گرایش
 به تشیع چگونه دیدی؟

و او قسم می خورد که بسیار کم رنگ بود! و اینجا امام علیه السلام بر او
 تکلیف می کند که «عليك بالاحداث فانهم اسرع الي كل خير»؛ بر تو باد
 تبلیغ نوجوانان، که آنان پر شتاب به سوی هر خوبی اند.^۲

این گونه است که انتظار یک عمل است نه فقط یک حالت^۳
 و امام علیه السلام اهتمام در امر اصلاح خویش (منتظر) و جامعه را می طلبد:
 هر کس از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما
 نزدیک سازد و از آنچه خوشایند ما نیست و باعث کراهت و خشم ما
 می باشد، دوری گزیند و آن کس که دوست دارد از اصحاب امام
 موعود علیه السلام باشد، انتظار حقیقی اش با معیار ورع و نیکویی های اخلاقی
 توصیف شده است.^۴

۱. دعای بعد از زیارت آل یس.

۲. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۷.

۳. انتظار، استاد علی صفایی حائری رحمته الله و حدیث آن، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

امام مهدی علیه السلام بشارت می‌دهد: هر کس در حاجت خدا (که همان حاجات مردم و دین خداست) کوشش کند، «کان الله فی حاجته»، خداوند پیگیر حاجت آن بنده خواهد بود.^۱

راستی که خداوند کمبودی نگذاشته و فسادى که در خشکی و دریا می‌باشد از کار آدمیان ایجاد شده و نعمت امام علیه السلام را از ما دریغ داشته است.

نمونه روایات از تنزیه و تسبیح خداوند

امام صادق علیه السلام در توحید مفضل می‌فرماید: اینک برای تو از آفت‌ها و بلاها سخن می‌گویم که گاهی پدید می‌آید و گروهی از جاهلان آن را وسیله ساخته‌اند که تدبیر و تقدیر و آفرینش خدای متعال را انکار نموده و وقوع آن‌ها را برخلاف حکمت می‌پندارند، مانند وبا، طاعون و انواع بیماری‌ها، تگرگ و ملخ که کشتزارها و میوه‌ها را ضایع می‌سازد....

در پاسخ می‌گوییم: اگر خالق و مدبری در جهان نمی‌بود، می‌بایست بیش از این فتنه و فساد و آفت و بلا در دنیا پدید آید و مثلاً نظام آسمان و زمین گسسته شود و ستاره‌ها بر زمین فرو افتند، یا زمین به آب فرو رود یا آفتاب دیگر طلوع نکند، یا رودها و چشمه‌ها خشک شوند یا آب دریا بر خشکی طغیان کند و همه جانداران را غرق سازد. همین آفت‌ها از قبیل طاعون و ملخ هم چرا دیر نمی‌پاید و دائمی نیست تا همه را بیچاره کند و نابود سازد و فقط گاهی بروز می‌کند و زود بر طرف می‌گردد؟!!

نمی بینی که جهان از آن بلاهای بزرگ که می تواند همه اهل جهان را نابود سازد، محفوظ است و فقط گاهی مردمان را با آفتها و بلاهای کوچکی می گزد و می ترساند تا تأدیب شوند و باز به زودی آن بلا را زائل می سازد تا وقوع آفت و بلا، پندی برای آنان باشد و برطرف کردنش رحمت و نعمتی بر آنان.

بی دینان درباره مصیبتها و ناخوشایندهایی که برای مردم رخ می دهد، می گویند: اگر جهان آفریدگار مهربانی دارد، چرا این گرفتاری ها پیدا می شود؟!

گوینده چنین سخنی گمان می کند که زندگی آدمی در جهان باید از هر رنج و کدورتی صاف و خالی باشد! اگر چنین می بود آن قدر شرّ و فساد و طغیان در مردم پدیدار می شد که نه به صلاح دنیای آنها بود و نه به کار آخرتشان می آمد، چنان که می بینی برخی را که به ناز و نعمت برآمده اند و به امنیت و رفاه و توانگری پرورش یافته اند؛ در طغیان و کفران بدانجا رسیده اند که گویی فراموش کرده اند که از جنس بشر و مخلوق پروردگارند....

آنان که این رنجها و آزارها را در جهان نمی پسندند، در واقع به کودکان شبیه اند که از دواهای تلخ و ناگوار، بدگویی می کنند و ممنوع نمودن آنها از خوردنی های لذیذی که برای ایشان زیانمند است، موجب خشمشان می شود، آموختن و تحصیل علوم بر آنان سخت و ناگوار است، دوست دارند که پیوسته به بازی و بطالت بگذرانند و هر خوردنی و نوشیدنی که مایل هستند بخورند و بیاشامند و درک

نمی‌کنند که به بازی و بطالت گذارند، چه زیان‌هایی برای دین و دنیای آنها دارد....

بسا رنجی که آسودگی در پی دارد، بسا تلخی‌هایی که شیرینی‌ها به بار می‌آورد.^۱



از امام رضا علیه السلام سؤال شد: چرا خداوند در زمان حضرت نوح علیه السلام تمام مردم را غرق کرد در حالی که در میان آنان کودکان و افراد بی‌گناه بودند؟!

امام علیه السلام پاسخ دادند: در میان آنان کودک نبود، زیرا از چهل سال قبل از طوفان، خداوند آنان را عقیم نمود و هنگام طوفان، کودکی وجود نداشت و افرادی که غرق شدند دو دسته بودند: یک دسته نوح را تکذیب کرده و با او مبارزه کردند و گروهی هم در برابر ظلم و ستم گروه اول سکوت کردند و عملاً به کردار آنان راضی بودند.^۲

روزی عَزَّوَجَلَّ پیامبر به خداوند عرض کرد: خدایا! تمام کارهای تو را مورد مطالعه و دقت قرار دادم و عدل تو را در تمام امور به تشخیص عقلم درک کردم، اما یک موضوع را نمی‌دانم، چگونه با عدل تو

۱. بخشی از توحید مفضل، به نقل از کتاب پیشوای ششم، نشر مؤسسه در راه حق.

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۷۳.

می‌سازد، تو برای افرادی که مستحق کیفر و بلا هستند، خشم می‌گیری و بلا را بر تمام آنها می‌فرستی در حالی که در میان آنان کودکان بی‌گناه وجود دارند.

خداوند پاسخ داد: وقتی یک ملت سزاوار بلا شد، بلا را هنگام فرا رسیدن مرگ کودکان قرار می‌دهیم و مقدر می‌کنیم، بنابراین کودکان با مرگ طبیعی خود از بین رفته‌اند و بلا تنها برای افراد مسؤل است.^۱ (تقریب اجل‌ها می‌شود) یعنی کودکان همان مقدار عمر داشته‌اند و اجل‌شان هم زمان با نزول بلا می‌گردد.

فراز دوم دعا (سنت بلا)

بعد از حمد و سپاس خدا و درود بر محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اظهار تسلیم، (وسلم تسليماً) به سپاس بر جریانی سخت، یعنی بلا و زهد که شرط خداوند است، مرور می‌کنیم: «اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك، في اوليائك الذين استخلصتهم لنفسك»؛ سپاس تو را به خاطر آنچه از قضای تو بر اولیائت گذشت که آنان را بر خویش و دینت خالص نموده بودی، «إذ اخترت لهم جزیل ما عندك من النعم المقيم، الذي لازوال له ولا اضمحلال».

در برابر تحمل آن قضا، پاداشی بزرگ برای آنان برگزیدی که عبارت است از: نعمت پاینده و جاودانه‌ای که زوال و نابودی نپذیرد.

چه شگفت است که این خاندان بر خداوند حق پیدا می‌کنند که در دعا می‌خوانیم: «الهی به حق محمد و آل محمد علیک».^۱

البته تو نیز شرط نمودی که باید در این دنیا زهد بورزند و از زیور و زینت‌های آن چشم بپوشند، «بعد أن شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنیا الدنیه و زخرفها و زبرجها»؛ هنگامی که آن عهد را پذیرفتند و تو نیز بر وفای آنان واقف گشتی «و علمت منهم الوفاء» پس چند پاداش را بر ایشان از پیش تقدیر نمودی که عبارتند از:

قبول و قرب «فقبلتهم و قربتهم»

ذکر و نامی بلند و ابدی «و قدّمت لهم و الذکر العلی» چنان که حضرت زینب علیها السلام به یزید «لعن» فرمودند: «فوالله لا تمحوا ذکرنا و لا تمیت و حینا»؛^۲ به خدا قسم نمی‌توانی ذکر ما را محو کنی و وحی ما را خاموش کنی که مقامی ستودنی و پر ستایش آشکار خواهد شد «و الثناء الجلی»

و نزول ملائک بر آنان «و أهبطت علیهم ملائکتک»

و کرامت بی‌بدیل و وحی «و کرّمتهم بوحیک» که ائمه علیهم السلام حامل علوم وحی‌اند.

و بر سفره علم الهی نشانیدن «و رفّدتهم بعلمک» و این علم نصرت آنان است.

۱. از تعقیبات نماز صبح، مفاتیح الجنان.

۲. لهوف، سید بن طاووس، ص ۲۵۰، ترجمه عباس عزیزی.

و دستگیره به سوی خویش «وجعلتهم الذریعة»^۱ و دلیل قرآنی آن آیه ۶۴ از سوره نساء است.

و وسیله خشنودی و رضای الهی «و الوسيلة الى رضوانك».

این مجموعه برای زهد و تحمل بلاست، که زهد نیز ابتلا و امتحان است، زهد در مفهومی روشن یعنی آزادی، مفهومی که علی علیه السلام از قرآن استنتاج نموده و می فرماید: به تمامی دست آوردها خوشحال نباش و بدون همه اینها رنجی نبر، زهد به معنی ترک نیست، بلکه زهد دینی اخذ و گرفتن است «خذوا من ممرکم لمقرکم» برداشتن و آوردن، نه رها کردن و رفتن، زهد با نداشتن برابر نیست، چه بسا فقیری که زاهد نیست و بی نیازی که راغب نیست بلکه منتظر ادای امانت و رساندن بار مسؤولیت است، زهد این است که تو از محرکها، غریزه و عادت فراتر بیایی، تنها به خودت محدود نشوی، مادامی که در نجد و یمامه گرفتاری هست، آرام نباشی. زهد، کم کار کردن نیست، کم برداشتن است.

زاهد از یهودی بیشتر می کوشد و از درویش کمتر برمی دارد و همین است که توسعه می آورد و رشد صنعت و رشد عدالت را همسازی می نماید.^۲

۱. در حدیث آمده: هرگاه مشکلی بر شما نازل شد، پس با ما از خدا یاری جوئید و هو قول الله عزوجل والله الاسماء الحسنی فادفوه بها؛ (بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۸۵)؛ ای جابر هرگاه خواستی خدا را بخوانی و اجابت شود، پس خدا را با اسماء آنان بخوان که محبوبترین نزد خداست. (بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۱)

۲. شبهات حکومت دینی، استاد علی صفایی حائری، ص ۱۴۹، چاپ اطلاعات.

این مجموعه، همه برای این زهد و تحمل بلاهاست. این سنت اجتناب‌ناپذیر است و در شکل‌های مختلف ترس، گرسنگی، نقص جان، مال و ثمره‌های زندگی،^۱ موافق استعدادها و صلاحیت‌ها عرضه می‌شود.

هر کس به انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام و رهپویان حق نزدیک‌تر باشد، امتحانی سخت‌تر خواهد داشت. «ان اشد الناس بلاء الانبياء ثم الذين يلونهم ثم الامثل فالامثل».^۲

چراکه:

سلسله موی دوست حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

گرچه هدف این بلا برای افراد مختلف است و اولیاء خداوند شامل مقاصد عمومی نمی‌شوند، چنان که فرموده‌اند: «ان البلاء للظالم ادب وللمؤمن امتحان وللأنبياء درجه».^۳

که همین دوران غیبت و انتظار نیز امتحانی برای مؤمنان منتظر می‌باشد، امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌فرماید: آنگاه که دست از پنجمین نفر از فرزندان هفتم ائمه کوتاه شد، پس خدا را در دینتان، کسی شما را از آن جدا نکند... برای صاحب این امر غیبتی است، این فقط امتحانی از

۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۸۲.

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۳. همان، ص ۴۹۳، ح ۱۹۵۹.

سوی خداست که آفریدگان را با آن می‌سنجد!

معنای بلا چیست؟

بلا و ابتلا سنجیدن است، به بوته آزمایش انداختن است^۲ و از آنجا که خداوند بصیر، خبیر و لطیف است، آدمی را در نقطه ضعف او امتحان می‌کند و این لازمه پاداش در سلوک است، پس در پیچ‌های سفت و محکم ما را نمی‌پیچانند چون ذر آنجا محکم هستیم، بلکه در آنجا که نقطه اصلی درد و ضعف است و همین سرّ تفاوت امتحان افراد است، حاتم را با پول و بخشش نمی‌سنجند و این است که بلاها به حسن و سیئه و خیر و شرّ تنوع می‌یابند، بلاهای حسن همانا مال، فرزند، نعمت‌ها، رزق‌ها و موارد مشابه، و بلاهای شرّ آمیز، جنگ، بیماری، گرفتاری و حاکمیت ستمگران می‌باشد.^۳

تردید نیست که این بلا به استثنای فرد ظالم، نشانه دوستی و عنایت است که احادیث می‌گویند، وقتی خداوند بنده‌ای را دوست داشت او را غرق بلا می‌کند^۴ و از غمی در نیامد، در غمی دیگر می‌نشانند^۵ و حتی اگر شده در خراش، لطمه، لغزش و پریدن چشم

۱. غیبت شیخ طوسی رحمته الله، ص ۳۳۷، ح ۲۸۴ - ۲۸۳.

۲. امام حسین علیه السلام درباره یاران باوفایش می‌فرماید: *ولله لقد بلوتهم فما وحدت فيهم الا الاشوس الاقص*؛ به خدا سوگند آنها را آزمودم و نیافتم مگر دلاور و غرنده همچون شیر؛ سخنان امام حسین علیه السلام، صادق نجمی، ص ۱۷۲.

۳. سوره‌های انفال، آیه ۱۷۰؛ انبیاء، آیه ۳۵؛ اعراف، آیه ۱۶۸ و فجر آیات ۱۶-۱۵.

۴. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۹۱. ۵. همان.

و حتی در پاره شدن بند کفش،^۱ او را پالایش می‌کند و چنین است که می‌بینیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام هم از گرسنگی و بیماری در امان نیستند، آن هم در شکل‌هایی بسیار رنج‌آور.

علی علیه السلام می‌فرماید: با پیغمبر صلی الله علیه و آله مشغول کردن خندق بودیم و در این هنگام فاطمه علیها السلام آمد و همراهش قطعه‌ای نان آورده بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم نمود و گفت: قرص نانی را برای حسن و حسین پخته بودم و این قطعه را برای شما آوردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای فاطمه! این اولین غذایی است که بعد از سه روز (گرسنگی) نصیب پدر تو می‌شود!^۲

در روایتی آمده که امیرالمؤمنین علیه السلام بیمار گردید و عده‌ای برای دیدار ایشان رفتند و گفتند: چگونه صبح نمودی یا امیرالمؤمنین؟

امام علیه السلام پاسخ داد: «اصبحت بشر»؛ با شری صبح نمودم!

گفتند: سبحان الله مانند تو چنین سخنی می‌گوید.

امام علیه السلام فرمود: خدا می‌گوید: «و نبلوكم بالشرّ و الخیر فتنة»؛ شما را با خیر و شرّ می‌آزماییم.^۳

در هر گرفتاری سه نعمت وجود دارد:

۱. شناخت نقطه ضعف‌ها؛

۲. قطع تعلق و وابستگی؛

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۰.

۱. همان، ص ۴۹۰.

۳. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۷۹؛ سوره انبیاء، آیه ۳۵.

۳. انکسار و دلشکستگی؛^۱

این پاکسازی‌ها و آزمایش‌ها موضوعی است که امام حسین علیه السلام به زیبایی از آن سخن گفته است:

«انت الذی ازلت الاغیار عن قلوب احبائک حتی لم یُحبّوا سواک و لم یلجئوا الی غیرک»؛^۲ اینهاست که سالک را به تفویض و اعتماد به تدبیر خداوند می‌کشاند و از غیر می‌رهاند.

خلق را با تو کج و بد خود کند عاقبت روی تو را آن سو کند

و شهریار سروده است:

جبین گره مکن ز هر چه پیش آید

که تو ز سگه یک روی آن می‌خوانی

به روی دیگرش نعمتی نهفته خدای

که شکر آن تا به قیامت نتوانی

و امامت نیز از بستر همین ابتلا و شکیبایی می‌گذرد.^۳

برخورد با بلاء

در برابر بلا و گرفتاری سه گونه می‌توان رفتار کرد:

جَزَع؛

صبر؛

شکر؛

۱. روزهای فاطمه علیها السلام، استاد علی صفایی حائری، ص ۳۵.

۲. مفاتیح الجنان، دعای عرفه. ۳. سوره بقره، آیه ۱۱۸ و سوره سجده، آیه ۲۴.

شکر مخصوص کسانی است که می‌توانند صورت نعمت‌های خدا را حتی در بلاها ببینند و زیادتى شکر، لازمه‌اش شناخت چهره نعمت در بلاهاست، وقتی تو در نعمت‌ها (بلا) ذکر ببینی، زیادتى شکر خواهی داشت.^۱

چه شگفت است که جابر می‌گوید: حضرت رسول اکرم ﷺ نگاهش به فاطمه علیها السلام افتاد در حالی که او عبایی از موی شتر بر سر افکنده بود و با دو دست خود آرد می‌کرد و فرزند خود را شیر می‌داد. پیامبر ﷺ از چشمان اشک ریخت و فرمود: ای دخترم! قبل از شیرینی آخرت، تلخی دنیا را بنوش.

فاطمه علیها السلام عرض کرد: «یا رسول الله، الحمد لله علی نعمائه و الشکر لله علی آلائه»؛ خدا را ستایش می‌کنم بر نعمت‌هایش و سپا گزارم بر داده‌هایش.^۲ رهنمود بینش دینی ما برای مقابله با بلاها، ظرفیت دادن و انشراح صدر است که با ذکر رفیع و شکر حاصل می‌شود، ذکر رفیع همان آیه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» است که نشان می‌دهد، هر سختی، سه آسانی دارد «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»^۳ و آیه شکر که می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»؛^۴ اگر شکر گزار باشید، توسعه می‌یابید.

۱. دعاهای فاطمه علیها السلام، استاد علی صفایی حائری، صص ۳۶-۳۵.

۲. اخلاق فاطمه علیها السلام، تاج لنگرودی، ص ۴ به نقل از سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۷۱.

۳. سوره طلاق، آیه ۷، سه آسانی: اشتغال، ورزیده شدن و مزد پایان است.

۴. سوره ابراهیم، آیه ۷.

آثار بلا

در آیات و روایات آثار مختلفی بیان شده که عبارتند از:

۱. آگاهی و شناخت صابر، مجاهد و پاک از ناپاک؛

۲. تواضع و انکسار؛

۳. بازگشت از گناه؛

۴. تضرع و توسل؛

۵. نزول برکات و صلوات و رحمت؛

۶. بیداری و تنبیه؛

۷. ترک گناه؛

۸. تصحیح ایمان؛

و....

نتیجه درک سنت جاری بلا این است که منتظرین اگر مال و جان خویش را در دوران غیبت آماج بلا ببینند، به امامان علیهم السلام و اسوه‌های خویش اقتدا کرده و استقامت کنند و به عجله و تردید و یا وادادگی دچار نگردند و چنان که فرمود: دعای غریق را در این دوره بخوانید: «یا الله یا رحمان و یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک».^۱ باید که طلب شکیبایی نمایند «و صبرنی علی ذلك»؛ برابر این امر شکیبانما^۲ که صبر برای ایمان، مانند سر برای بدن است، بدون دست،

۱. اکمال الدین، شیخ صدوق رحمته الله، ج ۲، ص ۳۵۱ و کافی، باب دعا.

۲. مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان.

پا، چشم و حتی با قلب پیوندی هم می‌توان زنده ماند، اما بدون سر هرگز!

مروری بر حرکت واحد انبیاء علیهم‌السلام

«فبعض اسکنته جنتک الی ان اخرجته منها» از این بخش به یادآوری سابقه و تاریخ انبیاء پرداخته می‌شود که از آدم علیه‌السلام، نوح علیه‌السلام، ابراهیم خلیل علیه‌السلام و موسی کلیم علیه‌السلام و برادرش هارون (که وزیر او می‌شود) و مسیح علیه‌السلام که با بیّنات می‌آید، همه آنان دارای شریعت و آدابی بودند «وکل شرعت له شریعةً و نهجت له منهاجاً» و برنامه و روش حرکت داشته‌اند و از همه مهم‌تر برای آنان اوصیایی مقرر می‌شود تا نگهبان دین بعد از آنها باشند؛ چنان که هارون علیه‌السلام برای موسی علیه‌السلام و حواریون برای عیسی علیه‌السلام و اینان اقامه دین را عهده‌دار می‌شوند تا اتمام حجت گردد و جبهه حق در پایگاهش سست نشود و باطل پیروز نگردد و دیگر کسی اعتراضی نکند که چرا پیامبر آگاه‌کننده نیامد و پرچم هدایت را به احتزاز در نیآورد تا ما پیروی کنیم و خوار و خفیف نگردیم!

تا این که زمان به ظهور تاج سرانبیاء، سرور کائنات، محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌رسد.

آری!

خداوند این جریان مستمر هدایت یعنی سلسله متصل هدایتگران و اوصیاء را برای بشریت در تاریخ تمهید می‌نماید تا کسی حق اعتراضی نداشته باشد.

نکات قابل بررسی در این فراز عبارتند از:

۱. انسان حجتی بر علیه خداوند ندارد، چرا که «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۱ و اگر خداوند کسی را نفرستد، عذاب هم نخواهد داشت.^۲
۲. انسان نمی تواند عذر نا آگاهی بیاورد، زیرا که توانایی برای آگاهی یافتن داشته است، از او می پرسند: «هَلَّا تَعْلَمْتَ» یعنی وقتی عذر بیاورد که نمی دانستم، می گویند: می توانستی بدانی.^۳
۳. ایمان صادق و کامل آن است که بین هیچ کدام از رُسل تفاوتی نگذاریم (از لحاظ مأموریت) و به همه ایمان آوریم.^۴
۴. جریان اخراج حضرت آدم عليه السلام از بهشت، نشان دهنده نقص برای حضرت آدم عليه السلام نیست، زیرا آن بهشت، بهشت معروف نیست، امام صادق عليه السلام می فرماید: آن باغی از باغ های دنیا بود که خورشید و ماه بر آن می تابید و اگر بهشت جاودانی بود، هرگز از آن رانده نمی شد.^۵
- حتی پذیرفتن حضرت آدم عليه السلام از شیطان، چنان که در روایات آمده به این دلیل بود که آدم عليه السلام فکر نمی کرد، کسی دروغ بگوید و اصولاً خلقت شیطان نیز در مجموعه نظام هستی بد نبوده، چنان که قرآن خود می فرماید: شیطان بر آنان سلطه ای نداشت مگر این که می خواستیم (بیازماییم) تا کسی که به قیامت ایمان داشته از آن که در شک و تردید است، بشناسیم.^۶

۱. سوره رعد، آیه ۷. ۲. سوره اسراء، آیه ۱۵.

۳. مسؤولیت و سازندگی، استاد علی صفایی، نشر لیلۃ القدر، ص ۲۷.

۴. سوره بقره، آیه ۲۸۶ و سوره شوری، آیه ۱۳.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳۵ به نقل از بحار الانوار، ج ۱۱.

۶. سوره سباء، آیه ۴۴.

تاین بی می گوید: هیچ تمدن درخشانی در جهان پیدا نمی شود، مگر آن که ملتی مورد هجوم یک نیروی خارجی قرار گرفتند و بر اثر این تهاجم نبوغ و استعداد خود را به کار انداختند و آن چنان تمدن درخشانی به وجود آوردند.^۱

۵. درباره حضرت ابراهیم علیه السلام که چرا خلیل شد، روایاتی داریم که می گوید:

او زیاد بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات می فرستاد، اطعام و نماز شب داشت؛ به جای ثمن غذا به میهمانان می گفت: شروع غذا با بسم الله باشد و پایان با الحمد لله.^۲

همچنین باید ساحت ابراهیم علیه السلام از این نکته پاک باشد که آیه اطمینان قلب را به معنی آرامش قلب در وقوع زنده کردن اموات بگیریم بلکه در حدیث آمده است که حضرت ابراهیم علیه السلام از عبد صالحی شنید، خداوند عبدی دارد که او را دوست خود گرفته است، پس نشانه آن عبد را پرسید، پاسخ داد: او کسی است که اگر از خدا بخواهد مرده زنده کند، برایش چنین می کند.

پس ابراهیم، از خدا خواست که مرده گان را زنده کند، «لیطمئن بالخله» تا مطمئن شود، خلیل خود اوست.^۳

ادامه دعا از جریان رسالت می گوید که به محبوب خدا و نجیب او

۲. علل الشرایع، ج ۱، صص ۳۵-۳۴.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۳۶.

(با کرامت و برگزیده) یعنی محمد ﷺ می‌رسد، که آقای همه آفریدگان و زبده و برگزیده گان، افضل انتخاب شدگان، گرامی‌ترین در معتمدان خدا، مقدم بر همه پیامبران و مبعوث بر جن و انس است و چنان خواستنی است که مشارق و مغارب عالم را زیر پایش نهاده و مرکب برق آسا را در خدمتش گزارده و او را به معراج سیر می‌دهد و آنگاه، علم اول و آخر تا نهایت آفرینش را در اختیارش می‌گذارد و دشمنانش را مرعوب نموده و جبرئیل و میکائیل در خدمتش و همه فرشتگان در رکابش، وعده پیروزی نهایی دین او و سرزمین مبارک مکه مرکز و پایگاه حرکت و در نهایت طهارت مطلقه در او و در خاندانش، در این دعا گزارش می‌شود.

در حدیث آمده: مکه را بکه گفته‌اند؛ زیرا مردم در آنجا می‌گریند.^۱

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا کعبه را کعبه نامیدند؟!؟

فرمود: چون در طول و مقابل بیت المعمور بود که مربع است.

پرسیدند: چرا بیت المعمور مربع است؟!؟

پاسخ داد: چون در طول عرش است که آن هم مربع است.

پرسیدند: چرا عرش مربع می‌باشد؟!؟

فرمود: چون کلماتی که اسلام بر آن بنا شده، ۴ کلمه است:

«سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر».^۲

۲. علل الشرایع، ص ۳۹۶.

۱. علل الشرایع، ص ۳۹۷.

جایگاه ویژه محمد ﷺ و علم و کمال خاص او

پیامبر ﷺ در قرآن به:

رحمة للعالمین؛^۱

بشیر و نذیر همه مردم عالم؛^۲

منت بر مؤمنین؛^۳

دارای خلق عظیم؛^۴

شاهد و شهید بر امت؛^۵

خاتم انبیاء؛^۶

وعده پیروزی حتمی دین او؛^۷

نرمش و لطافت در اخلاق.^۸

توصیف شده است، او کارنامه بسیار بزرگی دارد:

۱. آوردن آخرین دین و پیروزی و حاکمیت آن در سخت‌ترین

جامعه و سپس در عالم؛

۲. تشکیل حاکمیت نوین و جامع، رشد همه جانبه اندیشه، اخلاق،

سیاست و اقتصاد؛

۳. ایجاد وحدت بین قبایل پراکنده و تبدیل خصلت‌ها

و خصومت‌های دیرین به اخوت و فداکاری؛

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

۲. سوره سباء، آیه ۲۸.

۳. سوره نحل، آیه ۸۹.

۴. سوره قلم، آیه ۴.

۵. سوره نحل، آیه ۱۸۹.

۶. سوره احزاب، آیه ۴۰.

۷. سوره صف، آیه ۹.

۸. سوره آل عمران، آیه ۵۹.

۴. اجرای قوانین دین خویش در همه ابعاد.^۱

مناقب رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن قدر زیاد است که از سوی بیگانگان ستوده می شود و عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه و آله و قرآن^۲ نگاشته می گردد و چه کسی نمی داند که علت حملات ناجوانمردانه در دنیای غرب و حتی برخی مسلمانان مرتد به ساحت آن گرامی به دلیل جذبه شخصیت و سرعت نفوذ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در عالم است، چنان که آقای راب ویکس تازه مسلمان، گفته است: اسلام دینی عقلانی بود که پر از راز و نیاز برای هدایت انسان بود و از دانش هم حمایت می کرد، در حالی که مبلغان مسیحی با علم و دانش مخالف بودند، گویی خداوند نادانی را دوست دارد، انگار اسلام برای من ساخته شده بود، مسلمان خوب بودن، شخصیتی بود که من دوست داشتم باشم، بعد از مطالعه و عبادت به مدت یک ماه دیگر، دریافتم که اگر محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر نبود، نباید وجود پیامبران دیگر را هم باور کرد، بعد، لحظه تصمیم گیری رسید.^۳

آقای کریستو فز شلیتون می گوید: با چند تن از دوستانم در مورد مذهب بحث می کردیم که آنها از من خواستند، یک قرآن بخرم و من هم این کار را کردم، به نزدیک ترین کتاب فروشی رفتم و ترجمه ای روان و ساده از قرآن خریدم، اما این اولین نگاه من به اسلام ناب بود، در

۱. معارف و معاریف، سید مصطفی حسینی رشتی، ج ۹، ص ۱۸۲.

۲. جان دیون دپورت انگلیسی، ترجمه غلامرضا سعیدی.

۳. مجله کانون خانواده، ش ۱۶۲، ص ۲۹.

عرض چند هفته با این که شهادتین را نگفته بودم، اما عقاید مسلمانان را پذیرفتم... مادرم از هر چه در توانش بود، استفاده کرد، تا جلوی مسلمان شدن مرا بگیرد.

او سه بار مرا نزد واعظ خود بُرد، اما این کار نتیجه‌ای نداشت.^۱ شگفت‌آور است در چند دههٔ اخیر که حملات به ساحت آن گرامی بیشتر شده، تازه مسلمانان با خواندن سیرهٔ او و تحت تأثیر شخصیت وی مسلمان‌تر شدند.^۲

راستی حضرت محمد ﷺ چه کرده است؟

او شراب طهور حقیقت به کام انسان ریخت، آدم را با شراب حضور معیت «هو معکم اینّ ما کنتم»^۳ آشنایی داد و گفت مرگی در کار نیست که مرگ خود مخلوق^۴ است و آغاز دویدن‌هاست.^۵

سودای سر بالا را در انسان شعله‌ور کرد که از حقارت‌های زمینی تا ارتفاع (رسیدن به) خدا رشد کرد، چنان که در زیارت رسول ﷺ از بعید می‌خوانیم: «حتی رفعتَ به نواظر العباد و أحييتَ به ميت البلاد»؛

خدایا! تو با رسول‌الله به آدم‌ها، با رفعت نظر داری و سرزمین‌های مرده را با او زنده کردی، همان آرمانی که در سلام بر امام زمان عجل الله فرجه آمده است: «السلام علی ربيع الانام»؛^۶

۱. مجله‌ی کانون خانواده، ش ۱۵۱، ص ۵۱.

۲. همان، شمارهٔ ۱۷۸، خرداد ماه ۱۳۸۶. ۳. سورهٔ حدید، آیهٔ ۴.

۴. سورهٔ ملک، آیهٔ ۲. ۵. قطعه‌ای از شعر استاد صفایی حائری رحمته الله.

۶. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۲.

سلام بر تو ای بهار مردمان، بهار انسان!

آری!

این شعله خاموش شدنی نیست.

او قوانینی آورد که دانش آن در حیطة آگاهی آدمی نبود؛ «علمك ما

لم تكن تعلم».^۱

زیرا که احکام و قواعدش همه بر اندازه‌ها و اقدار هستی بنا شده

و این است حقوق اسلامی مترقی‌ترین حقوق است. زیرا در این بینش

حق بر اساس حدّ و حدّ از قدر و اندازه‌هایی سرچشمه گرفته که مُقَدَّر آن

خداوند هستی است.^۲

با این که خدا به جان او قسم یاد کرد^۳ و اگر او نبود هستی به پا

نمی‌شد^۴ و جبرئیل به او اقتدا نمود^۵ و حتی سجده ملائکه بر آدم به

خاطر آنان بود، اما چنان در عبادت خود را به سختی انداخت که

خداوند به او مشفقانه یادآوری کرد، قرآن را نقرستادیم که این قدر خود

را به رنج دچار کنی.^۶

آنقدر پی در پی روزه می‌گرفت که مردم می‌گفتند، دیگر افطار

نخواهد کرد و سپس مدتی افطار می‌کرد که خیال می‌کردند روزه

۱. سوره نساء، آیه ۱۱۳ و سوره بقره، آیه ۲۳۹.

۲. سوره طلاق، آیه ۳؛ سوره قمر، آیه ۴۹ و از معرفت دینی تا حکومتی دینی، استاد علی

صفایی حائری، صص ۱۵۱ - ۱۴۹. ۳. سوره حجر، آیه ۷۲.

۴. لولاك لما خلقت الافلاك. ۵. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۴۰۴.

۶. سوره طه، آیه ۲.

نخواهد گرفت، نماز شب را به یک مرتبه نمی‌خواند و بخشش بخشش می‌نمود.

به او گفتند: چرا نماز شب را یک مرحله نمی‌خوانی؟!؟

می‌فرمود: نمی‌خواهم لذت خواب را به چشمانم بچشانم!

چنان بر مردم دل سوزاند که خداوند فرمود: داری خودت را دق مرگ می‌کنی از این که ایمان نمی‌آورند.^۱

آن هم مردمی که به او بی‌احترامی نمودند تا جایی که خون از پیشانی‌اش سرازیر شد، ولی مراقبت می‌کرد مبادا خون بر زمین بریزد و هنگامی که خدیجه علیها السلام از او پرسید: «بابی انت و امی» به چه سبب نمی‌گذاری خون بر زمین برسد؟

فرمود: مبادا این خون موجب خشم خدا بر اهل زمین گردد.^۲

چنان متواضعانه عبادت می‌کرد که ام سلمه گوید: شبی او را در تاریکی دیدم که می‌گریست و می‌گفت: «الهی لاتنزع عتی صالح ما اعطیتنی ابدأ ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدأ و تسمت بی عدواً ولا حاسداً ولا تردنی فی سوء استنفذتني منه ابدأ»؛

هنگامی که گفتم: شما با این جلالت و مقام، چنین می‌گویید؟ پاسخ داد: چرا نگویم که خداوند یونس را یک لحظه بر خود وا گذاشت و چنان شد که شد^۳ و چگونه با قناعت زیست که فرمود: می‌خواهم روزی سیر

۱. سوره شعراء، آیه ۳ و سوره کهف، آیه ۶. ۲. معارف و معاریف، ج ۹، ص ۱۸۷.

۳. خاندان وحی، استاد سید علی اکبر قریشی، ص ۴۲ به نقل از تفسیر برهان، ج ۳، ص ۶۸.

باشم و سپاسگزار و روزی گرسنه و لطف خدا را خواستار، دعای ندبه در واقع به بیان اصالت مهدویت و رابطه‌اش را با رسول الله ﷺ و اخلاق و عظمت و علم او نشان می‌دهد تا جایگاه اصیل امام موعود ﷺ روشن گردد.

اجر مودت آل البيت ﷺ

«ثم جعلت اجر محمد ﷺ مودتهم في كتابك...».

با سیری کوتاه به عظمتی دیگر در شخصیت پیامبر ﷺ می‌رسیم که با همه رنج‌هایش فرمود: «ما اودى نبى بمثل ما اوديت»؛ اما اجری نمی‌خواهد جز مودت اهل البيت ﷺ؛ مودت، محبتی است همراه تمنا و خواستن^۱ و شگفتا که فایده این اجر نیز به خود انسان‌ها می‌رسد «ما سئلتكم من اجر فهو لكم» زیرا به سعادت دوستداران می‌انجامد. چرا که انتخابی مطابق با شأن انسانی خود داشته است.

الآ مَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا؛

اولاً) تردیدی نیست که منظور از قریبی، اهل بیت ﷺ و نزدیکان و خاصان پیامبرند؛ زیرا در کتاب‌های اهل سنت چون:

فضائل الصحابه؛

مستدرک الصحيحین؛

سیوطی در درّ المتثور؛

تفسیر طبرسی؛

شواهد التنزیل حاکم حسکانی و در برخی موارد حتی نام علی علیه السلام و فاطمه و ابناهما را آورده‌اند^۱ و آثاری که بر حبّ آل محمد علیهم السلام مترتب شده، براساس روایت چنین فهرست نموده‌اند که هر کس بر حبّ آل محمد علیهم السلام بمیرد، شهید، مغفور، توبه‌کار با ایمان کامل، با بشارت مثبت، مزار شدن قبر او برای فرشتگان و مرگی براساس سنت است و اعتراف نموده‌اند، هر کس با بغض آنان بمیرد، روز قیامت مأیوس از رحمت خدا، کافر و بوی بهشت را نمی‌شنود.^۲

ثانیاً روشن است که این حبّ، چگونه در سلوک تربیتی مؤمن اثر می‌گذارد، زیرا قلب، جای اشتیاق است و شوق، اعضاء و جوارح را به کار می‌گیرد و به حرکت وامی‌دارد.

پس محبت داشتن به خوب‌ها و خوبی‌ها، بی‌تردید کار تربیتی را آسان نموده و به نتیجه می‌رساند، چنان‌که عکس آن صحیح است و رها نمودن اندیشه در گناه، منجر به اشتیاق و در نهایت به گناه می‌کشاند، امام باقر علیه السلام فرمود: «من کثر فکرة فی المعصية دعتة الیها».^۳

اما آنچه در این مودّت دنبال می‌شود، همانا انتخاب و اتخاذ راه است، این گونه نکته‌ها در دعای ندبه نشانه دیگری بر حقیقت این دعای عظیم الشان است، زیرا با دیگر معارف دین، یعنی کتاب و سنت هماهنگ است، در واقع هدف دین در طرح اندیشه متعالی و محبت

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۰، صص ۴۱۸-۴۱۰. ۲. همان، صص ۴۱۴-۴۱۳.

۳. میزان الحکمة، ماده فکر، ج ۷، ص ۵۴۴.

اسوه‌ها این است که زمینه را برای انتخاب یکی از دو راه «وَهْدَيْنَاهُ
التَّجْدَيْنِ»^۱ آماده کند.

«انا هديناه السبيل اما شاكراً واما كفوراً»؛^۲ مقصد فقط یک انتخاب
است. فقط همین!

به همین دلیل است که قرآن می‌گوید: «لا اکراه فی الدین»^۳ و به
پیامبر ﷺ می‌گوید: تو بر آنها مسلط نیستی^۴ و کیل آنها هم نمی‌باشی^۵ و
گاه می‌گوید: رهایشان کن.^۶

با این بینش این شبهه نیز پاسخ می‌یابد که برخی می‌گویند: پس چرا
جبهه دین که حقیقت است، همیشه شکست خورده و در انزوا و تبعید
قرار گرفته؟ پاسخ این است اگر مقصد رسالت و هدف حکومت دینی،
تسلط، قدرت، اصلاح و تحول آدم‌ها می‌بود، شکست را پذیرفتیم که با
این اهداف، دین دچار تزلزل و بدعت و انحراف شد، اما اگر هدف،
ایجاد زمینه تحوّل و امکان انتخاب و اتخاذ باشد، انبیاء و اولیاء دین،
موفق بوده‌اند، چون دو راه حق و باطل، خوبی و بدی را مشخص کرده
و امکان انتخاب و راه سلوک را فراهم نموده‌اند.^۷

مقام امام علی علیه السلام و مناقب او و تحلیل مقصد امامت و ولایت

فكانوا هم السبيل اليك والمسلك الي رضوانك؛ پس اهل بیت

۱. سوره بلد، آیه ۱۰.

۲. سوره انسان، آیه ۳.

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۴. سوره غاشیه، آیه ۲۲.

۵. سوره انعام، آیه ۶.

۶. سوره انعام، آیه ۹۱.

۷. از معرفت دینی تا حکومت دینی، صص ۹۹-۱۰۰.

پیامبر ﷺ، راه به سوی خدایند و رشته‌ای که به سوی رضوان و خشنودی خداست، «و رضوان من الله اکبر»^۱ و این مقام رضوان چه مقامی است که بعد از توصیف بهشت که می‌فرماید: «وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و مساکن طیبه فی جنات عدن»؛ سپس افق وعده را بالاتر می‌برد و می‌فرماید: «و رضوان من الله اکبر ذلك هو الفوز العظيم» و حال آن که همان جنات عدن چیزی است که فوق توصیف است، چنان که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: عدن آن خانه‌ها پروردگار است که «لم ترها عین و لم یخطر علی قلب بشر» یعنی هیچ چشمی آن را ندیده و بر قلب بشر خطور نکرده «لا یسکنها غیر ثلاثه النیین و الصّدّیقین و الشهداء» و تنها سه گروه در آن ساکن می‌شوند، پیامبران، صدیقین و شهداء^۲ و بعد از این در روایتی از پیامبر اعظم ﷺ به توضیحی روشن‌تر می‌رسیم که می‌فرماید: هر کس دوست دارد که حیاتش همچون زندگی من و مرگش نیز مانند من بوده باشد و در بهشتی که خداوند به من وعده داده در جنات عدن ساکن شود «فلیوال علی بن ابیطالب علیه السلام و ذریته علیهم السلام من بعده» پس باید ولایت و دوستی علی و فرزندانش را به عهده گیرد.^۳

با این توصیف شکوهمند می‌بینیم، رضوان خداوند بزرگ‌تر

۱. سوره توبه، آیه ۷۲.

۲. تفسیر مجمع البیان و تفسیر نمونه، ج ۸، صص ۷۱-۷۲.

۳. همان، ص ۳۹.

تو ضیف می شود که این مقصد با رشته ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام به نتیجه می رسد، زیرا آنان برای خود جز تسلیم و رضایت خدا را نخواستند و به همین سبب، مسیر و رشته ارتباط به سوی خشنودی حق شده اند، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده اند: خدا رحمت کند ابوذر را که مریض را بر سلامتی و فقر را بر دارایی ترجیح می داده، اما ما آنچه را خدا بخواهد، می خواهیم.

و رضوان خدا چیست؟ رضوان چیزی جز، بهره مندی های متعالی، عشق و انس با خداوند نیست که مزاج خاصی را می طلبد، چنان که در دعای امام سجاده علیه السلام آمده است: «اللهم اجعلنا من الذين ترسخت اشجار الشوق في حدائق صدورهم»^۱

خدایا! مرا از کسانی قرار بده که درخت های شوق در باغ های سینه هاشان ریشه دوانده و سوز محبت تو سراسر دل هاشان را فرا گرفته، کسانی که می گویند: «الهی من ذا الذی ذاق حلاوة محبتك فرام منك بدلاً» کیست که شیرینی محبت تو را بیچشد، آنگاه بدلی غیر تو را بخواهد.^۲

«فلما انقضت ایامه اقامه ولیة علی بن ابی طالب صلواتک علیهما و آلهما هادياً»؛ هنگامی زمان مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله پایان یافت، پس علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان هدایت گر کشتی امت قرار داد.

زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله انذار دهنده بود و برای هر قومی، هدایت گری هست

۱. مناجات خمس عشرة، مناجات عارفین، مفاتیح الجنان.

۲. مفاتیح الجنان، مناجات محیین.

(یعنی باید بعد از خودش کسی را برای امت تعیین می‌کرد.)
 پس در حالی که نخبگان (مَلاَءُ^۱) حضور داشتند، چنین اتمام حجت نمود؛ «من كنت مولاة فعلى مولاة...»^۲ تا آنجا که می‌فرماید: «ثُمَّ أودعه علمه و حکمته، فقال انا مدينة العلم و على بابها، فمن اراد المدينة و الحکمة فليأتها من بابها»؛ یعنی گذشته از فضیلت‌هایی، چون شجره واحده بودن علی و پیامبر و وزارت، چون هارون برای موسی، و ازدواج با دختر بزرگوار پیامبر ﷺ که سیده همه زن‌های عالم است و بستن همه درها به مسجد، غیر از در خانه علی ﷺ که بسته نشد، علی ﷺ میراث‌دار دانش رسول‌الله است و از اینجاست که حتی از پیوند جسمانی یکدیگر سخن می‌گوید: «لحمك من لحمي و دمك من دمى»^۳ و سپس مشروعیت راه شیعیان علی ﷺ ریشه می‌گیرد «و شيعتك على منابر من نور...»؛ درباره عظمت شیعه، احادیث زیادی

۱. ملاء آنها که چشم پرکن هستند.

۲. واقعیت این است که جریان غدیر آن قدر ثابت و مبرهن است که کسی نمی‌تواند در آن خدشه کند. زیرا در حدود ۱۹ تفسیر از اهل سنت ذیل آیه مربوطه، اعتراف به جریان غدیر کرده‌اند و مرحوم علامه امینی، ۳۰ سند در الغدير، ج ۱۰، ص ۲۱۴ نقل نموده است.

۳. علی ﷺ می‌فرماید: پیامبر ﷺ مرا در دامن خویش نهاد و من کودک بودم که همچون فرزند مرا در آغوش می‌فشرد «وكان يمضغ الشئ ثم يلقمنيه» غذا را می‌جوید و در دهانم می‌گذاشت. «نهج البلاغه، خ ۱۹۲» و در پیوند روحی پیامبر ﷺ فرموده‌اند: علی نفسی، علی منی، علی بمنزلة رأسی؛ «هزار حدیث در فضائل امیرالمؤمنین، علی رضا صابری، صص ۱۹۴ - ۱۹۰ به نقل از منابع اهل سنت، کنز العمال، احقاق الحق».

هست که به دو مورد آن اکتفا می شود:

امام رضا علیه السلام از پدران خود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَا وَ هَذَا، يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ، وَ ضَمَّ بَيْنَ اصْبِعَيْهِ شِيعَتَنَا مَعَنَا»؛^۱

من و علی علیه السلام در روز قیامت، مثل این دو انگشت به هم پیوسته هستیم و شیعیانمان با ما هستند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تُوَضَّعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنَابِرٌ حَوْلَ الْعَرْشِ لِشِيعَتِي وَ شِيعَةِ أَهْلِ بَيْتِي الْمُخْلِصِينَ فِي وَلَايَتِنَا...؛^۲ در روز قیامت، منبرهایی در اطراف عرش برای شیعیانم و شیعیان اهل بیت من که درباره ولایت ما اخلاص دارند، نهاده می شود و خداوند به آنها می فرماید: ای بندگانم، بیایید تا کرامتم را بر شما سرازیر کن، شما در دنیا مورد آزار قرار گرفتید.

تا جایی که علی علیه السلام معیار شناخت ایمان و کفر، مؤمن و منافق می گردد، «و لولا أنت يا عليّ لم يُعرف المؤمنون بعدى» و رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «يا علي حبك ايمان و بغضك كفر» و در روایات اهل سنت آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: «لا يُبغضك مؤمن و لا يحبك منافق»؛^۳ حتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بعنوان تقسیم کننده بهشت و جهنم معرفی می کند.

چیزی که مهم است، علم و دانش امام علیه السلام است، امام مبین در قرآن^۴ از

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۸. ۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۰.

۳. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۰۳ از کنز العمال، ح ۳۲۸۷۸.

۴. سوره یس، آیه ۱۲.

ناحیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام تأویل شده و هموست که نور وحی و رسالت را می‌بیند، رایحه نبوت را استشمام می‌کند،^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله علم خود را در هنگام وفات به علی علیه السلام منتقل نموده و هزاران باب علم بر امام علیه السلام گشوده گردیده است^۲ و پرندگان تیز پرواز به ستیغ قلّه بلند علم او دست نمی‌یابند^۳ و تا به آنجا می‌رسد که می‌فرماید: «لو كشف الغطا ما زدت يقيناً»^۴.

تنها اوست که می‌تواند بگوید: «سلونی قبل ان تفقدونی»؛ زیرا که راه‌های آسمانی را بهتر از زمین می‌شناسد.^۵

می‌فرماید: به خدا سوگند اگر بخواهم می‌توانم هر کدام شما را از آغاز تا پایان کارش و از تمام اوضاع زندگی‌اش آگاه کنم، اما می‌ترسم به رسول خدا کافر شوید. آگاه باشید من این اسرار را به افرادی خاصی که مورد اطمینان‌اند، خواهم سپرد.^۶

اوست که دنیا را تحقیر می‌کند: «إنا الّذی أهنت الدنیا»^۷.

اوست که دنیا را با صورت به زمین زده است.^۸

او آن چنان بر کتاب خدا آگاه است که به انضمام دو آیه، اقلّ حمل

۱. نهج البلاغه، خ ۱۹۲.

۲. بحار الانوار، ج ۲۶-۲۲، ص ۵۰۷؛ الحکم الزاهره، ج ۱، ص ۸۳.

۳. نهج البلاغه، خ ۳.

۴. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۲۰۳ و غرر الحکم، ص ۶۰۳ و الحکم الزاهره.

۵. نهج البلاغه، خ ۱۸۹.

۶. نهج البلاغه، خ ۱۷۵.

۷. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۱۶.

۸. همان، ص ۲۱۶.

(۶/ماه) را نشان می دهد و زنی را از سنگسار می رهاند^۱ و باعث می شود خلیفه ۷۰ بار بگوید: اگر علی نبود، هلاک می شدم.^۲

چه بهتر که با این کلام از ابن ابی الحدید این بخش را مزین کنیم که می گوید: فضایل علی علیه السلام در آن حدّ از عظمت و شموخ شهرت است که نویسنده و گوینده در برابر آن، خود را ضعیف، زبون و شرمسار می بیند، چه بگویم درباره مردی که دشمنانش به فضایل او اعتراف نموده و در عین دشمنی، نتوانستند آن را پنهان کنند.^۳

اما ویژگی مشترکی که علی علیه السلام گشاینده این باب است و می تواند اصیل ترین شاخصه امامت باشد، همان کلامی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: من بر تنزیل قرآن جنگیدم و علی بر تأویل آن می جنگد.^۴ تأویل، تعبیر احکام و باز گرداندن سخن ها به اصول آن است، او دارای قدرت و وسعتی است که می تواند اصالت را در متن دین نشان دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «علی باب علمی و مبین لأمّتی»؛^۵

علی علیه السلام در علم من و تبیین کننده برای امت من است؛ با بررسی و توجه، می بینیم وحدتی آشکار بین ولایت علی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام می باشد، آنجا که می گوئیم: «السلام عليك حين تقرأ و تبین».^۶

مقام رفیع امامت، دارای مقاصد و اهداف مهمی است که عبارتند از:

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۶. ۲. تاریخ الخلفاء سیوطی.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مقدمه. ۴. شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۰۷.

۵. الحکم الزاهره، ج ۲، ص ۱۰۱ به نقل از الغدیر، ج ۳، ص ۹۶.

۶. زیارت آل یاسین.

۱. تبیین و تفسیر دین؛
۲. هدایت و جهت دادن به سوی خداوند؛
۳. تربیت باطنی (هدایت بالامر)؛
۴. اقامه حق؛
۵. انقلاب در انسان و عقلانیت؛
۶. ناب‌ترین خاصیت امامت تضمین حیات ابدی و راه بی‌نهایت انسان است؛

الف) تبیین و تفسیر دین

در تبیین و تفسیر دین یا همان تاویل که رجوع به اصل و پرده‌برداری از رموزات می‌باشد، ما نمونه شگفتی داریم که ائمه علیهم‌السلام معارف و احکام دین را روشن می‌کنند، کاری که هرگز از مکتب خلافت ساخته نیست.

۱. ما می‌بینیم که چگونه علی علیه‌السلام از ترکیب دو آیه حولین کاملین و حمله و فصاله ثلاثون شهراً، یعنی مادران دو سال فرزندان را شیر دهند و دوران حمل و جدا کردن از شیر را ۳۰ ماه اعلام می‌کند، اقل حمل را نشان می‌دهد و زنی بی‌گناه را از تهمت زنا می‌رهاند^۱ و در روایات اهل سنت آمده که اگر علی علیه‌السلام حکم مسلمانان باغی را نمی‌گفت، نمی‌دانستیم چه باید کرد، حکمی که امام علیه‌السلام از غنیمت گرفتن لشکر عایشه منع نمود.

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۶، آیات: سوره بقره، آیه ۲۳۳، سوره احقاف، آیه ۱۵.

۲. در توضیح آیه «سنستدرجهم من حیث لا یعلمون» آنان را از جایی که نمی‌دانند به تدریج مواخذه می‌کنیم^۱...، امام صادق علیه السلام با سه تعبیر زیبا چنین می‌فرماید: «هو العبد یذنب الذنب فیجدد له النعمة معه تلهیه تلك النعمة عن الاستغفار من ذلك الذنب»؛ این حالتی است که بنده گناه می‌کند و خدا مجدداً به او نعمت می‌دهد و او استغفار را رها کرده و فراموش می‌کند و زمینه عذابش آماده می‌گردد.^۲

۳. زراره می‌گوید: به حضرت امام باقر علیه السلام عرض نمودم: به من خبر نمی‌دهید که از کجا دانستید، مسح سر به قسمتی از آن و مسح پا نیز چنین است؟!^۳

امام علیه السلام فرمود: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله ونزل به الكتاب من الله عزوجل... فعرفنا حين قال: برؤوسکم، ان المسح ببعض الرأس لمكان الباء...»^۳

با توجه به مباحثی که مطرح شد به این نتیجه می‌رسیم که هم اکنون نیز این سلسله نورانی در امام مهدی علیه السلام تجسم یافته آنجا که می‌گوییم: «السلام عليك حين تقرأ و تبین»^۴.

(ب) هدایت و جهت دادن به سوی خداوند

گفتار و رفتار و مناجات‌های ائمه اطهار علیهم السلام، پیوسته آدمی را از ظاهر هستی به سوی خداوند می‌کشاند و نام او را در دل‌ها، بزرگ

۱. سورة اعراف، آیه ۱۸۲. ۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۵۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، صص ۲۹۱-۲۹۰. ۴. مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

می‌کند تا دیگران حقیر و کوچک باشند و انسان راه تعالی را به سادگی
 ببیند، دعوتی با بصیرت کامل، چنان که ثقل اکبر رهنمود داده بود.^۱
 علی علیه السلام در غوغای بیعت فرمود: «دعونی و التمسوا غیری...» مرا
 رها کنید و غیر مرا بجوید، هدف من و شما یکی نیست، من شما را
 برای خدا می‌خواهم و شما مرا برای خود (هدف‌های شخصی)
 می‌خواهید.^۲

ج) تربیت باطنی (هدایت بالامر)

هربرت اسپنسر گفته است: بزرگ‌ترین آرمان نیکان، این است که در
 آدم‌سازی شرکت کنند؛ یعنی مکتب صالح‌سازی بیاورند.^۳
 تربیت باطنی همان هدایت بالامر است که با هدایت عمومی
 و تشریحی متفاوت است، یعنی افرادی که قابلیت و زمینه‌های خوبی
 دارند به وسیله جذب و محبت ائمه علیهم السلام به هدایت می‌رسند، علامه
 طباطبایی رحمته الله درباره آیه مربوطه «جعلناهم ائمةً یهدون بامرنا»^۴
 می‌نویسد: چنان که امام علیه السلام وظیفه راهنمایی صوری مردم را به عهده
 دارد، همچنان ولایت و رهبری باطنی اعمال آنان را بر عهده دارد
 و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به
 سوی خدا سوق می‌دهد.^۵

۱. سوره یوسف، آیه ۱۰۸؛ سوره مدثر، آیات ۴-۳.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۳۶، قصه‌هایی چون ابوهاشم جعفری و امام هادی علیه السلام رهنمود خوبی

هستند. ۳. نهضت حسینی، شهید مطهری، ج ۳، ص ۷۶.

۴. سوره انبیاء، آیه ۷۳. ۵. شیعه در اسلام، ص ۱۵۲.

امام علیؑ می فرماید: ما اهل بیت، آن روح را به وسیله اطاعت و عمل برای خدا تأیید می کنیم.^۱ نمونه های زیادی در تاریخ گذشته و عصر ائمه علیهم السلام و در زمان حاضر موجود است که به وسیله اهل بیت علیهم السلام (از رسول الله ﷺ گرفته تا امام موعود علیهم السلام) به اسلام و ایمان راه یافته اند. (کتاب هایی چون اثبات الهداة، معجزات و کرامات ائمه علیهم السلام را در گذشته گزارش کرده و هم اکنون، کتاب های زیادی این موضوع را بازگو نموده و در جراید هر روزه به چشم می خورند. خانمی به نام سیلویا که نام هاجر را برای خود برگزیده و می گوید: آنچه مرا بر اسلام پایدار ساخت، خواندن زندگی مردی به نام حسین بن علی علیهم السلام است، به نظر من کسی که زندگی حسین علیهم السلام را بخواند، دیگر گمراه نمی شود، درست همان گونه که اگر کسی شنا یاد بگیرد، دیگر غرق نمی شود.^۲

(د) اقامه حق

اقامه حق که در شکل برقراری عدالت، محدود نمی شود، بلکه هدف برپایی تمامی سنت های حاکم بر هستی، سنت هایی که قابل تغییر و تحول نیستند، می باشد، این مقصد جز با حکومت آنان میسر نمی گیرد، البته شیعیان در دوران غیبت امام علیهم السلام نیز مُهْمَل و رها گذاشته نمی شوند و فلسفه سیاسی و حکومتی تشیع، ولایت را به نایبان عام می سپارد تا زمینه ساز حکومت امام موعود علیهم السلام گردند.

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۹، در توضیح آیدم بروج مند (مجادله، ۲۲).

۲. روزنامه جام جم.

ه) انقلاب در انسان و عقلانیت

انقلاب در انسان، مقصد و آرمانی است که برتری دین و رهبری آن را بر دیگر عقاید و ایدئولوژی‌ها و همه مکاتب فلسفی سیاسی معاصر نشان می‌دهد، تاکنون، انقلاب‌های غیردینی، محتوایی جز تحول در امکانات اقتصادی و دانش مادی به همراه نداشته‌اند، اما پیامبران، ثوره و انقلاب را در انسان و عقل او متمرکز کرده‌اند، امام علی علیه السلام در توصیف این آرمان می‌فرماید: «ویشروا لهم دفائن العقول»؛ پیامبران در گنجینه عقل‌ها انقلاب می‌کنند.^۱ آن گرامیان در قوت ارزیابی و سنجش انسان‌ها، تحول و ثوره ایجاد نموده و آدمی را از اهداف پست و حقیر و منازعات خونین و تجاوزگرانه نجات داده و به مقاصد عالی که هماهنگ شأن آدمی است، رهنمون نموده‌اند.

آیا این همان وحدت آرمان انبیاء و ائمه علیهم السلام با کار سترگ و فوق‌العاده امام موعود علیه السلام نیست که با نوازشی مهرآمیز، عقل آدمی را سرشار می‌کند و در بالاترین قله کمال می‌نشانند؟

هنگامی که قائم ما برخیزد، دستش را بر سر بندگان گذارده و عقل آنان را به کمال می‌رساند و اخلاق‌شان را کامل می‌کند.^۲

در ادامه دعا به فضیلت‌های امام علی علیه السلام پرداخته می‌شود که هر کدام قابل تأمل است، «وکان بعده هدی من الضلال» بعد از رسول

۱. نهج البلاغه، خ ۱.

۲. منتخب‌الاثار، آیه‌الله صافی گلپایگانی، ص ۶۰۷.

اکرم صلی الله علیه و آله او پرچم هدایت بود که انحرافات را نشان می داد و نوری بود که رشته محکم خداوند و صراط مستقیم بود و هماهنگ و همانند رسول الله صلی الله علیه و آله (در طی طریق حق) که درود خداوند بر هر دو آنان باد... سپس دعا به مجاهدات علی علیه السلام می پردازد که چگونه پهلوانان (مخالف اسلام و ستمکار) را به خاک ذلت نشانند و کینه های بدر و خیبر و جنگ های دیگر در دل آنان شعله کشید^۱ که باعث طرد و مخالفت با امام علیه السلام می شود، (منابذته) تا این که ناکثین (عهدشکنان، طلحه و زبیر) و قاسطین (نافرمانان، معاویه و عمر و عاص لعنة الله علیهم) و مارقین (منحرفان بر اثر جهل یا خوارج) برابر او صف آرای می کنند و مظلومیت امام علیه السلام در مقایسه با جنگ های رسول اکرم صلی الله علیه و آله دو تفاوت دارد:

۱. جنگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله با کفار بود و این ها به ظاهر مسلمان بودند؛
 ۲. جنگ های پیامبر صلی الله علیه و آله غنیمت داشتند و این جنگ ها غنیمتی نداشتند.
- چنین است که در نهایت «و قتله اشقی الاخرین یثبع اشقی الاولین» او را در محراب به خون می نشانند^۲ و می بینیم که امر رسول الله صلی الله علیه و آله به

۱. حضرت فاطمه علیها السلام: ولا کنها احقاد بدریه و و تراث احدیه کانت علیها قلوب النفاق مکتمنه و خود امام علی علیه السلام می فرماید: من در دوران جوانی بزرگان و شجاعان عرب را به خاک افکندم و پهلوان های ربیعه و مضر را در هم شکستم. (نهج البلاغه، خ ۱۹۳) و در روز عاشورا علت کشتن امام حسین علیه السلام را بغض پدرش عنوان کردند و روزی پیامبر گریه کرد و فرمود: ای علی! برای کینه هایی که در سینه مردم پنهان شده و بعد از من آشکار می شود، می گیرم. (بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۴ و ۵ به نقل از چشمه در بستر).

۲. این اشقی الاخرین ابن ملجم (لعنة الله) است و اشقی الاولین باید پی کننده ناقة صالح علیه السلام

محبت خانواده‌اش، هرگز پاسخ داده نمی‌شود، بلکه به فرموده امام سجاده علیه السلام اگر خداوند دستور به آزار داده بود، بیش از این نمی‌توانستند آزار دهند. پس این خانواده الهی دچار قتل، اسارت و تبعید می‌گردند و قضا یا جریان تاریخ برای آنان جزای جزیل را رقم می‌زند که عاقبت از آن پرهیزکاران و پارسایان است «و العاقبة للمتقين» و صالحان وارثان زمین خواهند شد و این وعده‌ای است که در آن تخلف نخواهد شد؛ زیرا این یک سنت ثابت و حق است.

به راستی در جامعه سه دست بیشتر نیستند و سه فرجام خواهند داشت: مؤمن پارسا که هماهنگ با قانونمندی عالم است، به فلاح و رویش دست می‌یابد، کافر که ناهماهنگ با نظم هستی است، به هلاکت می‌رسد و منافق که بازیگر و مذبذب است، بازیچه می‌شود، یعنی یا مؤمن از او سود می‌برد یا کافر او را بازی می‌دهد.^۱

این همان وعده‌ای است که در قرآن می‌خوانیم: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲ و تأویل آیه نیز همانا عصر امام زمان علیه السلام است، چرا که مصداق کامل «مستضعفین» آل‌البت علیهم السلام می‌باشند که در حدیث آمده، این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که

باشد، اما این ملجم به این صفت توصیف شده، چون امامی را کشت و به دست امام علیه السلام؛ یعنی امام حسن علیه السلام کشته شد.

۱. درس‌هایی از انقلاب، استاد علی صفایی حائری.

۲. سوره قصص، آیه ۵.

بر آنان وارد می شود، بر می انگیزد و به آنان عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند.^۱

شگفتا که این حرکت مهم باندبه، گریه و اقامه عزای آن گرامیان، رابطه ای ناگسستنی دارد که بعد از یادآوری پیروزی نهایی ﴿إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا﴾ می فرماید: «فعلی الاطائب من اهل بیت محمد و علی صلی الله علیه و آله فلیبک الباکون و ایاهم فلیتذب النادبون»؛ پس بر پاکان از اهل بیت محمد و علی صلی الله علیه و آله که درود خداوند بر آنان و آل شان باد، گریه کنندگان بگریند و ندبه کنند....

در این فراز از لزوم گریه^۲، ندبه و شیون، سخن به میان آمده، «فلتذرف الدموع و لیصرخ الصارخون» (فریاد، کمک خواستن) ضجّه (فریاد کشیدن)، از امر به گریه معلوم می شود «فلیبک» اقامه عزای ائمه صلی الله علیه و آله چه تأثیر مهمی دارد که ما می بینیم، پیامبر صلی الله علیه و آله خود بر کودکش می گرید و امر به گریه برای حمزه شهید می نماید و فاطمه علیها السلام گریه را افشا می کند، امام شهدا، کشته اشک و «قتیل العبرات» نام می گیرد و امام باقر علیه السلام امر به اقامه عزای خود می نماید و امام رضا علیه السلام هنگام حرکت از مدینه، فضایی را برای گریه ایجاد می کند.

این یک گریه عاطفی از یک غم فردی نیست، امام خمینی رحمته الله در این

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶ به نقل از غیبت شیخ طوسی، ص ۱۸۴ و در حدیث دیگری از شیعیان نیز نام برده شده است. (مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث).

۲. در اهمیت اشک و گریه به باب بکاء اصول کافی، ج ۴ مراجعه کنید.

موضوع، چنین می‌فرماید:

این مراسم یک جلسه دعای ساده نیست؛ چرا که ادب دعا آهسته نجوا کردن است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مرور به افرادی که هنگام دعا زیاد فریاد می‌کردند، عتاب نمود که شما شخص کبری را نمی‌خوانید و نه فردی را که پنهان و دور از شما باشد «و انما تدعون سمیعاً قریباً»؛ شما کسی را می‌خوانید که شنوا و نزدیک است.

شما را چه شده است آن که می‌خوانیدش نزدیک است.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خیر الدعا الخفی و خیر الرزق ما یکفی».

(و) ناب‌ترین خاصیت امامت تضمین حیات ابدی و راه بی‌نهایت انسان است: یونس بن عبدالرحمن می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پیروی من از شما و معرفتی که خدا نسبت به حق شما دارم از همه زندگی دنیا برایم بالاتر است! ناگهان در چهره امام علیه السلام خشم را مشاهده کردم و فرمود: ای یونس! اشتباه مقایسه کردی. دنیا و آنچه در آن است چیزی جز رفع گرسنگی و پوشاندن خویش (نیازهای مادی) نیست و حال آنکه تو با محبت ما به زندگی جاودانه و بی‌نهایت می‌رسی.

«و أنت لك بمحبتنا الحياة الدائمة»؛^۲ آری! اگر حتی اندیشه‌های

سیاسی اجتماعی بتواند حیات فردی و اجتماعی را ساماندهی کند، برای حیات ابدی و بی‌نهایت آدمی حرفی ندارد.

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۱ به نقل از تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ۶۳ انعام.

۲. تحف العقول، چاپ اسلامی، ص ۴۰۱.

آثار اقامه عزائمه اطهار علیه السلام

اقامه عزای ائمه علیهم السلام به اقامه امر آنان می انجامد، زیرا:

۱. باعث پیوند قلبی و اجتماعی شیعیان و منتظران می شود؛

چنان که امام موعود علیه السلام فرمودند: «ولو ان اشیاعنا علی اجتماع من

القلوب لما تاخر عنهم الیمن بلقائنا»؛ اگر شیعیان ما اجتماع قلبی داشتند،

میمنت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد.^۱

۲. همدلی؛

۳. همراهی؛

زیرا تأثر قلبی و اشک باعث همسویی رفتار و عمل می گردد.

امام خمینی رحمته الله می فرماید: ملتی که اکنون طعم شیرین شهادت را

چشیده است و پیرو مولای خود امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد عظیم القدر

او که شهادت را فوز عظیم می دانسته و در محراب شهادت و میدان

نبرد، ندای فزت ورب الکعبه را سر می دادند از سازمان های نوکر

ابر قدرت ها نمی هراسند.^۲

۴. طهارت؛

گریه و اشک شستشوی باطنی ایجاد می کند و از بدی ها

و کاستی های اخلاقی می کاهد، در حدیثی ارجمند و شگفت آمده

است: داوود علیه السلام به خداوند عرض کرد: خدایا! تو به من یاد دادی که

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰۲، چاپ اُسوه.

۲. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۸۰.

صورت، بدن و پایم را با آب بشویم، پس با چه چیز دلم را تطهیر کنم؟
 قال: بالهموم و الغموم؛ خداوند پاسخ داد: با غم و اندوه.^۱
 آری!

این غم‌ها، ارجمند و متعالی هستند که ما را از پله‌های تعالی بالا می‌برند، چه غمی و حزنی به بلندی غم‌های علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام می‌رسد؟ تا به حال کرامات زیادی در تحول اخلاقی افرادی که در هیأت‌های عزاداری بوده‌اند؛ ثبت شده است.
 ۵. هدایت و سازندگی؛

مرثیه و روضه‌ای عبد الله علیه‌السلام معجزه می‌کند و چه بسیار کسانی که از همین گذرگاه راه یافته‌اند، هم اکنون به گوشه‌ای از این نمونه‌ها بنگرید:
 استاد دکتر صائب عبدالحمید در کتاب «منهج فی الانتماء المذهبی» می‌نویسد: با حسین علیه‌السلام کشتی نجات شروع شد، شروعی که من آن را قصد نکرده بودم. بلکه او مرا قصد نمود... و آن روزی بود که صدایی حزین به گوشم خورد. چه بسا آن صدا قبل از آن به گوشم رسیده بود. ولی از آن بی‌توجه گذر کرده بودم و بر روی آن صدا، پرده‌ها انداخته بودم، ولی این بار مرا به خود دعوت نمود، آن صدا مرا به سوی خود جذب کرد و امواج متلاطم و زبانه‌های شعله‌پراکنده‌اش هر لحظه به من اصابت می‌نمود....

آن واقعه، قصه مقتل امام حسین علیه‌السلام با صوت شیخ عبدالزهره کعبی در روز دهم از ماه محرم الحرام سال ۱۴۰۲ هجری بود، من به تمام

۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۰۱، ح ۳۸۱۷.

نداهاى امام حسين عليه السلام گوش مى دادم و تمام جوارحم مى لرزيد و اين همراه اشك و عبرت بود و چيزى در خونم گويا انقلاب و ندائى در جوارحم... كه ليك يا سيدى، يابن رسول الله! در ذهنم سؤال هاى بى پايان بود و گويا نورى كه از قبل محجوب و مستور بوده است؛ اين نور را برانگيخت^۱ و يك دفعه تمام فضا را مى شكافت، فروزشى كه اقتدا به حسين را در برداشت، حسيني كه يادگار مصطفى و بزرگ امت و از رهبران دين بود، فروزشى از اسلام به تمام معنا كه از نو برانگيخت و پيامبر خدا صلى الله عليه وآله آن را توسط شخص ريحانه (فاطمه عليها السلام) و سبطش حسين عليه السلام از نور رهبرى نمود.

اين نداهاى اسلام است كه هر كجا فرود آيد، پراكنده مى شود و همه آنها را مى شناسند!

آرى! مكان هاى بر زمين خوردن فرزندان رسول خدا صلى الله عليه وآله.

۲. استاد ادریس حسینی مغربی در کتاب «لقد شیعنی الحسين عليه السلام» مى نویسد: يك نفر از نزدیکانم به من گفت: چه كسى تو را شیعه نمود و به چه كتابى اعتماد نمودى؟

در جواب گفتم: آن شخص، جدم حسين عليه السلام و فاجعه ناگواری بود كه بر او اتفاق افتاد... به جان خودم سوگند اين شهيد كسى است كه

۱. چقدر زيبا گفته است، آقای جاميسون (۱۹۹۳) گاهى واقعيت هاى انسانی به وسيله عميق ترين اندوه ها روشن مى شوند در اين مواقع، نوری در دل تاریكى محض مى درخشيد.

۲. واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات آن، على اصغر رضوانى، صص ۲۳۳ - ۲۳۲.

همیشه فریاد او در مقدس‌ترین مقدسات من به صدا درآمد و در حرکت است و در تمام حالات و حرکاتم را محزون نموده است. من از قرائت کشتار کربلا با تفصیل جان‌کاهش، خلاصی نیافتم، جز آن که کربلا در نفس و فکرم قیام نمود و از این جا نقطه انقلاب شروع شد، انقلابی بر ضد تمام مفاهیم و مسلمات به ارث گذاشته برای من از گذشتگان، آری، انقلاب حسین علیه السلام داخل روح و عقلم....

آری، این حسین بود که مرا از لابلای این مصیبتی که او و اهل بیتش به آن مبتلا شدند، شیعه نمود، مرا با خون‌های تازه‌اش شیعه نمود، خون‌های تازه‌ای که بر روی سنگ ریزه‌های زرد در سرزمین طف (کربلا) بر زمین ریخت، او مرا با صدای اطفال و نوحه‌های زنان، شیعه نمود. من به یاد آن روز فریاد بر آوردم در حالی که از دیدگانم اشکی همراه با حزن و رقت قلب جاری بود و با قلبی که اندوه‌ها آن را پاره می‌نمود، گفتم:

ویرثی ربابك دنیا السجون و دمع النواح و فیض الدما

ای ابا عبدالله! من همیشه تو را در چشم تاریخ بزرگ می‌بینم.^۱

۴. دکتر محمد تیجانی تونسسی، در کتاب «آن‌گاه که هدایت شدم» می‌نویسد: دوستم منعم آمد و با هم به کربلا مسافرت کردیم و در آنجا به مصیبت سرورمان حسین علیه السلام - مانند شیعیان - پی بردم و تازه فهمیدم که حضرت حسین علیه السلام نمرده است، مردم گرداگرد آرامگاهش،

پروانه وار می چرخیدند... من هم گریستم و گریستم و آن قدر گریستم که گویی سال ها غصه در گلویم مانده بود و اکنون منفجر می شود. پس از آن شیون، احساس آرامشی کردم که پیش از آن روز چنان چیزی ندیده بودم؛ تو گویی در صف دشمنان حسین علیه السلام بوده ام و اکنون در یک چشم به هم زدن منقلب شده بودم و در گروه یاران آن حضرت قرار می گرفتم و (به داستان حرّ اشاره کرده) که به حضرت امام علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! آیا راه توبه، برایم باز است؟! درست در همین لحظه بود که نتوانستم طاقت بیاورم و شیون کنان خود را بر زمین افکندم و گویا نقش حرّ را پیاده می کردم و از حسین علیه السلام می خواستم که: ای فرزند رسول خدا، آیا توبه ای برایم هست؟! صدای واعظ چنان تأثیری در شنوندگان گذاشته بود که گریه و شیون مردم بلند شد، لحظاتی بود که در آنان گریه واقعی را درک کرده بودم و احساس می کردم اشک هایم قلبم را شستشو می دهند و تمام بدنم را از درون تطهیر می کنند... از دوستم خواستم که داستان شهادت امام حسین علیه السلام را برایم تکرار کند؛ زیرا چیزی از آن - نه کم و نه زیاد - نمی دانستم.^۱

در کتاب واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات، نمونه های دیگر از این احساس شورانگیز را از استاد مصری ابوشریف، احمد حسین یعقوب اردنی، علامه دکتر محمد حسن شحاته و دیگران می توان یافت.

بیهوده نیست که مبارز لبنانی، شیخ راغب حرب می‌گوید: در طول سال‌های زندان در اسرائیل بیشترین سؤال از منظور و مقصود مجالس روضه و مرثیه امام حسین علیه السلام بود!

آقای آنتوان بارا، نویسنده مسیحی کتاب «المسیح فی الفکر المسیحی» می‌گوید: اسلام محمدی الحدوث و حسینی البقا است و عاشورا حسینی الحدوث و زینبی البقا است.^۱

نتیجه‌ای که از این فرازها گرفته می‌شود، حاکی از رابطه ناگسستنی چهار برهه تاریخ اسلام و تشیع است که عبارتند از: بعثت، غدیر، عاشورا و مهدی علیه السلام و مهدویت از ضرورت گریه و ندبه و برپایی مجالس ماتم و عزا و هیأت‌ها سخن می‌گوید؛ در این مجالس، مذاکره حدیث و زیارت اخوان و در نهایت احیاء امر را به دنبال دارد، چنان که به برپایی این مراسم، تشویق و حتی دستور داده شده است.

روایات این فراز

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند، خونم از جوشش نخواهد افتاد تا خداوند مهدی علیه السلام را برانگیزد.^۲

در تفسیر آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰناً فَلَا يُسْرَفُ فِي الْقَتْلِ اِنَّهٗ كَانَ مَنْصُوراً»^۳ آمده است: امام باقر علیه السلام فرمودند: این فرد

۱. مصاحبه با کیهان، محرم الحرام، ۱۴۲۸. ۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹.

۳. سورة اسراء، آیه ۳۳.

مظلوم، حسین بن علی است که مظلومانه به شهادت رسید و ما اولیاء او هستیم و قائم ما آنگاه که قیام کند، خون به ناحق ریخته‌اش را مطالبه کند.^۱
پیامبر اعظم ﷺ می‌فرماید: «تذاکروا و تلاقوا و تحدّثوا، فان الحدیث جلاء للقلوب»؛ مذاکره کنید و دیدار نمایید و حدیث ما را بگویید که دل‌هایتان جلاء یابد.^۲

«رحم الله عبداً اجتمع مع آخر، فتذاکرا امرنا فان ثالثهما ملک یتستغفر لهما، فاذا اجتمعتم فاشتغلوا بالذکر فان فی اجتماعکم و مذاکرتکم احیاء لامرنا و خیر الناس من بعدنا من ذاکر بامرنا و دعا الی ذکرنا»^۳ و شگفت است که این دیدارها دیدار خداست.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «ما من مسلم زار مسلماً فلیس اياه یزور بل ایای یزور و ثوابه الجتّه»؛

هیچ مسلمانی، مسلمان دیگر را دیدار نمی‌کند، مگر این که خدا می‌فرماید: مرا دیدار کرده و ثوابش بهشت است^۴ و برکات این دیدارها چه بسا نابسامانی‌های روحی و ناآرامی‌ها را می‌زداید و همچنین می‌فرماید: «المؤمن لیسکن الی المؤمن»؛ مؤمن با مؤمن به آرامش می‌رسد و در روایتی دیگر به استراحت و راحتی اشاره می‌نماید^۵ و این مجموعه از برکات مجلس امام حسین علیه السلام و ماتم ائمه علیهم السلام است؛ گرچه

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۸.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۴.

۴. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۵.

۵. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۵ و بحار الانوار، ج ۷۴.

باید شرایط و ضوابط نیز مراعات گردد و استاد گرامی حقیر می‌فرمود: در روضه نیز باید ذکر، تحلیل و تطبیق باشد و منظور از تطبیق این است که من با خودم کلنجار بروم و ببینم در صورت حضور در کنار امام علیه السلام چه می‌کردم و خودم را با یاران او محک بزنم.

ویژگی‌های امام موعود علیه السلام در پیروان راستین او

بعد از شناخت امامت (دانایی، طهارت و دلسوزی او) انسان به جستجوی او برمی‌خیزد. به ویژه آن که مظلومیت، حذف و تبعید و رنج‌های او را می‌بیند^۱ و این جستجو در کلمه این این کجاست؟ کجاست؟ تبلور می‌یابد؛ همانند فرزندی که مادر مهربانش را گم کرده است، نمی‌داند دیده‌اید که گاه کودکی پدر یا مادرش را گم می‌کند و چگونه ضجه می‌زند و هیچ حرفی را نمی‌شنود و فقط مضطربانه اطراف را می‌گردد؟!!

این جستجو امروز با بن‌بست‌های انسان در سه بُعد به وضوح دیده می‌شوند که عبارتند از: علم و صنعت و فاجعه تمدنی و همچنین جنگ و درگیری و از همه سخت‌تر، نیروهای پنهانی که در انسان همواره (وسواس الخناس) تحریک و سماجت دارند و استعدادهای آدمی را در صورت غفلت و کوتاهی فکری به رکود و احتکار یا اسراف می‌کشاند^۲

۱. علی علیه السلام فرموده است: مازلت مظلوماً، میزان الحکمه، ج ۱.

۲. شرح در کتاب تطهیر با جاری قرآن، استاد علی صفایی حائری، صص ۳۵-۳۲.

این / اژده‌هایی که هرگز نمرده و داد انسان را در آورده که:

این نفس بد اندیش به سامان شدنی نیست

این کافر بد کیش به مسلمان شدنی نیست

امام سجاد علیه السلام چنین آموزش می‌دهد که از شر او پناه ببریم و می‌فرماید:

«الهی اعوذ بك من هيجان الحرص و سورة الغضب... و شکاسته الخلق و الحاح الشهوة و متابعة الهوى»؛

خدایا! به تو پناه می‌برم از افروختگی شعله حرص و سلطه خشم

و ناسازگاری اخلاق و التماس شهوات و پیروی هوس.^۱

نفسی که چنین توصیف شده: «مملوءة بالغفلة و السهو، تُسرع بی الی

الحوبه و تسوِّفنی التوبه» سرشار از غفلت و فراموشی که مرا به سوی

گناه بزرگ با شتاب می‌برد و توبه را به تأخیر می‌اندازد.^۲

شیطانی که امام علیه السلام توصیف می‌کند: «و شیطانا یُغوینی...» مرا

می‌فریبد و پشتیبانی از خواهش‌ها می‌کند و حب دنیا را زینت می‌دهد،

«و یحول بینی و بین الطاعة» و بین من و اطاعت خدا مانع می‌گردد و در

نتیجه قلب به قساوت و چرک تیرگی آلوده و چشم از گریه خشک

و جامد می‌گردد.^۳

به صورت معمول، هر کسی با احسان و برآوردن حاجت‌های نیکوی

او، مطیع و عبد می‌شود، مگر نفس آدمی تنها کسی است که با احسان

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۸

۲. مفاتیح الجنان، مناجات الشاکین.

۳. مفاتیح الجنان، مناجات الشاکین.

و برآوردن خواسته‌اش بدتر می‌شود، برآورده نمودن خواهش‌های نفس مثل خاموش کردن آتش یا تفت و بنزین است.

براستی که این مطلب را چاره‌ای نیست، جز محبوبی بزرگ‌تر تا از کشش‌های حقیر نجات بخشد^۱ و این محبوب کسی نیست جز خدای متعال و واسطه‌های فیض و رحمت او (اهل بیت علیهم‌السلام) که جز آنان نمی‌توانند، حبیب دل باشند که فرمود: «لا حبيب الا هو و اهله»؛^۲ و این درماندگی است که آدمی را شیدای صفت‌های مورد نیاز مؤمنان و انسان‌ها می‌نماید و با بقیه‌الله پیوند می‌زند، و از اعماق وجود چنین طلب می‌کند: کجاست حسن و حسین. کجایند فرزندان حسین، مردان صالح بعد از صالح و راستگو بعد از راستگو، کجاست راه حقیقت پس از یکدیگر، کجایند نیکان بعد از نیکان، کجایند خورشیدهای تابان، کجایند ماه‌های فروزان، کجایند ستاره‌های درخشان، کجایند پرچم‌ها و مناره‌های دین. (اعلام جمع عَلم به معانی جالبی آمده که عبارتند از: پرچم، پیشوا، تیر راهنما، فلش راهنمایی، کوه بلند، نشان و اثر؛ امام زمان علیه‌السلام هم به نام عَلم منصوب نامیده شده است.)

کجاست بقیه‌الله که خارج از مجموعه‌ی خاندان رهبری نیست؟!

بقیه‌الله به چه معناست؟!

۱. این صفت در سوره‌ی هود آیه‌ی ۸۶ آمده است که عنوان کلی برای

حجّت خداست و زمین خالی از حجّت نمی‌ماند.

۱. عظم الخالق فی انفسهم فصر مادونه فی اعینهم، خطبة متقین یا همام نهج البلاغه.

۲. زیارت آل یس.

۲. مقصود از این لقب برای امام زمان علیه السلام می‌باشد که در روی زمین ثابت بوده و دوام وجودی دارد.

۳. در لغت^۱، بقیة الله در جایی گفته می‌شود که انسان کسی را مراعات کرده و به انتظار او نشسته است، همچنان که امام علیه السلام در رعایت و مراقبت خداست و دارای شأنی است که مردم در انتظار اویند.^۲

۴. در معانی این تعبیر گفته شده که به مفهوم سود حلال است، چون سود حلال باعث دوام نعمت الهی است و باعث بقای برکات می‌شود و تعبیر «ان کتتم مؤمنین»؛ اگر ایمان داشته باشید؛ اشاره به این است که این واقعیت را تنها کسانی درک می‌کنند که ایمان به خدا و حکمت او و فلسفه فرمان‌هایش داشته باشند.

۵. روایات نیز بقیة الله را به وجود حضرت مهدی علیه السلام تفسیر نموده‌اند، امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: نخستین سخنی که مهدی علیه السلام پس از قیام خود می‌گوید: این آیه^۳ است، سپس می‌گوید:
منم بقیة الله و حجت و خلیفة او در میان شما.

سپس هیچ کس بر او سلام نمی‌کند، مگر این که می‌گوید: «السلام عليك یا بقیة الله».

پس مصداق سود یا پاداش الهی، هر موجود نافع است که از طرف

۱. مقایس، ص ۱۲۸.

۲. موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، صص ۴۱۳ - ۴۱۲.

۳. سوره هود، آیه ۸۶

خداوند باقی مانده و مایه خیر و برکت و سعادت او گردد، بقیة الله محسوب می شود، در نتیجه، تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ و رهبران راستین که پس از یک مبارزه با دشمن سرخت برای یک قوم و ملت باقی می مانند، همان منفعت و خیر و سعادت الهی می باشند.

همچنین سربازان مبارزی که پس از پیروزی از میدان جنگ باز می گردند، بقیة الله اند و از آنجا که مهدی علیه السلام آخرین پیشوا و بزرگترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، یکی از روشن ترین مصادیق بقیة الله می باشد و از همه به این لقب شایسته تر است به ویژه که تنها باقی مانده بعد از پیامبران و امامان است.^۱

گفت پیغمبر رسول انس و جان گر بماند یک روز از عمر جهان

حق کند طولانی آن یک روز را تا بیابد مهدی صاحب زمان

کجاست آماده شده برای قطع ریشه (اعداء) ستمگران؟!

کجاست منتظر برای هموار نمودن (کجروی ها) پستی و بلندی؟!

أمت = خفض و ارتفاع^۲

کجاست آن که زایل کند جور و دشمنی؟!

أین المدخر لتجدید الفرائض والسنن؟!

کجاست تازه کننده فریضه ها و سنت ها؟!

این تجدید به معنای احکام جدید نیست، زیرا در دعای دیگر

صاحب الزمان علیه السلام به جریان افتادن احکام تعطیل شده قرآن و تشبیه

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، صص ۲۰۳-۲۰۴. ۲. مختار الصحاح.

و تحکیم دستورات و سنت‌های پیامبر اسلام ﷺ است که تضعیف و سست گردیده است.

در دعای عهد می‌خوانیم: **و مجدداً لما عطل من احکام کتابك و مشيداً لما ورد من اعلام دينك و سنن نبیک ﷺ**
أین المتخیر لاعادة الملة و الشریعه؛
 کجاست برگزیده شده برای بازگشت دین و شریعت به صحنہ زندگی.

أین المؤمن لاحیا الکتاب و حدوده؛

کجاست آن آرزو شده برای احیای کتاب و حدودش؛
أین محیی معالم الدین و اهله؛

کجاست زنده کننده آثار دین و دینداران؛

أین قاصم شوکة المعتدین؛ کجاست درهم شکننده قدرت و جسارت تجاوزگران (که با اسلحه قدرت نمایی می‌کنند، نه آن که واقعاً قدرتی باشند، (شوکت = اسلحه و لبه تیز)

أین هادم ابنيۃ الشرك و النفاق؛

کجاست منهدم کننده بناهای شرک و نفاق (سازمان‌هایی مثل: ملل متحد یا بانک جهانی و... که فقط برای سلطه‌اند و فریبکارانی بیش نیستند).

«**أین مُبید اهل الفسوق و العصیان و الطغیان**»؛ کجاست نابودگر جبهه فسق و نافرمانی و طغیان‌گری (امروز آمار و اطلاعاتی در دست است که عاملین تجارت فحشا و کودکان و گسترش شرابخواری و قمار

و حتی مواد مخدر، خود قدرت‌های سلطه‌گر هستند، مثل: آمریکا و ...
 طاغوت، همان جبهه سرکشی و از حد گذشتن و حد شکستن
 و ستمگری زیاد و ارتکاب گناهان زیاد می‌باشد، مثل آبی که بالا می‌آید
 و همه چیز را نابود می‌کند؛ این یاغی‌گری سه علت دارد:

قدرت؛

ثروت؛

لذت.^۱

و این چهره‌های کفر در عناوینی چون:

قارون؛

فرعون؛

مترفین، عیاشان و یا مرفهین بی‌درد به بیان امام خمینی علیه السلام ظهور
 می‌کنند، آمارهای بدست آمده در جهان، بازگو کننده مطالب
 شگفت‌انگیزی از سیر زندگی و جامعه کشورهای استکباری دارد.

در آمریکا ۳۹۸ ثروتمند برجسته وجود دارد که ثروت آنها معادل
 ثروت تمامی جمعیت آمریکاست، یعنی ۸۰٪ ثروت بدست آمده در
 جهان نصیب ۲۰٪ جمعیت آمریکاست.

آمریکا در ۱۴۰ کشور جهان نزدیک به ۵۰۰ پایگاه نظامی دارد،
 بودجه نظامی آمریکا سالانه حدود ۳۹۶ میلیارد دلار یعنی حدود ۳۶٪

۱. درس‌هایی از انقلاب، استاد علی صفایی حائری.

کل همه هزینه‌های نظامی جهان است.^۱

با آن که آقای نیکسون اعلام می‌کند که ما سه چیز جذاب برای جهان داریم: فرهنگ، اقتصاد و سیاست.

اما خود او اعتراف می‌کند که آمریکا در سرایش بی‌سواد علمی و فنی افتاده است نه به این سبب که آمریکایی‌ها بیان استعداد علمی خود را از دست داده‌اند؛ بلکه به این علت که نوع انضباطی که برای این کار لازم است، مدت‌هاست مورد پسند نیست. در حلبی‌آبادهای! داخل شهرها و نیز در حومه شهرها که محل سکونت طبقات متوسط می‌باشد، نسل جدیدی را پرورش می‌دهیم که می‌توان نامش را نسل تلویزیون موزیکال گذاشت، جهل دردناک بسیاری از افراد این نسل به علت کم‌هوشی نیست، بلکه به این علت است که از هوششان استفاده نمی‌شود، این نسل، ساکن جهنمی است که آکنده از آهنگ‌های راک که با صدایی گوش‌خراش نواخته می‌شوند و تصاویر تلویزیونی که با سرعتی بر پرده می‌درخشند که چشم نمی‌تواند تعقیب‌شان کند و محرک‌های حسی (جنسی و مصرف غذا و ...) که به سرعت یکی پس از دیگری می‌رسند؛ در این جهان برای اندیشه جز سخیف‌ترین نوع آن جایی نیست.^۲ پایین آمدن سطح آموزش که نظر آن سیاست، نمره مفت دادن و قبولی خود به خود است، مدارس ما را تباه کرده است.^۳

۱. آمارها سخن می‌گویند، علی‌اصغر جدایی، صص ۲۴۵-۲۴۴.

۲. فرصت را دریابیم، نیکسون، ص ۳۴۷. ۳. همان، ص ۳۴۸.

او در حالی که مزورانه عربده می‌کشد که آمریکا مظهر سه ارزش است: آزادی، فرصت، احترام به فرد بشر.

و به تقلید از دمکراسی آمریکایی دعوت می‌کند، در یک صفحه بعد اعتراف می‌کند: امروزه ما ظهور استبداد جدید را زیر نقاب مزایای استحقاقی به چشم می‌بینیم؛ آمریکا مسائل وحشتناک داخلی دیگری هم دارد...^۱

۳۸ میلیون نفر مردم ما از بهداشت و درمان کافی برخوردار نیستند.^۲ مبلغی که در آمریکا خرج مواد مخدر غیرمجاز می‌شود، برابر با کل هزینه کشورهای دیگر است؛ بیشترین نرخ جنایت در جهان را داریم و شمار مردمی از آمریکا که در مدت جنگ خلیج فارس کشته شدند، بیست برابر کسانی است که در میدان جنگ به قتل رسیدند...^۳ ثروتمندترین کشور جهان نباید به این حقیقت تن در دهد که یک طبقه محروم همیشگی به وجود آید...

ما به اسم جامعه بزرگ چک سفید کشیدیم، اما چک ما برگشت خورد^۴ در کتاب چهره عریان آمریکا آمده است: فلانی چند می‌ارزد؟ ۲۰۰/۰۰۰ دلار.

این مکالمه‌ای نیست که از بازار برده‌فروشان شنیده شده باشد، بلکه از نوع گذشت و شنیده‌های رایج آمریکاست، هنگامی که بازرگانی

۱. همان، ص ۳۶۰.

۲. همان، ص ۳۶۰.

۳. همان، ص ۳۶۰.

۴. همان، صص ۳۶۱-۳۶۲.

آمریکایی راجع به شخصی که نمی‌شناسد، پرس و جو می‌کند، برای شناخت و ارزیابی یک آدم در آمریکا؛ ابتدا باید دانست چند دلار می‌ارزد و چقدر دلار می‌سازد.^۱

«أین حاصد فروع الغی والشقاق»؛

کجاست دروکننده شاخه‌های انحراف و شکاف و جدایی (که باعث اختلاف می‌شود).

غی در برابر رشد آمده،^۲ رشد، راه‌یابی و رسیدن به واقع و حقیقت است و غی، منحرف گردیدن و دوری از حقیقت است و اکنون فرهنگ غالب در دنیا چه در جهان غرب و سلطه و چه در جهان اسلام (به خاطر دوری از اصل امامت) همانا فرهنگ غی و انحراف و شقاق است؛ به اعتراف مردان روشن بین برخاسته از جامعه غربی که آگاهی کامل از آن جا دارند در هیچ تمدنی همانند تمدن جدید، این گونه کامل و نظام‌واره از این نکته‌ها غفلت نشده است:

دنیا برای چیست؟

ما از کجا آمده‌ایم؟

آمدنمان بهر چه بوده است؟

به کجا می‌رویم؟

چرا بایدمان رفت؟

۱. چهرهٔ صریان آمریکا، روزه‌کان، ترجمه جمشید ارجمند، ص ۱۴.

۲. سورهٔ بقره، آیه ۲۵۶.

تمدن جدید که به هنگام حرکت آغازین خود، می‌خواست انسان‌گرا باشد و به انسان اصالت (أمانیزم) و ارزش بدهد، ولی اکنون به ماجرای این چنین شگفت دچار شده است؛ در روزگار ما مفهوم انسان از هم گسسته است، مکتب تطورگرایی از آدمی، میمونی و الا تبار و پیشرفته ساخته، آنگاه فلسفه پوچی و عبث‌گرایی گام به میدان نهاده است، تا باقیمانده همسازی آدمی را از وی بگیرد و این چنین شده است: در تمدن جدید، موجود انسانی، به سان آدمکی کوکی شده، به حرکت درآمده و بند را از گسسته است، طرفه آن که خود انسان، ماشین این آدمک را کوک کرده، اما از مهار کردن جنبش نابسامان و حرکت شتابگرش ناتوان مانده است^۱ و جالب است که با این انحراف و غی بزرگ و آشکار، دجال وار همگان را به فرهنگ خویش دعوت می‌نماید، چنان که آقای دوپاسکیه می‌گوید: با این همه، تمدن جدید را سر آن نیست که از میدان به در رود، حتی می‌بینیم که به انحای مختلف با بوق و کرنا اعلام می‌کند که برای نوع انسان خوشبختی و سعادت را به ارمغان آورده است. انقلاب فرانسه وی، اعلامیه حقوق بشر را صحه نهاده و قانون اساسی آمریکایی اش مدعی آن شده است که خوشبختی و بهروزی یک یک شهروندان را تضمین کرده است!

در زمینه مسائل روانی و روحی نیز یک نظریه روان‌شناسی گام به میدان نهاده و مدعی شد که سرانجام مرکز ثقل واقعی شخصیت بشر را

۱. اسلام و بحران عصر، روزه و پاسکیه، ترجمه دکتر حسن حبیبی، ص ۱۸.

کشف کرده است و گفت: این پایگاه، همان جنسیت است^۱ (منظور زیگموند فروید است).

به هر حال تمدنی که خود را انسان‌گرا می‌نامید، نظامی از آب در آمده که آدمی را تحقیر می‌کند و می‌فریبد و سرانجام، نابودش می‌سازد.^۲ در سبب‌یابی این انحراف و جدایی که فرهنگ غرب ایجاد کرده، متفکر ارزشمند آقای روزه‌گارودی می‌نویسند: این نکته با معناست که ثروتمندترین کشورها نظیر ایالات متحده یا سوئد رکود خودکشی‌های نوجوانان را برای خود حفظ می‌کنند؛ در جنوب به علت نداشتن امکانات می‌میرند و در شمال به علت نداشتن هدف.^۳

به عقیده وی این همه انحراف، کثرت و فساد، آثار تک‌صدایی در بازار و نظام سود محور است: در نظامی که همه چیز در آن خریده و فروخته می‌شود نه تنها فساد بلکه فحشا نیز از حالت انحراف‌های فردی به در می‌آید تا به قوانین زیر بنایی نظام مبدل شود^۴ فحشای سیاسی آشکارترین تصویرهاست؛ مبارک در ازای پنج میلیون دلار وارد جنگ خلیج فارس می‌شود، ملک فهد ده‌ها هزار سرباز آمریکایی را به سرزمینی که او آن را مقدس می‌شمارد، فرامی‌خواند و در آنجا نگه می‌دارد ادعا می‌کند که ورود به آن برای هر غیرمسلمانی ممنوع است،

۱. همان، صص ۲۰-۱۹. ۲. همان، ص ۲۱.

۳. آمریکا پیش‌تاز انحطاط، روزه‌گارودی، ترجمه قاصم صنعوی، ص ۲۰.

۴. همان، ص ۲۲.

همان طور که دیگران در پیاده‌رو به پشتیبان خود مزد می‌دهند؛ یلتسین با خوابیدن در برابر صندوق بین‌المللی پول، کشورش را ارزان می‌فروشد.^۱

در این بلیشوی انحراف، این اسلام است که می‌تواند امر هدایت و راهیابی برای انسان باشد، زیرا که با ساختار و فطرت و سرشت آدمی سخن می‌گوید و بازگشت به هویت خویش را تمهید می‌نماید، دشمنان انسان، او را از اسلام دور می‌کنند تا به مطامع خود دست یابند و رمز وحدت و نجات از شقاق و اختلاف، همانا امامت است، زیرا با پذیرفتن و تعیین به امامت، همانا به هدایت قرآن و وصایت پیامبر صلی الله علیه و آله و رهبری در دست فردی امین، عمل شده، (در واقع امام کسی است که) دعوت کننده به سوی خدا (و نه خویشتن)، پاک از همه گناهان و آلودگی‌ها، سرشار از دانش، بردبار، همان آب گوارا برای تشنگان، کسی که رفیق و همچون پدری مهربان و برادری دلسوز، مانند مادری نیکی کننده به کودک و پناهگاه مردم در سختی‌های روزگار و او کسی است که بدل و مثل و نظیری ندارد.^۲ کسی که می‌تواند، محور وحدت جامعه انسانی باشد.

بهترین توصیف که حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید: «و طاعتنا نظاماً للملة، و امامتنا اماناً للفرقة»؛^۳ بایک بررسی جامع می‌بینیم که در

۱. همان، ص ۲۲.

۲. کافی، باب نوادر نادر، جامع فی فصل الامام و صفاته، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۱، صص ۱۰۷-۹۸.

کلمات امام خمینی علیه السلام رهبر بزرگ انقلاب اسلامی که در دامن امامت پرورش یافته، واژه وحدت کلمه و وحدت اجتماعی و سیاسی مسلمانان، بیشتر از همه واژه‌ها تکرار شده و سزاوار است که چنین بسرایند: شیعه علی بودن، نه علی را دوست داشتن که فقط علی را دوست داشتن است^۱ یعنی همه گرداگرد شمع وجود امامت و اکنون مهدی منصور موعود علیه السلام تا نجات همه بشریت.

این طامس آثار الزیغ و الاهواء؛ کجاست محو کننده آثار کج دلی و هواپرستی، براستی که دل‌های منحرف و سلطه هوس‌ها بسیار آشکار است؛ به صورتی که به گفته برخی اندیشمندان این عصر، عصر تبلور نفس و هواهای متنوع است.

این قاطع حبائل الکذب و الافتراء؛ کجاست بُرنده ریسمان‌های دروغ و افتراء، گویی این دعا هم اکنون و با آگاهی از همه اوضاع بشریت سلطه جو نازل شده، چنان که می‌بینیم حکومت‌ها و رژیم‌ها خود را به آزادی زینت می‌دهند و دیگران را به نقض حقوق بشر محکوم می‌کنند؛ اما براساس آمار اعلام شده در کتاب چپاول جهانی، تعداد بردگان در دنیا به بیست میلیون نفر رسیده که نسبت به دوران برده‌داری (قرن هفدهم) ۶۰۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. همچنین دامنه قاچاق مواد مخدر در جهان هم اکنون از حجم فعالیت صنعت خودروسازی و پارچه‌بافی فراتر رفته و قاچاقچیان عمده برای راه اندازی جنگ‌های داخلی در ۳۰ کشور جهان سرمایه‌گذاری می‌کنند.^۲

۲. کیهان.

۱. غدیر، استاد علی صفایی حائری.

هم اکنون تجارت فحشا و قاچاق کودکان از کسب‌های تهوع‌آوری است که میلیاردها دلار نصیب قاچاقچیان می‌کند.

دنیاپی که در کمک‌های خود به کشورهای ضعیف به نام بانک جهانی فقط نقابی از امداد به خود زده است و در برابر هر دلار، سه دلار سود می‌برد و کشورها نه تنها توسعه‌ای نمی‌یابند، بلکه روند وابستگی بیشتر می‌شود.^۱

آنگاه بارش تهمت و افترا به اسلام و به جبهه مؤمنان و حتی به اندیشه مهدوی چنان گسترش یافته که به محض ایمان آوردن یک جوان اروپایی یا از هر جای دیگر، او را بایکوت می‌کنند و با واژه بنیادگرا و ضد تمدن، او را به انزوا می‌کشاند.

«أین مُبیدُ العتاة و المردة»؛ کجاست نابودکننده سرکشان و متمرّدان، سرکشانی که جنگ‌های اول و دوم جهانی را با کشتارهای میلیونی به راه می‌اندازند و هم اکنون نیز برای فروش اسلحه و ادامه سلطه آتش، جنگ را بر افروخته‌اند و جالب اینکه دیگران را به محورهای شرارت متهم می‌کنند.

«أین مستأصل اهل العناد و التضلیل و الالحاد»؛ کجاست ریشه‌کن کننده اهل عناد و گمراه‌کنندگی و الحاد و بی‌دینی.

در حال حاضر و بنابر گزارش و توصیف‌های وحشتناک و ناامید کننده از خود ناظران و ساکنان فرهنگ سلطه، حکایت از آن می‌کند که چگونه عوام فریبی می‌کنند و آثاری پوک و بی‌معنا را به نام هنر با

۱. آمریکا پیش‌تاز انحطاط، ص ۱۰۱.

قیمت‌های هنگفت به فروش می‌رسانند که حتی کسی جرأت نقد هم نمی‌کند و نمی‌تواند بگوید: «شاه برهنه است»^۱ و در اینجا هدف، مطلقاً بیداری نیست، بلکه بیهوشی است^۲ و به تعبیر دعا همان تضلیل و به بیانی دیگر امر بی‌چون و چرا همان خالی کردن مسأله فلسفی وجود از علت غایی است و این حرکت به جایی منتهی می‌شود تا در تمام زمینه‌ها، موضوع انسان از فرهنگ طرد شود.^۳

این گمراه نمودن از زمان کریستف کلمب آغاز شده و ریاکاری تا روزگار رونالد ریگان (و حتی در حال حاضر هم) ادامه دارد، رونالد ریگان اعلام می‌داشت که رفاه و قدرت ایالات متحده نشانه این است که ملتی تقدیس شده از جانب خداوند دارد، یک اسقف اسپانیایی جرأت کرد، این گفته را کفر بداند، زیرا ثروت و قدرت ایالات متحده ناشی از برکت پروردگار نیست، بلکه حاصل استثمار جهان و به خصوص جهان سوم است و آن هم از طریق مبادله‌های نابرابر، وارد است...^۴

«این معزّ الاولیاء و مُذَلّ الاعداء»؛ اینجاست که عاجزانه می‌طلبی؛ کجاست عزّت دهنده اولیاء و خوارکننده دشمنان که مستضعفان، مسلمانان و شیعیان را تحقیر می‌کنند.^۵

۱. اشاره به قصه‌ای که یک بافنده فریبکار لباس برای پادشاه را وعده داد، اما در حقیقت چیزی نبافته بود و همان نبافته را به تن پادشاه نمود!

۲. آمریکا پیش‌تاز انحطاط، ص ۸۷

۳. همان، ص ۸۸

۴. آمریکا پیش‌تاز انحطاط، ص ۸۹

۵. به قضاوت‌ها و گفته‌های رهبران سلطه و کتاب‌هایی چون پوست سیاه صورتکهای سفید نوشته فانون مراجعه شود.

کلمه اولیاء در واقع تمامی دل‌های مزین به ایمان را دربر می‌گیرد و بهره وجود آن گرامی، موسع برای همه مردم است. عمّار سبابی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: عبادت کردن با امامی از شما که ظاهر نبوده و در زمان دولت باطل باشد، افضل است؛ یا عبادت کردن در زمان ظهور دولت حق با امام ظاهر از شما؟!

حضرت پاسخ داد: ای عمّار! به خدا قسم صدقه دادن در پنهانی افضل است از صدقه دادن در آشکارا و به خدا قسم عبادت شما در پنهان با امام غیر ظاهر در دولت باطل، افضل و بهتر است از این که خدا را در زمان ظهور حق با امام ظاهر عبادت کنید....

عمّار دوباره می‌پرسد: جان من فدای تو باد، اگر چنین باشد، پس ما چرا آرزو کنیم که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام باشیم، با آن که ما امروز در زمان امامت شما و مشغول طاعت هستیم و اعمال ما بهتر از اعمال اصحاب دولت حق است؟

امام علیه السلام پاسخ داد: «سبحان الله»، آیا نمی‌خواهی که خدای عزوجل حق و عدل را در سرزمین‌ها ظاهر کند و حال همه نیکو گردد و همه مردم بر دین حق اجتماع نمایند و اُلفت در میان قلب‌های پراکنده ایجاد شود و کسی در زمین گناه نکند و حدود خدا در میان مردم جاری گردد و حق به اهلش رسیده و آن را آشکار نمایند و چیزی از حق و حقیقت به خاطر ترس از مردم پنهان نگردد؟!

به خدا قسم، ای عمّار بدان! کسی از شما با دوستی ما نمی‌میرد، مگر

آن که او در نزد خدای عزّ و جلّ از بسیاری از کسانی که در جنگ بدر
و احد حاضر شدند، برتر است.

پس بشارت باد شمارا.^۱

«این جامع الکلمه علی التقوی»؛ کجاست جمع کننده سخن

بر پارسایی.

این جمله نشان از حرکتی سترگ در سنت اخلاقی جهان انسانی
است؛ زیرا مبانی اخلاق در جهان، چنان دچار سستی است که
فیلسوفان اخلاق در مفهوم خوب و خوبی مانده‌اند و بسیاری از آنان آن
را مساوی لذت گرفته‌اند! جر می بنتام می گوید: هر عملی که لذت آور
باشد، از جنبه اخلاقی خیر است؛ سنجش و ارزش هر چیز براساس
درجه سودمندی آن و جلب نفعی شخصی است؛ این همان **Egoism** یا
خودمحوری است.^۲

لیبرالیزم، اندیشه‌ای است که توانایی تعریف درست و ثابت از
اخلاق ندارد و مسأله را به قضاوت آدم‌ها و جامعه و زمان وامی‌گذارد و
در نتیجه، فاجعه از نظر سیاستمداران مشهور لیبرال چنین تصویر
می‌شود که خلأ اخلاقی، تعبیر دقیق‌تری از پوچی معنوی است، همان
پوچی معنوی که بخش بزرگی از تمدن غرب را فرا گرفته است.^۳ البته

۱. کمال الدین، صدوق، ص ۶۴۵ به نقل از کتاب شیوه‌های یاری قائم علیه السلام، محمدباقر فقیه

ایمانی، صص ۱۲۸-۱۲۹. ۲. غرب‌شناسی، سیداحمد رهنمایی، ص ۱۷۳.

۳. خارج از کنترل، برژینسکی، ص ۱۰۴.

این نتیجه جهان‌بینی غرب است که جهان را خود پیدایش یا **Selfe** و آدمی را حاصل یک فرایند تحولی مداوم می‌داند.^۱ برخی از این ناهنجاری‌های جامعه لیبرالی چنین فهرست شده است:

حرص و طمع طبقه ثروتمند؛

گسترش جنایت و خشونت؛

گسترش فرهنگ اعتیاد؛

رشد روحیه ناامیدی اجتماعی؛

بی‌بند و باری جنسی و ایدز؛

تبلیغ گسترش فساد اخلاقی.^۲

تلویزیون آمریکا رسانه‌ای است که محتوای برنامه‌هایش به قدری پیش پا افتاده است که ابتدال در فرهنگ جدید آمریکا را به اصول و هنجارها تبدیل کرده است، پُر بیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی خاص جوانان آمریکا، عموماً والدین آنها را دارای احساس منحرف، طلاق گرفته از مجرمین سفید پوست، آلوده به مشروب الکلی یا کوکائین و زرق و برق‌های فریبنده عصر جدید معرفی می‌کنند، با توجه به چنین پدیده‌هایی، والدین مشکل بتوانند ارزش‌های اجتماعی را به فرزندان خود انتقال دهند.^۳

۱. *Conimucus - Process*، غرب‌شناسی، ص ۲۲۸.

۲. خارج از کنترل، صص ۱۲۰-۱۲۲. ۳. همان، ص ۱۲۸.

طرح این گونه مباحث از جامعه اروپا و آمریکا به معنی تطهیر جوامع شرقی و حتی اسلامی نیست و ما منکر نابهنجاری‌های اخلاقی و فساد اخلاقی و اجتماعی و اداری، حتی در جوامع اسلامی نیستیم؛ ما معتقدیم این رفتارها هرگز مناسب شأن نام جامعه اسلامی نیست. اما نکاتی را باید یادآور شویم که عبارتند از:

۱. در نظام اسلامی و دوران غیبت کوشش این است که زمینه انتخاب آماده شود، نه آن که آدم‌ها را به زور، مسلمان نماییم.
 ۲. دولت و نهادهای مسؤول باید با شناسایی، محاصره و کنترل عاملین بی‌بند و باری‌های اخلاقی و اقتصادی به تلاش خود ادامه دهند.^۱
 ۳. در جوامع غربی آن قدر کار از کار گذشته که حتی مصلحین و مسؤولین اخلاق به شدت آلوده‌اند، چنان که در گزارش آمده است بیش از ۴ هزار کشیش آمریکایی در بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۲ مرتکب سوء استفاده جنسی از کودکان شده‌اند!^۲
- در چنین اوضاعی پیام وحدت بخش اخلاق و در یک کلمه پارسایی و تقوی، آدمی را سرشار از شور و نشاط می‌کند؛ زیرا تقوی مقابل گناه و آلودگی است و گناه در بینش دینی، زمانی معنا پیدا می‌کند که به یک جهان نظام‌مند معتقد باشیم و در این نگاه، گناه درگیری نظم جهان هستی است و کار امام علیه السلام گسترش اخلاق در وسعتی است که انسان

۱. درس‌هایی از انقلاب، استاد صفایی حائری، کتاب قیام.

۲. آمارها پرده برمی‌دارند، علی اصغر جدایی، ص ۲۵۳ به نقل از همشهری، ش ۳۳۱۵.

باید حرکات خویش را مطابق ضوابط نظام هستی قرار دهد. چیزی که فراتر از خوشایند و لذت و قرار داده‌هاست و تحوّل عمیق در نظام اخلاقی ایجاد می‌کند؛ بینشی که در آن با شناخت و عشق به الله، اعمال تبدیل (سنجیده) می‌شوند و اکسیری به میان می‌آید که سیئات را به حسنات مبدّل می‌نماید که: «يبدّل الله سيئاتهم حسنات».^۱

در این بینش، انسان از خوشی‌ها بالاتر آمده و به خوبی‌ها می‌رسد؛ زیرا در چنین ایده‌والایی است که خوشی با خوبی متفاوت است، انگور برای سرماخورده گرچه خوش است، اما خوب نیست، همان گونه که دارو برای مریض خوش نیست، اما خوب است، به همین دلیل به ما می‌آموزند چه بسا چیزهایی که برای شما خوشایند نیست؛ اما «خیر لکم» و چه بسا چیزهایی که برای شما خوشایند و محبوب است، اما شرّ می‌باشد^۲ و دین عهده‌دار چنین رهنمودهایی می‌شود.

«أین باب الله الذی منه یوتی»؛ کجاست آن درگاهی که از آنجا به

سوی خدا بروند؟

اینجا محل ورود به رضایت‌ها و عبادت‌های رشد دهنده است و درهای کفر و الحاد را می‌بندد و بازارشان را از رونق می‌اندازد و دوستان خداوند به وجه خداوند می‌نگرند، وجه خدا همان ذات خداوند و در روایت به امام علیه السلام نیز تفسیر شده است.^۳

۲. سوره بقره، آیه ۲۱۶.

۱. سوره فرقان، آیه ۷۰.

۳. تفسیر برهان.

«أين وجه الله الذي يتوجه الاولياء»؛

«أين السبب المتصل بين الارض والسماء»؛

كجاست علت اتصال و پیوند دهنده بین زمین و آسمان.

امام خلیفه الهی و انسان کامل است؛ زیرا مہیای همه کمالات (علم، طہارت و قدرت) می‌باشد و سبب آن همانا عبودیت و تسلیم و زہدی است کہ از آن سخن بہ میان آمد و در مراتب نازلہ نیز می‌توان بہ مراتبی دست یافت، همان طور کہ روایت قرب نوافل دلالت بر این مدعا دارد کہ می‌فرماید: وقتی بنده من مطیع بودہ و بعد از فرائض، نوافل را بہ جای آورد، او را دوست می‌دارم و در این هنگام چشم و گوش و دست او خواہم بود.^۱

بہ همین دلیل، امام علیہ السلام وسیلہ پیوند انسان زمینی بہ آسمان معنویت خواہد بود، چرا کہ مجرای فیض الهی؛ «وداعی الی اللہ» است و در زمستان سرد جدایی انسان از آسمان، او پیوندی دوبارہ برقرار خواہد کرد.

«يقبل الناس على العبادات والشرع والديانه والصلوة في الجماعات»؛ در زمان ظہور مردم با رغبت بہ عبادات روی آورده و خدا را با ہدایت شرع و ضوابط دین می‌پرستند و نماز را با جماعت (بہ دور از فردیت و پراکندگی) برپا خواہند داشت.^۲

۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱۰ بہ نقل از محاسن، ج ۱، ص ۴۵۴.

۲. منتخب الاثر، صافی گلپایگانی، ص ۵۹۲.

با کمال تأسف می‌بینم که سرمایه‌ها از سوی جهان کفر برای نوشتن کتاب علیه رسول خدا ﷺ اختصاص داده می‌شود و به قول روزه‌گارودی خدای آنان همان سرمایه و بازار می‌گردد که یکی از اندیشمندان غرب گفته است خدا در نظر ما همان رئیس شرکت سهامی کائنات است!^۱ و ریگان می‌گوید: من به خدا ایمان دارم. اما ایمان من برای نگهداری اسرائیل از ایمان به خدا بیشتر است.^۲

در چنین فضایی با پیوند به دستان مبارک و پر قدرت امام موعود علیه السلام، روز پیروزی و برافراشتن پرچم هدایت را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

«أین صاحب یوم الفتح و ناشر رایة الهدی»؛ اینجا نشر و گسترش رایت هدایت است و راهیابی انسان محدود و محکوم نخواهد شد و پراکندگی‌های فکری و رفتاری به تألیف و اجتماع می‌رسد.

«أین مؤلفُ شمل الصلاح و الرضا»؛ کجاست آنکه پریشانی خلق را اصلاح و دل‌ها را خشنود می‌سازد.

اکنون انسان دچار تشتت و پراکندگی در اندیشه و شناخت صلاح و سعادت خویش است و متأسفانه حتی در بین مسلمانان نیز هفتاد فرقه شده‌اند و از آنجا که کار امام علیه السلام جهانی می‌باشد، برکاتش هر دو جهان را خواهد گرفت. زیرا جهان غرب حتی راه کلی (اسلام) را هم نمی‌داند

۱. اریک فروم، روانشناس و نویسنده کتاب هنر عشق ورزیدن.

۲. زندگی یک آمریکایی، روزنامه اطلاعات.

و به اعتراف منتقدان آگاه که برخاسته از جامعه غرب هستند، مورد سرزنش واقع شده، چنان که آقای ویلیام چیتیک بسیار زیبا توصیف نموده است:

فلسفه جدید و روش‌های جدید غرب، نامش «تشت و تشعب» است. هر کس برای خودش مکتب و پیروانی دارد؛ مثل لباس زنانه مُد روز هم هست.

ما در دانشگاه آمریکا این را شاهد هستیم، آدم‌ها نگاه می‌کنند به پاریس که الان در آن جا چه چیزی مُد است. پنج سال بعد در آمریکا هم مُد می‌شود. بالاخره استادان آمریکایی هر لحظه که مُد جدید تفکر ظاهر می‌شود، توجهشان به آن جلب می‌گردد، این‌ها همه مقلدند.^۱

راستی که این فرازهای دعای ندبه نیازهای انسانی را شناخته و مرکز تأمین آن را شناسانده است تا کجایی انسان بیدار شود. پس بر آن گرامی درود می‌فرستیم.

«السلام علی ربیع الانام و نضرة الایام»؛^۲ درود بر تو ای بهار انسان‌ها و تازگی و طراوت ایام.

سزاوار است که در این بخش به برکات ظهور امام علیه السلام مراجعه گردد و سیر این پیروزی و سرکوبی دشمنان حق به آنجا می‌رسد که انتقام خون مصلحان الهی تاریخ از انبیا تا اوصیایی چون شهید کربلا که در

۱. مصاحبه با پرفسور چیتیک، استاد دانشگاه هاروارد، کیهان شماره ۱۶۵۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۲، چاپ اسلامی.

مظلومانه‌ترین شرایط در سرزمین کربلا به وقوع پیوست، گرفته می‌شود.
 «أین الطالب بذُحُول الانبیاء و ابناء الانبیاء، أین الطالب بدم لمقتول
 بکربلاء»؛ این جنبش خونخواهانه دست هر متجاوز و افترازننده را
 کوتاه می‌کند.

«أین المنصور علی من اعتدی علیه و افتری»؛ این پیروزی
 و شگفتی، محقق خواهد شد، زیرا امام موعود علیه السلام مردی منصور است.
 نصرتی با اقتدار و بی‌بدیل چون یاری خدا همراه او می‌باشد و این
 سرود وعده‌های اوست: «انا لننصرُ رسلنا و الذین آمنوا فی الحیاة
 الدنیا»؛

ما پیامبران و کسانی که ایمان آورده‌اند در زندگی دنیا یاری خواهیم کرد^۱ که
 امام موعود علیه السلام سپاه منصور خداست^۲ چرا که او به یاری دین خدا
 برخاسته^۳ و خداوند یاری دل‌های باورمند را حقی بر گردن خود می‌داند.^۴
 «حقاً علینا نصر المؤمنین»؛ کدام دل سرشارتر از دل اولیا خدا، در
 داستان لطیفی آمده است وقتی حضرت یوسف علیه السلام را برای فروش به
 بازار بردند، گفتند: خریداران باید به وزنش طلا بدهند ولی کسی
 قدرت چنین خریدی را نداشت، تا پادشاه مصر آمد و هر چه طلا در
 طرف دیگر ترازو گذاشتند، یوسف سنگین‌تر می‌شد و خلاصه
 نتوانستند به اندازه وزنش طلا بگذارند.

۱. سوره غافر، آیه ۵۱

۲. سوره صافات، آیه ۱۷۲.

۳. سوره محمد، آیه ۷.

۴. سوره روم، آیه ۴۷.

وقتی سبب را پرسیدند؛ یوسف گفت: من دارای متاعی هستم که اگر آسمان‌ها و زمین طلا باشد، متاع من از تمام آنها سنگین‌تر است.

پرسیدند آن چیست؟!

گفت: کلمه «لا اله الا الله».^۱

نصر و یاری خدا نزدیک است^۲ و هیچ یاری و پیروزی نیست، مگر آن که از سوی خداوند باشد، «وما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم»^۳ و دعای آن بزرگوار اجابت می‌شود که از سر اضطرار است.

«أین المضطرّ الذی یُجاب اذا دعی»؛

زیرا دعای اضطرار برای کسی است که امیدی به غیر خدا ندارد و اعتماد بر او نموده، پس انقطاع حاصل می‌شود و این یعنی شرط اساسی استجابت که اخلاص است، چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «وبالاخلاص یكون الخلاص».^۴

در حدیث آمده: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام وحی نمود: مثل انسان غمگین و غریق دعاکن که هیچ فریاد رسی ندارد، آنگاه از تو دعا و از من اجابت و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی یکی از شما اراده کرد از خدا چیزی نخواهد مگر آن که اجابت شود.

پس باید از همه مردم مأیوس شود و امیدی جز به خدا نداشته باشد،

۱. شفاء الصدور، شیخ‌مادی بروجردی، ص ۱۳.

۲. سوره بقره، آیه ۲۱۴. ۳. سوره انفال، آیه ۱۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۲۱.

پس اگر از قلب خود چنین ندایی فهمید، چیزی نخواهد خواست مگر آن که اجابت می‌شود.^۱

مهدی موعود علیه السلام تجلی توحید و انقطاع از غیر خداست، گرچه در این دعا نیز او هماهنگ با حکمت خداوند است؛ چنان که امام سجاده علیه السلام از این راز پرده برداشته می‌فرماید:

یا من لا تبدل حکمته الوسائل؛

ای کسی که حکمت تو را وسیله‌ها تبدیل و تغییر نمی‌دهد.^۲
در واقع باید صلاح کار را به خسروان سپرد و در حقیقت امام علیه السلام صدرنشین آفریدگان است و نیکی و پارسایی هم‌نشین و همراه اوست و اگر او را می‌خواهیم باید که با برّ و نیکی مانوس شویم.
این صدر الخلائق ذوالبرّ التقوی.

اصالت و نجابت مقام امام زمان علیه السلام

شگفتا که در این فراز دوباره بر پیوند امام موعود علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام و خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام تأکید می‌شود. این‌ها تأکیدی بر رابطه ناگسستنی نبوت و امامت و حکیمی بر حقیقت امامت علی علیه السلام دارد که پیوسته دشمنان در تفریق و تضعیف و تشکیک بلکه تکذیب این پیوند بوده‌اند و می‌باشند.^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷۴.

۲. صحیفه سجاده، دعای شماره ۱۳.

۳. به تاریخ حملات و افتراها در گذشته و اکنون مراجعه شود.

«أین ابن النبی المصطفی و ابن علی المرتضی»؛ کجاست فرزند مصطفی و علی و مرتضی «و ابن خدیجة الغراء»؛ که نجیب و بزرگوار و روسفید (در مزاجت با پیامبر ﷺ و مقاومت در برابر دشمنان اسلام و نصرت دین) در برابر روسیاهانی که او را پیرزنی نامیدند.^۱

«بابی انت و أمی»؛ پدر و مادرم فدای تو باد «و نفسی لك الوقاء»؛ پیش مرگ تو شوم.

شخصی می گفت: گاه من این جمله: «بابی انت و أمی» را در زیارات دیگر می خواندم اما برایم سنگین بود، اما وقتی به شناخت رسیدم که امام از خودم به خودم مهربان تر و دلسوزتر است، برایم آسان شد و همین سر بزرگی اصحاب امام حسین علیه السلام است که فدایی می شوند و در نماز امام علیه السلام تیرها را به جان خود می خرنند «و بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام» و خون دل خویش را قبل از ولی امر فدا می کنند و چنین است رسم شیدایی.

«یابن السادة المقربین»؛ ای فرزند سادات مقرب درگاه خداوند.

«یابن النجباء الاکرمین»؛ ای زاده نجیبان گرامی.

«یابن الهداة المهدیین»؛ ای فرزند راهنمایان راه یافته.

«یابن الخیرة المهدیین»؛ ای فرزند برگزیدگان پاکیزه.

همچنین در زیارت آن عزیز می گوئیم: «السلام عليك ايها المهدب

الخائف»؛ درود بر تو ای پاک نهاد...!^۲

۱. منظور عایشه است.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه.

«یابن الغطارفة الانجین»؛ ای زاده آقا منشان (سخاوتمند و با مروت، بزرگوار، مفرد آن غطراف) با نجابت.

هارون «لعنة الله عليه» برای امام هفتم در زندان برای به سازش کشیدن امام علیه السلام چرب زبانی نمود و در نهایت گفت: هر انسان غذایی مورد طبع اش را لازم دارد، من ربیع را فرستاده‌ام هر دستوری داری بگو و آنچه میل داری بی پرده بخواه.

امام علیه السلام می فرماید: من مالی در اینجا ندارم که سودم دهد «وما خُلقتُ سؤلاً»؛ من خواهش کننده ساخته نشده‌ام^۱ با این کلام هم مال هارون را حرام اعلام کرد و هم چیزی نخواست و حسرت خواهش را بر دل طاغوت گذاشت.

شرح این بزرگواری‌ها و اقامنشی‌ها را باید در تاریخ جست که چگونه با دشمنان نیز محبت و گذشت داشته‌اند و در هنگام قدرت نیز انتقام نگرفتند.

«یابن القماقمه الاکرمین»؛ ای فرزند مردان بزرگوار و بخشنده.

داستان بخشش‌های اهل بیت علیهم السلام از رسول گرامی تا علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام که سه روز گرسنگی کشیدند و یتیم، اسیر و مسکین را می‌نوازند و اراده سپاس و تشکر آنان را نمی‌نمایند. «لانرید منکم جزاءً ولاشکورا»^۲، نیاز به تأمل دارد.

۱. انوارالبهیه، مرحوم محدث قمی، ص ۹۶ و خاندان وحی استاد قرشی، ص ۵۶۲

۲. سورة انسان، آیه ۹.

«یابن الاطائب المطهرین»؛ ای فرزند پاکیزگان تطهیر شده.

از پاکی های ائمه علیهم السلام قصه های شگفتی است که می توان به موارد کوچکی اشاره نمود.

در تاریخ زندگانی امام هفتم می بینیم به دستور هارون، زنی که کنیز بسیار زیبایی بود را به زندان امام علیه السلام وارد نمودند و سپس امام علیه السلام می فرماید: حاجتی ندارم، هارون می گوید: با میل تو نیست و بعد از چندی، کنیز را در حال سجده و ذکر «قدوس و سبحانک سبحانک» می بیند.

هارون می گوید: موسی بن جعفر او را جادو کرده و وقتی کنیز را می آورند، چنین می گوید: او روز و شب به نماز ایستاده بود و از نماز که فارغ می شد، خدا را تسبیح می کرد.

گفتم: مرا برای خدمت به اینجا فرستاده اند.

امام علیه السلام فرمود: پس این ها چه کاره اند؟

کنیز باغی را می بیند، بهشتی با خادمان و با دیدن آن صحنه به سجده می افتد.

هارون می گوید: ای خبیثه شاید خواب دیده ای و کنیز تکذیب می کند.

هارون می گوید: این خبیثه را ببر و نگذار کسی سخن او را بشنود. کنیز در محل خود شروع به نماز کرد و هر وقت از او می پرسیدند می گفت: آن عبد صالح را در چنین حالی دیده ام و چندی در همین حال

بود تا از دنیا رفت.^۱ جرجی زیدان یک نمونه یا قطره‌ای از این اقیانوس طهارت را در کتاب خود، درباره امام حسین علیه السلام آورده است.

«یابن البدور المنیره»؛ ای زاده ماه‌های تابان.

«یابن السرج المضيئه»؛ ای فرزند چراغ‌های فروزنده که هر چه دشمن کوشید که خاموش کند، اما نتوانست.

«یابن الشهب الثاقبه»؛ ای زاده ستارگان نافذ که به دل‌های آدم‌ها نفوذ می‌کنند، و عشق و ارادت می‌مکتوب که نمونه‌های آن را در کتاب‌های نویسندگان غیر مسلمان، درباره علی علیه السلام می‌بینیم و بنا بر تحلیل آیه ۸ تا ۹ سوره جن همان شهاب‌های حارس و محافظی می‌باشند که وقتی فرقه‌های منحرف به آسمان دل مؤمنان قصد سویی می‌کنند، ائمه علیهم السلام آنان را هدف قرار می‌دهند و در طول تاریخ، دین را از شیاطین حفظ می‌کنند، یکی از نمونه‌های جالبی که در این زمینه می‌توان بیان نمود، از عنایت‌های امام زمان علیه السلام است که خوانندگان خود قضاوت کنند؛ در مصاحبه با یکی از راه یافتگان فرقه پوشالی بهائیت می‌خوانیم: آنها (سران بهائیت) کلاس‌های آموزشی و اردوهای برای همه بهایی‌ها داشتند تا اینکه طرح روحی به وجود آمد، برای بهایی کردن مسلمان‌ها؛ یعنی هدف اصلی طرح فقط تبلیغ است و آموزش تبلیغ و اتفاقاً اشاره کرده‌اند که روی بچه‌ها چگونه کار کنید. البته واقعاً ناموفق بوده‌اند.

چرا؟! /

۱. خاندان وحی، ص ۵۶۱ به نقل از مناقب، ج ۴، ص ۲۹۷.

نمی دانم! شاید دست غیبی در کار بود، همیشه ناموفق بوده اند این هم یکی دیگر از ناکامی هایشان.^۱

«یابن الانجم الزاهره»؛ ای زاده اختران درخشنده.

«یابن السبیل الواضحه»؛ ای فرزند راه های واضح.

این معجزه کلام و سیره ائمه علیهم السلام است که راه های خوبی را به سادگی نشان می دهند با یک جمله کوتاه راهی بلند را طی می نمایند، وقتی فردی به امام جواد علیه السلام می گوید مرا راهنمایی کن که جامع و منحصر باشد، می فرماید: «صُنْ نَفْسَكَ عَنْ عَارِ الْعَاجِلَةِ وَ نَارِ الْآجِلَةِ»، نفس خویش را از ننگ آماده (دنیا) و آتش آینده، مصونیت ببخش!^۲

این امام علیه السلام ماست که در ۶-۷ سالگی به امامت می رسد و در ماندگی فقهاء کهنسال را در اندازه قطع دست که در قرآن مجمل است بیان می نماید و حتی استناد قرآن را بیان می کند و ابن ابی داود می گوید: معتصم جواب محمد بن علی علیه السلام را پسندید و دستور داد انگشتان دزد را قطع کردند و من همانجا (از شرمساری) آرزوی مرگ کردم.^۳

«یابن الاعلام اللائحه»؛ ای زاده نشانه های روشن و راهنما.

«یابن العلوم الکاملة»؛ ای زاده علوم کامل، اینجا نفرموده عالمان

کامل یا شاید از باب زید عدل باشد که مبالغه در علم جامع باشد بلکه

۱. کیهان، شماره ۱۸۶۴۳.

۲. پیشوایان معصوم، مؤسسه در راه حق، ص ۴۶۱، به نقل از احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۳۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۵.

همه ابعاد زندگی انسان را شامل می‌شود؛ زیرا ولایت امام، انسان را در محدوده دنیا نمی‌بیند بلکه ابدیت انسان را تضمین می‌کند.

در هر صورت علم آنان بسیار گسترده است؛ به یک نمونه دلنشین از امام مجتبی علیه السلام توجه کنید:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: روزی امام حسن علیه السلام با معاویه «لعنة الله علیه» در نخيله نشستند و معاویه گفت: ابا محمد! به من گفته‌اند که رسول خدا (خرمای) نخل‌ها را تخمین می‌زد آیا شما چنین علمی داری؟ شیعیان شما عقیده دارند که هیچ دانشی، نه در زمین و نه در آسمان از شما پنهان نیست.

سپس پرسید: این نخل چقدر خرما دارد؟!

امام حسین علیه السلام فرمود: چهار هزار و چهار خرمای نارس! معاویه دستور دارد تا خرماها را از درخت کنند و شمردند چهار هزار و سه دانه بود.

امام حسن علیه السلام فرمود: سوگند به خدا به من دروغ نگفته‌اند؛ من نیز دروغ نگفته‌ام؛ پس نگریستند و دیدند آن یک دانه در دست عبدالله بن عامر بن کریز است. سپس امام حسن علیه السلام فرمود: معاویه! اگر کافر نمی‌شدی به تو می‌گفتم در آینده چه کارهایی خواهی کرد.^۱

«یابن السنن المشهوره»؛ ای زاده روش‌های معروف که رفتارها و سیره ائمه علیهم السلام چنان شناخته شده بوده‌اند که جای تردید و تکذیبی

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسن علیه السلام، ص ۱۴۶، به نقل از بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۲۹.

نیست، زیرا همه بر آمده از کتاب خدا و سنت رسول بوده است. «یا بنی المعالم المأثوره»؛ ای فرزند آموزه‌های روایت شده، یعنی سینه به سینه. زیرا علوم ائمه علیهم‌السلام سینه به سینه از امام زمان علیه‌السلام تا علی علیه‌السلام و سپس مستند به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز از وحی می‌گوید: که «ما ینطق عن الهوی، ان هو الا وحی یوحی».^۱

در حقیقت روایات ائمه علیهم‌السلام بیانی از وحی اند، چنان که قرآن خود این حقیقت را به صراحت نشان داده است، «انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم»؛ قرآن را به تو فرود فرستادیم تا برای مردم تبیین و تفسیر نمایی^۲ و این روایات به تعبیر علامه عسکری: «وحی بیانی هستند».

«یا من المعجزات الموجودة»؛ ای زاده معجزات موجود.

یک معجزه موجود همان قرآن و بقیه نمونه‌هایی است که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام نوشته‌اند و تاریخ گواه آن است و هم اکنون نیز با تو سلات، ناشدنی‌ها شدنی می‌شوند؛ کافی است کسی با ایمان از آنها بخواهد.^۳

«یا بنی الدلائل المشهودة»؛ ای فرزند دلایل مشهود که مردم به راحتی شاهد دین مستحکم و منطقی هستند.

۱. سوره نجم، آیه ۴۳.

۲. سوره نحل، آیه ۴۴.

۳. به راحتی می‌توان به قصه امام هادی علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام در اشاره به تصاویر شیرها مراجعه کرد که چگونه تصاویر جان می‌گیرند و مرد جسور را می‌بلعند و خلیفه بی‌هوش می‌شود.

ای پسر صراط مستقیم یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام^۱.
 «یابن النبأ العظیم»؛ ای پسر خبر بزرگ که همان علی علیه السلام است.
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام تلاوت این آیه فرمود: «إِنَّ وِلايَةَ عَلِيٍّ
 يَتَسَاءَلُونَ عَنْهَا فِي قُبُورِهِمْ...» ولایت علی آن چیزی است که در قبرها
 از آن سؤال می‌شوند.

پس هیچ مرده‌ای در شرق و غرب عالم و نه در خشکی و دریاست،
 مگر آن که نکیر و منکر از او درباره ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پرسند
 و به مرده می‌گویند: کیست خدای تو، دین تو چیست، پیامبر تو کیست
 و امامت چه کسی می‌باشد؟!

این روایت از اهل سنت، حافظ ابونعیم نقل شده است.^۲
 «یابن من هو فی ام الكتاب لدی الله، علی حکیم»؛ ای پسر کسی که
 در دفتر کُل نزد خداوند، (علی) حکیم و (فرزانه) شمرده شده که
 مقصود از علی امیرالمؤمنین علیه السلام است.

«یابن الایات و البینات»؛ ای پسر نشانه‌ها و دلایل روشن.
 «یابن الدلائل الظاهرات»؛ ای پسر دلیل‌های آشکار.
 «یابن البراهین الواضحات الباهرات»؛ ای پسر برهان‌های واضح
 خیره‌کننده.

«یابن الحجج البالغات»؛ ای زاده حجت‌های رسا.
 «یابن النعم السابغات»؛ ای فرزند نعمت‌های گسترده.

۱. و صراطه المستقیم، زیارت روز غدیر. ۲. شرح دعای ندبه، مرحوم ادیب، ص ۲۶۵.

«یا بن الحجاج البالغات»؛ ای فرزند حجت‌های رسا.

حجّت آن چیزی است که با آن احتجاج می‌شود، حجّت دین و بیان و سیره رسول الله ﷺ و ائمه علیهم السلام آنان چنان رسا می‌باشد که کسی دچار تردید نمی‌شود، چون آن بزرگواران از بینشی سخن می‌گفته‌اند که پایگاه درونی در انسان دارد، چنان که قرآن می‌گوید: «حَبِيبَ الْيَكْمِ الْاِيْمَانِ».

خدا ایمان را محبوب شما قرار داده «و زينه في قلوبكم»؛ و دل‌هاتان مزین به آن است.^۱ در حقیقت، دلیل‌ها و نشانه‌های روشن و آشکار، فقط باید کسانی باشند تا با هدایت خویش زمینه‌ساز انتخابی صحیح باشند و چنین است که می‌بینیم گفتار امام علی با کسانی که در نهایت الحاد بودند به جایی می‌رسد که می‌توان معنی حجاج بالغه را فهمید.

ابو منصور می‌گوید: یکی از دوستانم نقل کرد: که با ابن ابی العوجاء و عبدالله بن مقفع (از سرکردگان، الحاد) در مکه، در مسجد الحرام نشسته بودیم، ابن مقفع گفت: این مردم را می‌بینید؟ هیچ یک شایسته نام انسان نیستند مگر آن مرد بزرگ که نشسته است.

ابن ابی العوجاء گفت: چرا از این همه، آن مرد را انسان می‌دانی؟!

زیرا در او چیزهایی دیده‌ام که در غیر او نیافتم.

ابن ابی العوجاء گفت: باید صحت ادعای تو را جو یا شوم و خودم بفهمم.

ابن مقفع: از این کار صرف نظر کن، چرا که بیمناکم اگر با او سخن بگویی آنچه داری (دلایل الحادی) تباه سازد....

سرانجام ابن ابی العوجاء به دیدار امام می‌رود و وقتی باز می‌گردد، می‌گوید: وای بر تو، تو گفتی او انسانی است، اما من دیدم او از جنس بشر نیست. اگر در جهان یک تن باشد که هرگاه بخواهد، روح محض است و هرگاه بخواهد، در بدن جسمانی دیده می‌شود، تنها اوست! سپس استدلال‌های امام علیه السلام را درباره خدا توضیح می‌دهد تا آنجا که می‌گوید: ... همچنین آثار قدرت خدا را که در وجود من است و نمی‌توانم انکار کنم، پیوسته بر من می‌شمرد، چنان که گمان کردم هم اکنون خدا میان من و او آشکار می‌گردد.^۱

«يا بن النعم السابغات»؛ ای فرزند نعمت‌های گسترده.

اهل بیت علیهم السلام نعمتی جامع‌اند که پاسخ‌گوی همه ابعاد آدمی می‌باشند، برخی نعمت‌ها برای جزئی از وجود ماست، اما نعمت آنان هم تمامی وجود آدمی را سرشار می‌کند و هم تا گستره بعد از مرگ ادامه دارد.

«يا بن طه والمحکمات»؛ طه نام پیامبر است و از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای عبادات آنقدر بر سر پا می‌ایستاد که قدم‌های او ورم کرد، آیات سوره طه نازل شد که خطاب نمود: «طه ما انزلنا عليك القرآن لِتَشْقَى»؛ ای پیامبر! ما قرآن را نفرستادیم که این قدر خود را به زحمت اندازی و طه به معنی محمد

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۷۴. سوره طه، آیه ۲۱.

است و امام صادق علیه السلام فرمود: «طه» یعنی ای طالب حق و هادی به سوی حق.^۱ محکمت در مقابل محملات و متشابهات است.^۲ زیرا ائمه علیهم السلام خود تجلی هدایتی هستند که تردیدی در آن راه ندارد و به اصول و سنی هدایت می‌کنند که استحکام لازم را دارد، پس رفتار آنان اسوه است، چنان که رسول الله صلی الله علیه و آله چنین بود.

«یابن یس و الذاریات»؛ ای زاده یس و ذاریات.

یس، نام پیامبر صلی الله علیه و آله است که در ابتدای سوره یس مخاطب قرار گرفته است و امام صادق علیه السلام فرمود: یس، اسم رسول الله صلی الله علیه و آله است و دلیل بر آن، آیه بعد است که می‌فرماید: «انک لمن المرسلین».^۳

از آنجا که یس قلب قرآن است،^۴ پس می‌توان جایگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بالتبع مقام ائمه علیهم السلام و امام زمان علیه السلام را دانست چرا که حیات قرآن با اهل بیت علیهم السلام است.

ذاریات جمع ذاریه به معنی بادهایی می‌باشد که اشیاء را به پرواز در می‌آورد، شاید وجه تشبیه این باشد، همان طور که باد است و هوا را لطیف می‌نماید و بذر گیاهان را به اطراف می‌رساند و باروری گیاهان (لقاح) را تمهید و تسهیل می‌کند، چنان که قرآن می‌فرماید: «ارسلنا الریاح لواقع»؛ بادهای را می‌فرستیم تا ابرها را آبستن و بارور نمایند.^۵

۱. شرح دعای ندبه، مرحوم ادیب، صص ۲۶۹-۲۶۸.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۰۸، ص ۳۱۵ به نقل از نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۷۵. سوره یس، آیه ۳.

۴. تفسیر مجمع‌البیان، ذیل آیه اول. ۵. سوره حجر، آیه ۲۲.

و موجب ریزش باران و حیات و نشاط می‌شوند^۱ و نشانه ریزش رحمت الهی هستند؛ پس همه این برکات در اهل بیت علیهم‌السلام هست که هر جا شناسانده شوند و معارف آنها برسد، آدم‌ها را تولدی دیگر می‌بخشند و شور و نشاط و حیات را در دل‌ها می‌دمند.

«یابن الطور و العادیات»؛ ای زاده طور و عادیات.

کوه طور محل وحی بر موسی علیه‌السلام و شروع دستور برای مبارزه با فرعونیان است و در این آیه، منظور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که همچون کوهی استوار برای ابلاغ و نشر دین خود ایستاد^۲ و همچنین می‌تواند اشاره به حرکت امام زمان علیه‌السلام باشد که او نیز این سنت مبارزه را شروع خواهد کرد و انسان‌ها را از طوفان‌ها و امواج نیل سختی‌ها نجات خواهد داد.

«و العادیات» چنان که در تفاسیر آورده است: مربوط به جنگ ذات السلاسل است که در سال هشتم هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خبردار شد که دوازده هزار نفر در سرزمین یابس جمع و متحد شده‌اند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام را کشته و مسلمانان را متلاشی نمایند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عده‌ای از اصحاب را فرستاد که بی‌نتیجه بازگشتند و سرانجام علی علیه‌السلام با گروهی کثیر از مهاجر و انصار حرکت نمود و با تدبیری ویژه آنها را شکست داد و گروهی را اسیر و به غنیمت آورد، هنوز سربازان به مدینه بازنگشته بودند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نماز صبح این سوره

۱. سوره اعراف، آیه ۵۷؛ سوره فرقان، آیه ۴۸ و سوره فاطر، آیه ۹.

۲. شرح دعای ندبه، مرحوم ادیب، ص ۲۷۲.

را تلاوت نمود و خبر پیروزی علی علیه السلام را بشارت داد.^۱ در این جنگ ۱۲۰ نفر از شجاعان دشمن به شمشیر علی علیه السلام هلاک شدند.

پس امام زمان علیه السلام را از این جهت فرزند عادیات (اسبان دونده‌ای که نفس زنان به میدان جهان رفتند) می‌دانند، چون یادآور سابقه درخشان جد بزرگوارشان می‌باشد.

يابن من دنى فتدلى فکان قاب قوسین أو أدنی دنوّاً و اقتراباً من العلیّ الاعلیّ؛ ای زاده کسی که به (حضور و شهود الهی) نزدیک شد و در آویخت تا به اندازه دو سر کمان یا نزدیک‌تر رسید به آن خدای علی علیه السلام.

این چنین قرب و حضوری برای چه کسی حاصل شده است و چگونه می‌توان آن را تصوّر نمود و به همین دلیل بوده است که برخی گمان مکان برده بودند و از امام سجاده علیه السلام پرسش نمودند، امام علیه السلام فرمود: خدا برتر از مکان است ولی پیامبر صلی الله علیه و آله را سیر داد تا به شگفتی‌های عالم هستی و ملکوت پی ببرد و حجاب‌ها را براندازد؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله به آن حجاب‌های انوار حق نزدیک شد و ملکوت آسمان و زمین را مشاهده نمود، حقایق اشیاء را دید و به آن انوار آویخته شد.^۲

این فراز از دعا که نمایشگر نهایت علو مقام رسول الله صلی الله علیه و آله در قرب خداست، تابلویی است که به انسان، گذشته، حال و آینده را می‌فهماند، شما هر چه تصرف داشته باشید، نمی‌توانید به اندازه رسول الله صلی الله علیه و آله

۱. بحار الانوار، ج ۲۱؛ مجمع البیان، ج ۱۰ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۴۰.

۲. شرح دعای ندبه، مرحوم ادیب، صص ۲۷۹-۲۸۸.

عروج کنید که از ملک هستی به ملکوت و سپس به مالک هستی چنین نزدیک شده و فرزند او مهدی علیه السلام در چنین شجره طیبه‌ای قرار دارد، باید یادآور شویم که این فقط شهودی باطنی بوده، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ این سؤالی که «هل رأیت ربک؟» آیا خدا را دیده‌ای؟ فرمود: «رأیت بفؤادی»؛ او را با قلبم دیدم.^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم در پاسخ این سؤال فرمود: کسی را که ندیده باشم، نمی‌پرستم، اما نه با چشم سر دیده‌ام، بلکه با چشم دل.^۲ البته لازم است به حکایت معراج مراجعه کنیم که حقایق بسیار ارزشمندی را رسول اکرم صلی الله علیه و آله دید و گزارش نمود: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند متعال پرسید: کدام کار از همه افضل است؟

خداوند فرمود: هیچ چیز نزد من برتر از توکل بر من و رضا به آنچه قسمت کرده‌ام، نیست؛ ای محمد! آنها که به خاطر من یکدیگر را دوست دارند، محبتم شامل حال آنهاست و کسانی که به خاطر من مهربانند و به خاطر من پیوند دوستی دارند، آنها را دوست دارم و محبتم برای کسانی که بر من توکل می‌کنند، لازم است و برای محبتم حد و مرزی و نهایی نیست.

ای محمد! همچون کودکانی مباش که سبز و زرد رزق و برق را دوست دارند و هنگامی که غذای شیرین و دلپذیری به آنها می‌دهند،

۱. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۸۷ و نهج البلاغه، خ ۱۷۹ برای تفصیل به تفسیر نمونه، ج ۲۲، صص

۲. همان.

۴۹۴ - ۴۹۳ مراجعه کنید.

مغزور می شوند و همه چیز را فراموش می کنند.

پیامبر ﷺ عرضه داشت: پروردگارا مرا به عملی هدایت کن که

موجب قرب تو باشد.

فرمود: شب را روز و روز را شب قرار ده.

عرض کرد: چگونه؟!

فرمود: چنان که خواب تو نماز باشد و هرگز شکم خود را سیر مکن.

ای محمد! محبت من محبت فقیران و محرومان است، به آنها نزدیک شو

و در کنار مجلس آنها قرار گیر، تا من به تو نزدیک شوم و ثروتمندان

دنیاپرست را از خود دور ساز و از مجالس آنها برحذر باش.

عرضه کرد: پروردگارا اهل دنیا و آخرت کیانند؟!

فرمود: اهل دنیا کسانی اند که زیاد می خورند، زیاد می خندند،

می خوابند و خشم می گیرند و کمتر خشنود می شوند نه در برابر کسی

عذر می خواهند، نه عذر کسی را می پذیرند، در اطاعت خدا تنبل و در

گناهان شجاعند و....

اما اهل آخرت، مردمی با حیا هستند، جهل آنها کم، منافعشان بسیار،

مردم از آنها در راحت و خود از دست خویش در رنج و سخنانشان

سنجیده است، پیوسته حسابگر خویشند و....

ای احمد! عبادت، ده جزء دارد که نه جزء آن طلب حلال است، هنگامی که

غذا و نوشیدنی تو حلال باشد تو در حفظ و حمایت من هستی.

ای احمد! آیا می دانی کدام زندگی گواراتر و پر دوام تر است؟!

عرض کرد: خداوندا نه!

فرمود: زندگی گوارا آن است که صاحب آن لحظه‌ای از یاد من غافل نماند، نعمت مرا فراموش نکند، از حق من بی‌خبر نباشد و شب و روز، رضای مرا بطلبد، اما زندگی باقی آن است که برای نجات خود عمل کند و دنیا در نظرش کوچک باشد و آخرت بزرگ، رضای مرا بر رضای خودش مقدم بدارد، در برابر هر گناه و معصیتی به یاد من بیفتد و قلبش را از آنچه ناخوش دارم پاک کند، شیطان و وسوسه‌های شیطانی را مبعوض دارد و ابلیس را بر قلب خود مسلط نسازد. هنگامی که چنین کند، محبت خاصی در قلبش جای دهم، آن چنان که تمام دلش در اختیار من خواهد بود... چشم و گوش قلب او را می‌گشایم، تا با گوش و قلبش حقایق غیب را بشنود و با دلش جلال و عظمت را بنگرد.

ای احمد! اگر بنده‌ای نماز تمام اهل آسمان‌ها و زمین را به جا آورد و روزه تمام اهل زمین و آسمان‌ها را انجام دهد، همچون فرشتگان غذا نخورد و لباس فاخری نپوشد، ولی در قلبش ذره‌ای دنیاپرستی یا ریاست‌طلبی یا عاشق به زینت دنیا باشد، در سرای جاویدانم در جوار من نخواهد بود و محبتم را از قلب او بر می‌دارم.

سلام و رحمتم بر تو باد «والحمد لله رب العالمین»^۱.

عبدالله بن عمر نقل نموده که شخصی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: خداوند با چه صدایی با تو سخن گفت؟!

۱. بحالانوار، ج ۷۷، صص ۳۰-۲۱ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۲.

پیامبر ﷺ جواب داد: صدای علی را شنیدم و از خداوند پرسیدم: خدایا! علی با من سخن می گوید یا تو؟!
 خداوند پاسخ داد: ای احمد! من چیزی مثل اشیاء نیستم تا با مردم قیاس شوم، تو را از نور خودم آفریدم و علی را از نور تو و از نهانهای قلب تو آگاه شدم که هیچ کس مثل علی نزد تو محبوب نمی باشد؛ پس با زبان علی با تو پاسخ گفتم، تا قلبت آرامش یابد.^۱

اوج دعای ندبه، طلب و عطش به موعود ﷺ

«لیت شعری این استقرت بك النوی»؛ کاش می دانستم که هجران و دوری، تو را کجا کشانده؟^۲
 «بل ای ارض تُقلک أو ثری»؟ چه زمین و خاکی تو را نگه داشته؟
 ابرضوی او غیرها أم ذی طوی؛ آیا در کوه رضوایی یا غیر آن یا ذی طوی؟

ذکر این دو نام در روایات، سابقه دارد، امام سجاده علیه السلام می فرماید: پس هنگام ظهور، جبرئیل دست قائم علیه السلام را می گیرد و مصافحه می نماید و بر او سلام می کند و می گوید بلند شوا
 اسبی می آورد که به آن بُراق می گویند (اسم اسبی که پیامبر صلی الله علیه و آله با آن به معراج رفت) پس سوار می شود و به کوه رضوی می آید و محمد صلی الله علیه و آله

۱. هزار فضیلت از امیرالمؤمنین علیه السلام، علی رضا صابری، به نقل از کشف الیقین، ص ۲۲۹.

۲. مکان نائی یا بعید تعبیر امام زمان علیه السلام است؛ احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۷.

و علی علیه السلام می آیند و منشور می نویسند، سپس به سوی مکه روان می شود که مردم در آن گرد آمده‌اند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: از بلندی ذی طوی با ۳۱۳ نفر به پایین می آید تا این که به مسجد در آید.^۲

در مقدمه گفتیم که به عقیده کیسانیه محمد بن حنفیه در کوه رضوی غایب شده! و آنها قائل به امامت اویند، همچنین در عقاید و سخنان کیسانیه آمده است که: محمد بن حنفیه با امام زین العابدین ادعایی مطرح نمود و امام علیه السلام حکمیت را به عهده حجرالاسود گذاشت، یعنی در نزد او هر کدام ادعای امامت کنند و حجرالاسود به هر کدام شهادت دارد، حق با او باشد.

پس نزد حجر رفتند و محمد سخن گفت و پاسخی نیامد. آنگاه امام سجاد علیه السلام حجر را به حق خداوند قسم تا بگوید امام بعد از حسین بن علی علیه السلام کیست؟

حجرالاسود بر خود لرزیده و به زبان عربی فصیح گفت: که امامت حق علی بن الحسین است؛ محمد حنفیه پای امام سجاد علیه السلام بوسید و اعتراف به حق او نمود.^۳

«عزیز علیّ أن أرى الخلق ولا تُرى»؛ «برایم چقدر سخت است که آفریدگان را ببینم و تو را نبینم، (که مقصد خلقت شماست) بهتر است بگوییم:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶. ۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳. حدیقه الشیعه، مقدس اردبیلی، ج ۲، ص ۶۸۳.

خود به چشمان پرده آویختند آبروی چشم خود را ریختند^۱

«و لا اسمع لك حسیساً و لا نجوی»؛ و از تو راز و رمزی نشنوم.
 «عزیز علیّ ان تحیط بك دونی البلوی»؛ چقدر سخت است برایم که
 تو در محاصره گرفتاریها باشی و من نباشم، (شاید از این جهت که چون
 امام زمان علیه السلام اشراف به رنجها و گرفتاریهای شیعیان و بشریت دارد
 و جنگ و جهل و فقر و گرفتاریها را می بیند و از طرفی به خاطر
 خطری که او را احاطه نموده و اذن ظهور او از طرف خداوند قرار
 نگرفته در چنین حصری مانده است).

«ولا ینالك منی ضجیح و لا شكوی»؛ و سخت است که نمی توانم در
 حضورت ضجه و شکوه کنم.
 «بنفسی أنت من مغیب لم یخلُ منّا»؛ جانم فدای ناپیدایی که بیرون
 و جدا از ما نیست.

این جمله دفع شبهه از این مطلب است که اینها شکوههای من
 است؛ اما تو بی خبر نیستی، چنان که در کلام امام زمان علیه السلام آمده است:
 «نحن و ان کنا نائین بمکاننا النائی عن مساکن الظالمین... فانا نحیط
 علماً بانبائکم و لا یعزبُ عنّا شیء من اخبارکم...».

گرچه ما در مکانی دور از مسکن ستمگران، منزل گرفته ایم، اما
 احاطه و اشراف به خبرهای شما داریم و هیچ کدام از اخبار شما از ما

پنهان نمی‌ماند^۱ و چنین است که خاطرات عنایت امام علیه السلام در گذشته و دور، شیرین و دلرباست.

نقل شده است: علامه حلی در هر شب جمعه برای زیارت سیدالشهداء علیه السلام به کربلا می‌رفت، در یک سفر زیارتی ناگهان شخصی با وی همراه می‌شود، باب گفت و گو گشوده می‌شود و علامه که گوهر شناس بوده از مفاد و آهنگ کلمات همراه در می‌یابد که همراهش فردی متفاوت است، پس بخشی از مسائل مشکل را با او در میان می‌گذارد و جواب می‌گیرد، تا این که مسأله‌ای ویژه را مطرح می‌کند و همراه آن فتوا می‌دهد.

علامه می‌گوید: در این باب حدیثی نداریم.

عالم می‌گوید: حدیثی در این باب در کتاب تهذیب شیخ طوسی آمده است! شما فلان مقدار ورق بشمارید در فلان صفحه و فلان سطر هست. علامه شگفت زده شده که این شخص با این دانش و قاطعیت چه کسی می‌باشد؟

پس ناگهان می‌پرسد: آیا در این زمان که غیبت کبری است، می‌توان صاحب‌الامر علیه السلام را دید؟

در این هنگام تازیانه از دست علامه به زمین می‌افتد، آن همراه بزرگوار خم شده و تازیانه را در دست علامه گذاشته و می‌فرماید: چگونه نمی‌توان او را دید در حالی که اکنون دست او در میان دست توست!

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۷، نامه به شیخ مفید، چاپ آسوه.

علامه بی‌هوش شده و به زمین می‌افتد و بعد از این حادثه، به سراغ کتاب رفته و مطب را در همان نشانی می‌یابد و در حاشیه کتاب می‌نویسد: این همان حدیثی که حضرت صاحب‌الامر علیه السلام از آن خبر دارد.^۱
ز بس که گرد معصیت نشسته بر چشمانم

تو در کنار منی و تو را نمی‌بینم

«بنفسی أنت من نازح ما نرح عنا»؛ جانم فدای دور از وطنی که از ما
کناره نگرفته است.

آری!

او در کنار ماست، در تشرّفات عصر حاضر آنقدر نمونه‌هایی از
عنایت و حضور آن گرامی می‌باشد که امکان انتخاب را دشوار می‌کند.
اما به نمونه‌ای از این برکات و عنایات که در مسجد مقدّس جمکران
اتفاق افتاده، توجه کنید:

یکی از دوستان روحانی که در آن مکان مقدّس خدمت می‌کند،
تعریف نمود: شبی در خیابان چهارمردان روبروی گلزار به قصد
جمکران ایستاده بودم، اما ماشین‌ها یا پر بودند یا به جمکران نمی‌رفتند.
هنگامی که خسته و مأیوس شده بودم به اتوموبیلی گفتم: جمکران!
او نگه داشت به محض سوار شدن، مسافران گفتند: آقا! ما جمکران
نمی‌رویم.

راننده گفت: ناراحت نباشید، شما را می‌رسانم، بعداً این آقا را به

جمکران می‌برم، وقتی مسافران را در مقصدشان پیاده نمود،
عذرخواهی نمودم که نمی‌خواستم مزاحم شوم.
راننده گفت: من وقتی نام جمکران را می‌شنوم، زانوانم می‌لرزد
و نمی‌توانم سوار نکتم.

زیرا این یک داستان دارد، طالب تعریف او شدم.
او گفت: شبی در هوایی سرد از کنار خانواده‌ای گذشتم و آنها گفتند:
جمکران، من خسته بودم و ساعت نیز از ۱۲ گذشته بود، دلم راضی نشد
که آنها را به جمکران ببرم. آنها را رساندم و به خانه آمدم، بلافاصله هم
خوابیدم، اما هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که صدایی متین و مقتدر
اما مهربان بیدارم کرد و گفت: برخیز! برخیز! چرا خوابیده‌ای؟!
بیدار شدم و به اطراف نگاهی کردم و گفتم: کسی مرا صدا زد؟!
جوابی نیامد، همه خواب بودند.

دوباره خوابیدم، اما هنوز چشمانم گرم خواب نشده بود که همان
صدا بر من عتاب نمود که برخیز!
گفتم: چرا!!

گفت: آن خانواده در جمکران گریه می‌کنند و نگرانند.
پرسیدم: چرا؟!

گفت: کیف پولشان در ماشین تو جا مانده است!
بیدار شدم و به سراغ اتومبیل رفتم، کیف پولی در صندلی عقب بود،
باز کردم چند میلیون تراول چک بود، به سرعت خودم را به جمکران
رساندم و خانمی را دیدم که با بچه‌هایش کنار درب مسجد گریه می‌کند.

به او گفتم: مشکل چیست؟! /

گفت: پولمان را گم کرده ایم.

گفتم: نگران نباشید که پیدا شد.

از شوهرش پرسیدم.

گفت: در مسجد متوسل شده است.

با هم رفتیم و شوهرش را صدا زدند و آمد، اما با چشمانی اشکبار ما

را که دید، از همسرش پرسید چه شده؟! /

گفت: این آقای گوید: پول پیدا شده و کیف را نشان دادم.

گفت: شما کجا و این کیف.

گفتم: من راننده ای هستم که شما را رساندم و مگر شما از آقا

نخواستید؟! /

خودش خبرم کرد و ماجرا را گفتم و گونه هایشان بارانی شد.

دمی زحاجت ما نمیکنی غفلت

که این سجیه به جز در شما نمی بینم

زیس که گرد معصیت نشسته بر چشمانم

تو در کنار منی و تو را نمی بینم^۱

«بنفسی أنت أمانة شائقي يتمني من مؤمن ومؤمنة ذكرا فحنا»؛ جانم

فدای کسی که آرزوی هر شوقمندی است که تمنایش را نموده و به

یادش باشند و در فراقش بنالند.

«بنفسی انت من عقید عزّ لا یسامی»؛ جانم فدای سردار عزّتی که هم طرازی ندارد.

«بنفسی انت من ائیل مجد لا یجاری»؛ جانم فدای بنیان باشکوهی که همتایی ندارد.

«بنفسی انت من تلاد نعم لا تضاهی»؛ جانم فدای نعمتی دیرینه که مشابهی ندارد.

«بنفسی انت من نصیف شرف لا یساوی»؛ جانم فدای قرین شرافتی که برابری ندارد.

نصیف به معنی دستار، عمامه و نصف چیزی را گویند، شاید از آن جهت که امام علیه السلام ثقل اصغر است، پس با ثقل اکبر که قرآن است قرین است و هیچ چیزی جای او را پُر نمی‌کند.

با این شناخت‌ها، چنان شعله‌شور و شیدایی در منتظر بالامی‌گیرد که از متن جان در طلب آمده و می‌خواند: «الی متی أحرار فیک یا مولای»؛ تا کی سرگردان و حیران در جستجوییت باشم و تا کی و با چه گفتاری توصیفت نمایم و چه رازی با تو بگویم؟!

«عزیزُ علیّ أن أجاب دونک»؛ بر من سخت است که صدا بزنم و از دیگری جواب بشنوم و سرگرم شوم.

«عزیزُ علیّ ان ابکیک و یخذلک الوری»؛ چقدر برایم ناگوار است که برایت سرشک غم بریزم و مردم تو را واگذارند، برایم ناگوار است بر تو (سختی‌ها) بگذرد جز آنچه بر مردم می‌گذرد و اینجاست که حس یاری در منتظر زنده می‌شود تا همراهانی در این سختی داشته باشد و می‌نالد

که «هل من معین فاطیل معه العویل والبکاء» آیا کمک‌رسانی هست که به همراهی‌اش شیون و گریه طولانی سر دهیم؟

«هل من جزوع فأساعد جزعه اذا خلا»؛ آیا بی‌تابی (در فراقش) هست تا در هنگام تنهایی‌اش مساعدت کنم؟

«هل قدیت عین فساعدتها عینی علی القذی»؛ آیا به‌خار افتاده‌چشمی هست که با چشمانم او را (در این احساس) یاری کند؟

«هل الیک یابن احمد سیل فتلقی»؛ ای فرزند احمد، آیا راهی به سوی دیدارت می‌یابم؟

«هل یتصل یومنا بعدة فنحیی»؛ آیا امروز جدایی به فردای وصل می‌پیوندد تا بهره‌مند شویم؟

توصیفی از برکت‌های وجود امام علیه السلام

و پاسخ به عطش با وجود و حضور امام موعود علیه السلام

«متی ترد منا هلك الرویه فنروی»؛ کدامین زمان به سرچشمه‌های سیراب‌کننده‌ات درآییم و سیراب شویم؟

«متی ننتفع من عذب مائک فقد طال الصّدی»؛ کی از آب‌گوارای وجودت بهره‌مند گردیم؛ به راستی که تشنگی طولانی شد!

این فراز از دعا بسیار قابل تأمل است. زیرا هنگامی که توصیفی از این وجود آرمانی شد، پرسشی ایجاد می‌شود که آیا او هست؟ زیرا در اخبار می‌بینیم حتی کسانی که ایمان دارند در اثر طولانی شدن زمان غیبت به تردید و شک می‌افتند، پس نیاز به دلیل داریم، تشبیه به آب

گوارا، بهترین راه اثبات وجود امام علیه السلام است.^۱
 زیرا ضرورت آب دلیل وجود اوست، وقتی به آن نیاز داریم، پس او وجود
 دارد، اگر آب نبود، ما احساس تشنگی نمی‌کردیم، از این بالاتر می‌توان
 گفت که اصلاً وجود آب، دلیل عطش ماست. «لولا انت لم ادر ما انت»
 اگر ارگانیزم و ساختار ما آب را نچشیده بود، احساس عطش نداشت.
 رُخ نهان کردی که پیدایت کنند تشنه گردند و تمنایت کنند^۲

این است سرّ سبقت نیاز به وجود امام و امامت که حتی توبه آدم علیه السلام با
 قسم به نام آنان پذیرفته می‌شود.^۳

زیرا سبقت وجودی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و امام قائم علیه السلام در عالم هستی
 و اشتغال آنان به تسبیح خداوند در متون دینی ما به اثبات رسیده است.
 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک چهارده نور را چهارده هزار
 سال پیش از آفرینش خلق کرد و آن نورها ارواح بود.

پرسیدند: آن چهارده نفر کیستند؟

فرمود: محمد و علی و فاطمه، حسن، حسین، و نه تن ائمه از نسل
 حسین و آخر ایشان قائم است که پس از غیبت ظهور می‌کند و دجال‌ها
 را می‌کشد و زمین را از ظلم و جور آنان پاک می‌نماید.^۴
 نکته دوّم بعد از اثبات امام علیه السلام توجه به اصالت این عطش می‌باشد.

۱. تومی آبی، استاد علی صفایی حائری رحمته الله.

۲. اسدی. ۳. معانی الاخبار، ص ۱۲۵.

۴. سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، ص ۳۰ به نقل از کمال الدین، ص ۱۹۲ و بحار الانوار،

زیرا انسان بی نهایت و کمال را می طلبد و این احساس به سادگی قابل پاسخ نیست، مگر امام علیه السلام باشد و رهبری کند، آقای زاکیس می گوید:

قلب انسان، رازی تاریک و تسلیم ناپذیر است، سبویی است سوراخ، با دهانی همیشه باز! تمام رودهای جهان را در آن بریزی، باز هم خالی و عطشان باقی می ماند^۱ و چاره در دستان سبز امام علیه السلام است، اما می توانیم ظرفی ظریف بوده و خالق هستی را که خداوند (و حب محبوب او یعنی حب ولی الله) است، در دل و جان خود جای دهیم، به شرط آن که خود را به دستان ناز و نازنین و نوازشگر اهل بیت پاک و مکرم بسپاریم که در این صورت با ما همان کنند که کوزه گرها با مُشت های گل، این نازنینان با سلسله دستورات و باید و نبایدهای دور اندیشانه خود، گاه به ظاهر عرصه زندگی را بر ما تنگ کرده و گاه نیز وسعت و دامنه می بخشند، یا به قول شاعر: گاه به باغ و گاه به داغ مان می کشند که البته هر دو در ساختن ما و برای ساختن ما ضروری می باشد.^۲

بحث و موضوع نیاز و بلکه اضطرار به حجت و امام علیه السلام وابسته به درک از استعدادها و سرمایه های اوست، انسان با مقایسه خویش با موجودات دیگر اشتراکاتی می بیند (هوش، حافظه، حواس و احساسات) اما با عقل، فکر، اراده، قدرت انتخاب و وجدان از حیوان متمایز می شود و ترکیب این استعدادها بی نهایت سرمایه ها را رقم می زند، (همان طور که با ترکیب حروف مشخص الفبا می توان

۱. نویسنده مسیح باز مطلوب.

۲. محمد رضا رنجبر مجله خانواده شماره ۱۷۹.

بی‌نهایت کلمه ساخت) و از طرفی هر نیازی نمایانگر یک استعداد است، چنان که:

نیاز به اعتراف، نشانه وجدان است و نیاز به نجوی علامت روح است و نیاز به یقین، علامت تفکر است.^۱

پس دیگر کار آدمی خوردن و خوابیدن و خوش بودن نیست، تا برای او یک دامپرووری بسازند و از همین جانوع حکومت و رهبری نیز مشخص می‌شود، زیرا آدمی که (میانگین عمر او) بیش از هفتاد سال است و حکومتی که قلمرو آن وسیع‌تر از خانه و جامعه و دنیاست (و استمرار تا ابدیت دارد) حاکمی می‌خواهد که بر این مجموعه آگاه باشد و بر این مجموعه مسلط باشد، آنچه طرح و بینش سیاسی شیعی را مشخص می‌سازد، همان قدر (ارزش آدمی) و استمرار (معاد) و ارتباط انسان با خویش و اشیاء و با افراد است و همان نارسایی و ناتمامی غریزه و تجربه، علم و عقل و عرفان است.^۲

این چنین حکومتی که اهداف بالاتر از امنیت و رفاه و آزادی دارد و حوزه حکومتی که بیش از خانه و جامعه و هفتاد سال دنیاست، حکومتی دیگر و معیار انتخاب دیگر و روش انتخاب دیگر، می‌خواهد^۳ در این صورت است که طلب و انتظار با توصیف‌های دعا

۱. تفصیل این جریان در کتاب رشد دیداری تازه با قرآن، استاد علی صفایی حائری، نشر

لیلةالقدر، ص ۲۷.

۲. وارثان عاشورا، استاد صفایی حائری، ص ۳۴.

۳. همان، ص ۳۵.

ندبه می سازد، اگر به اهداف و قلمرو حکومت‌ها توجه نشود، در نتیجه برخی از مردم به همین حکومت‌ها با این شکل و شمایل‌های استبدادی و قراردادی (همانند بسیاری از کشورهای غربی) خود را دلخوش نموده و باروش‌های گوناگون به کنترل حاکم برخاسته و او را به کار مردم کشاند. (دمکراسی)

اما مادام که تلقی مردم از خود و دنیا دگرگون نشود، تحمل حکومت الهی را نخواهند داشت، چنان که مردم حتی با شهادت اباعبدالله علیه السلام به علی بن الحسین علیه السلام روی نیاوردند و با کنار زدن یزید به حکومت علوی نپیوستند، چون نان و رفاهی که آنها می‌خواستند به این ولایت سنگین نیاز نداشت.^۱

شاید راز طولانی شدن غیبت نیز همین باشد که مردم همه حکومت‌ها را تجربه کنند و با این نیاز و تشنگی که در دعای ندبه توصیف می‌شود به حجّت حقّ روی آورند؛ آن روز که اضطرار به حجّت را درک کرده باشند؛ در حدیث شگفتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که: «ما یکون هذا الامر حتی لا یبقی صنف من الناس الا [قد] ولّوا علی الناس حتی لا یقول [قائل] انا لو ولینا لعدلنا ثم یقوم القائم بالحق و العدل»؛ این امر به پا نمی‌شود مگر آن که هیچ‌کسی از طبقات مردم نماند که حکومت نکرده باشد، تا این که نگویند: اگر ما بودیم

عدالت را برقرار می‌کردیم. آنگاه قائم به حق و عدل قیام می‌کند.^۱
در حدیث، تعبیر به قیام حق شده است؛ زیرا حق در برابر باطل،
و ظلم در برابر متزلزل است و در نتیجه در حق سه مفهوم هدف‌داری،
عدل و ثبات نهفته است.^۲

این حکومت براساس سنت‌های ثابت هستی است که هماهنگ با
نظم عالم و مطابق با شأن آدمی است، چنین است که در واقع، ولایت
مطلقه فقیه، زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.

با وجود این شناخت است که شیعه منتظر چشم روشنی خود را می‌طلبد.
«متی نغادیک و نراو حک فنقر عیناً»؛ در کدام فردای طلوع، به حضور
و به راحتی می‌رسیم که چشم‌های ما روشن گردد.

«متی ترانا و نراک»؛ کی می‌شود که ما را ببینی و ما تو را ببینیم که
پرچم پیروزی برافراشته‌ای و برای همه نمایان است.

«و قد نشرت لواء النصر تری؟ أترانا نحف بك و أنت تؤم الملاء»؛
آیا شود که تو امام مردم باشی و پیرامونت بگردیم؟

«و قد ملأت الأرض عدلاً»؛ و تو زمین را سرشار عدل کرده باشی
«و اذقت أعدائك هواناً و عقاباً»؛ و دشمنانت را خواری و کیفر بچشانی
(چنان که مؤمنان و بشریت را خوار نمودند) «و أبرت العتاة و حجة
الحق»؛ و بیخ و بن سرکشان و معارضان حق را برکنده باشی «و قطعت

۱. میزان‌الحکمه، ج ۱، ص ۱۴۶، چاپ قدیم به نقل از الغیبه، ص ۱۴۶.

۲. صراط، استاد علی صفایی حائری، ص ۶۱.

دَابُّوَالْمَتَكْبِرِينَ»؛ و نسل متکبران را براندازی، «و اجبثت اصول الظالمین و ستمگران را ریشه کن کنی» و نحن نقول: الحمد لله رب العالمین»؛ و ما آنگاه پروردگار عالمیان را ستایش کنیم (که به وعده خود وفا نمود و حق را پیروز کرد).

پیوند طولانی ولایت معصوم با ولایت خداوند

«اللهم أنت كشاف الكرب والبلوى»؛

خدایا! تو رفع کننده غم‌ها و گرفتاری‌ها هستی «و اليك استعدي و عندك العدوى»؛ و به سوی تو شکایت می‌آوریم که پاسخ آن نزد توست «و انت رب الاخرة و الدنيا»؛ و تو خدای دنیا و آخرت هستی «و فأغث یا غیاث المستغیثین»؛ پس به فریادرس، ای فریادرس دادخواهان.

در این فراز به محض آن که از امام موعود علیه السلام و تلاش‌های او و پیروزی‌ها سخن گفته، تمامی قدرت را به خداوند منسوب نموده و گویی می‌گوید: «لا حول و لا قوة الا بالله».

زیرا تشیع، منادی توحید است و قدرت استقلال‌ی برای ائمه علیهم السلام قائل نیست و از همین جاست که زیارت جامعه با صد تکبیر شروع می‌شود و حتی در دعای توسل کلمه «عندالله» تکرار می‌شود تا واسطه بودن مطرح شود.

آزادگی ائمه شیعه چنان است که شائبه هر نوع ادعای قدرت ذاتی چه در عالم تکوین و تشریح و آگاهی بر غیب را نفی نموده است، به

مناسبت دعای ندبه کلامی قاطع و دلنشین از حضرت صاحب الامر علیه السلام در رد غلات را بررسی می‌کنیم؛ امام علیه السلام در نامه به محمد بن علی بن هلال کرخی آورده‌اند: ای محمد بن علی علیه السلام خداوند برتر و متعالی‌تر از توصیف آنان است او را منزّه می‌شمارم و ستایش می‌کنم، ما شریک‌های خدا در کار و قدرتش نیستیم و غیب را غیر از او نمی‌دانند، هم چنان که در کتاب محکم خود فرموده است: «قل لا يعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله»؛^۱ من و همه پدرانم از اولین آدم، نوح، ابراهیم، موسی و پیامبران دیگر و از آخرین، محمد رسول الله و علی بن ابیطالب و غیر آنان از امامان گذشته تا امروز که درود خدا بر آنان باد، همه بندگان خدای تعالی هستیم و خداوند می‌فرماید: کسی که از یاد من روی گردان شود، زندگی او را در تنگنا قرار خواهم داد و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم. (آنگاه) می‌گوید: پروردگارا! چرا مرا نابینا محسور کردی با این که بینا بودم؟

پاسخ می‌گیرد: همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می‌شوی^۲ ای محمد بن علی، جاهلان شیعه و احمق‌هایی که (اندازه) پر پشهای از دیانت آنان بیشتر و سنگین‌تر است ما را آزار می‌دهند، پس من خدایی را که جز او خدایی نیست به شهادت می‌گیرم و شهادت او کافی است و فرستاده‌اش محمد صلی الله علیه و آله و ملائکه‌اش و اولیائش و تو را و همه آنان که (مضمون) این

۱. سوره نمل، آیه ۶۵.

۲. سوره طه، آیه ۱۲۵.

نامه را می شنوند به شهادت می گیرم که من نزد خدا برائت می جویم از هر کس که بگوید ما علم غیب داریم و در ملک خدا با او شریکیم،^۱ یا ما را در جایگاهی قرار دهد غیر از آن جایگاهی که خدا برای ما پسندیده و برای آن آفریده است و از این مقامی که برایت تفسیر کردم و در این نامه بیان نمودم، تجاوز کند و شما را گواه می گیرم که خداوند، ملائکه و رسولان و اولیا بی زارند از هر کس که از او، ما از او تبری بجوییم. این توفیق امانتی است برگردن تو و هر کس بشنود قرار دادم و آن را از هیچ کدام از دوستان و شیعیان ماکتمان نکند... پس هر کس این نامه را بفهمد و از آنچه امر کردم برنگردد و از ارتکاب آنچه نهی کردم خودداری نکند، لعنت خدا و فرشتگان و اولیا و صالحان بر او واقع شده است.^۲ چنین است که می بینیم، فقهای آزاده شیعه حتی در شهادت ثالثه اذان که روایاتی در باب نام امیرالمؤمنین برای علی علیه السلام روایت صحیح و بی تردید داریم، احتیاط نموده و می فرمایند: نباید به قصد جزئیت در اذان و اقامه بگویند.^۳ البته این تربیت چیزی است که قرآن با پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کرد و در عین حال که اطاعت او را اطاعت خدا دانست، اما از آن بزرگوار هم نفی استقلال نمود، آنجا که فرمود: «لیس لك من الامر شیء».^۴

۱. امام علیه السلام علم ذاتی و استقلالی را نفی نموده و می فرماید: ما به خودی خود چیزی نداریم.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، صص ۵۵۱ - ۵۵۰؛ جلوه نگار، احمد حیدری، صص ۶۶ - ۶۴.

۳. عروة الوثقی، عالم بزرگ محمد کاظم یزدی، باب اذان و اقامه.

۴. سورة آل عمران، آیه ۱۲۸.

«عبيدك المُبتلى»؛ این بنده کوچک تو گرفتار است، گرفتار کسانی که می‌خواهند زندگی را بر او محدود کنند و او را از مقصد خلقت باز دارند و زندگی معمولی را بر او دریغ می‌دارند و آدمی را در محاصره دروغ نگاه داشته‌اند، پس ای خدا سید و آقا، او را نشان بده و «أره سیده یا شدید القوی و ازل عنه به الأسی و الجوی» و با این ظهور، اندوه و سوز دل را برطرف گردان و «بَرِّدْ غلیله یا من علی العرش استوی» و آتش عطش را با خنکای ظهور مولایش خاموش کن، تویی که بر عرش سلطه داری.

درباره عرش خوب است این نکته ذکر شود که مراد از عرش مقام آمریت یا همان عالم ملکوت است و شکل هندسی ندارد، این تصوّر مربوط به محدودیت حواس و ادراک ماست.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: عرش، خداوند نیست، عرش، نام علم و قدرت است و در عرش همه چیز هست.^۱ چون خزائن و همه آنچه در عالم طبیعت است در عالم ملکوت می‌باشد و زمام ورشته همه حوادث و پدیده‌ها و حرکات عالم ماده در عرش متمرکز شده و از آنجا تدبیر هستی جریان می‌پذیرد.^۲

پس جسم و تختی در کار نیست، بلکه هر چه در عالم طبیعت باید رخ دهد، پیش از رخ دادن و بودن و شدن، علمش نزد خدا حاضر

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. سوره یونس، آیه ۳ و سوره بروج، آیه ۱۶.

است.^۱ در نتیجه عرش، قدرت ایجاد آفرینش و تصرف در عالم طبیعت است به طوری که همه تدابیر عالم از آنجا سرچشمه گرفته، صادر می‌شود.

اگر قرآن می‌گوید: عرش پروردگارت را در قیامت هشت فرشته بر بالای خود حمل می‌کنند، شاید بتوان گفت عالم ملکوت، هشت مرتبه دارد که در هر مرتبه‌ای، نوعی فرشته هست که در رأس هر نوع یک فرشته، مقام فرماندهی و اداره آنان را به عهده دارد و تحت یک نظام و سلسله مراتب، به اجرای امر الهی یا رساندن رحمت‌های خدا به خلق و امثال این مأموریت‌ها می‌پردازند.^۲

در هر حال در این فراز که به حاکمیت خداوند بر عرش تذکر داده، جای تأمل دارد. زیرا عرش بر کرسی چنان فضیلت دارد که گویی کرسی حلقه‌ای در برابر بیابان است.^۳ تدبیر غیبت ظهور امام موعود وابسته به چنین عالمی از باطن هستی است و در همین راستا می‌باشد که امام موعود علیه السلام خود نیز از خداوند تدبیر امر را می‌طلبد، چنان که روایت شده امام موعود علیه السلام در هنگام تولد چنین دعا نمود:

«اللهم أنجزلی ما وعدتني و اتمم امری و ثبت و طأتی و املأ الارض بی قسطاً و عدلاً»؛ خدایا! به وعده‌ای که داده‌ای وفا کن و امر مرا به اتمام

۱. نظام هستی، ج فارسی، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. المیزان، ج ۲، ص ۳۵۴.

و اکمال برسان و پایگاهم را محکم نما و به وسیله من زمین را پر از عدل و داد گردان.^۱

«یا من الیه الرجعی و المنتهی»؛ ای کسی که بازگشت و منتهای کار به سوی اوست.

«اللهم ونحن عبيدك التائقون الى وليك المذكر بك و نبيك»؛ خدایا! ما بندگان شیفته به ولی تو هستیم که یادآور تو و پیامبر توست!

می‌بینید چه اصالتی در این حرکت نجات‌بخش است، امام موعود علیه السلام یادآور خداوند در عصر غفلت خواهد بود و چنین است که اصالت و اخلاص یک مبلغ الهی و علوی چنین است که به خویش و دنیا دعوت نمی‌کند و حتی خود آدم‌ها را مغرور نمی‌کند، بلکه خدا را در دل‌های بزرگ می‌کند تا طهارتی ایجاد گردد و هجرتی آغاز شود.^۲

«خلقته لنا عصمة و ملاذاً»؛ تو او را برای ما آفریدی تا نگهدارنده و پناه ما باشد، چنان‌که اگر حجت نبود «لساخت الارض باهلها»^۳ و خود

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۲۶ و غیبت شیخ طوسی، ص ۱۴۲.

۲. سوره مدثر، آیات ۴-۳.

۳. در این باره، امیرالمؤمنین علیه السلام روایت دارند که: دو چیز برای شما مردم امان از عذاب بود: یکی رسول‌الله و یکی استغفار که خدای تعالی می‌فرماید: خدا شما را عذاب نمی‌کند، تا رسول‌الله در بین شماست و استغفار می‌کنید (نهج البلاغه، کلمات قصار) و اما علت مسأله یعنی فرورفتن مردم در زمین به خاطر نبود حجت این است که جهان برای خاطر انسان کامل آفریده شد و بقیه در سایه عظمت و برکت او حیات می‌یابند یعنی فیض خداوند به خاطر او که مدارج را طی کرده می‌رسد و در نتیجه ما نیز بهره‌مند می‌شویم. (پرسش‌ها و پاسخ‌ها، استاد جعفر سبحانی)

امام علیؑ مهربان فرمود: اگر نبود که شما را مراقبت کنیم (امور) شدید و سخت بر شما فرو می ریخت و دشمنان شما را زمین گیر می کردند.^۱

امام خمینیؑ درباره پیروزی انقلاب اسلامی و رفع حوادث خطرناک از کشور، و اصولاً عبور شیعه از میان خون و آتش و تبعید را تحلیلی جز عنایت امام علیؑ نمی دانند.

«و اقمته لنا قواماً و معاذاً»؛ و او را مایه قوام زندگی و مأمّن قرار دادی «و جعلته للمؤمنین اماماً»؛ و او را برای حق باوران از ما پیشوا مقرر نمودی.

«فبلغه منا تحية و سلاماً، و زدنا بذلك يا رب اكراماً»؛ پس تحیت و درود ما را بر آن گرامی برسان و با این (ابلاغ) بر کرامت ما بیفزای «و اجعل مسقره لنا مستقراً و مقاماً»؛ و قرارگاه او را، قرارگاه و پایگاه برای ما قرار بده. (در خط او باشیم)

«و أتمم نعمتك بتقديمك اياه امامنا»؛ و نعمت خود را با پیشوایی او بر ما تمام کن (تا او را جلو دار انتخاب کنیم و به دیگران روی نیاوریم) چرا که روزگار غیبت و انتظار روزگار سختی است و چه بسا افراد به تردید و یأس دچار شوند و یا حتی قبله ای دیگر گیرند، چنان که در دعا باید بخوانیم: «ولاتسلبنا اليقين لطول الامد»؛ خدایا! یقین ما را به خاطر طولانی شدن زمان غیبت از ما نگیر تا این که طولانی شدن غیبت و قیام او، ما را به نومیدی نکشاند «ویکون یقیننا فی ذلك کیقیننا فی قیام

۱. درباره نمونه ها در همین زمان معاصر به مجله انتظار، شماره ۱۸ مراجعه شود.

رسولك صلواتك عليه؛ و یقین مادر این قیام و ظهور، مثل قیام حضرت رسول ﷺ باشد، تا جان ما را بر این عقیده بستانی «ونحن علی ذلک لاشاکین ولاناکثین ولا مرتابین ولامکذبین»؛ و ما بر این امر استوار بمانیم و به آفت شک، نقض عهد، تردید و کذب دچار نگردیم.^۱

«حتی توردنا جنانک و مرافقه الشهداء من خلصائک»؛ تا ما را به بهشت تو درآورد و رفیق شهیدان خالص و مخصوص تو گرداند.

«اللهم صلی علی محمد و آل محمد وصل علی جده و رسولک السید الاکبر و علی ابیه السید الاصغر و جدته الصدیقه الکبری فاطمه بنت محمد و علی من اصطفیت من ابائه البرره...»؛ و در اواخر دعا بار دیگر از درود بر محمد و آل محمد و از سیادت رسول اعظم ﷺ و پیوند علی ﷺ و حضرت فاطمه ﷺ و برگزیدگان از این بیت، ذکر و سخن به میان می‌آمده تا اصالت به عقیده مهدویت تحکیم گردد و با درودی بی‌پایان و بی‌نهایت بر مهدی موعود ﷺ که به انجام رساننده حرکت راستین پیامبر خاتم ﷺ می‌باشد، ادامه یافته است. «وصل علیہ صلوة لاغایه لعددها ولانهایة لمددها ولانفاد لامدها»؛ این درودی بی‌عدد و زمان است چرا که او برای راه و مقصد بی‌نهایت نجات می‌بخشد و سعادت ابدی را تضمین می‌کند.

«اللهم و اقم به الحق، و ادحض به الباطل»؛ خدایا! حق را با مهدی ﷺ به پای دار و باطل را محو و نابود گردان.

۱. دعای غیبت، انتهای مفاتیح الجنان و مصباح المجتهد شیخ طوسی، ص ۴۱۳.

این تکرار در مقصد نهایی یعنی حق معنا دارد، زیرا عدل و عدالت در نگاه بسیاری، حتی از نخبگان، مفهومی در حد برقراری رفاه و امنیت و عدالت اقتصادی دارد و به همین دلیل امام علیه السلام، جهات مجهول عدالت را روشن می‌نماید، چنان که در دعا برای امام زمان علیه السلام آمده است «و توضیح به معاقد الحق و مجهول العدل»؛ خدایا با دستان با کفایت او گره‌های حق و ناشناخته‌های عدالت را توضیح بده؛ اما ابعاد دیگر عدل، همانا توجهی است که در ولایت و رهبری خاص امام می‌شود... در حکومت امام می‌خواهند به آدمی بیاموزند که چگونه با حواس و احساس و فکر و عقل، قلب و وهم و خیال خود برخورد کند، می‌خواهند به او هدایت و فرقان و میزان ببخشند و انسان را برای تمامی رابطه‌های محتمل یا مظنون و یا متیقن آماده سازند و این هدایت‌گری، نیازمند فردی با آگاهی و آزادی است، آگاهی از تمامی اندازه‌ها و راه و روابط انسان و آزادی در تمامی کشش‌ها و جاذبه‌ها^۱ در یک کلمه عصمت.

آیا می‌خواهی بدانی چرا مقادها و سلمان‌ها و ابوذرهای تاریخ آن گونه سخت ایستادند و جز حکومت علوی را نخواستند؟

آیا می‌خواهی بدانی که چرا این همه خون در راه این طرح حکومتی ریخته شد و این همه سر در این راه رفت؟

آیا می‌خواهی رمز آن همه حماسه و خون و اشک و شور و یاد و گفت و گو را بدانی؟

۱. وارثان عاشورا، استاد علی صفایی حائری، ص ۳۴.

این همه خون و درد و اشک، به خاطر سلطنت یک دسته و محرومیت یک دسته نیست، حتی به خاطر عدالت و آزادی نیست، بلکه به خاطر این نکته است که کنار گذاشتن عصمت و آگاهی و آزادی، مساوی است با کنار گذاشتن انسان از هستی و از کل نظام و طرح آن در جامعه، آن هم به گونه‌ای که دیگر اسلام و قرآن ضرورتی ندارد.^۱

دعا ادامه می‌یابد که: خدایا! (بعد از پیروزی امام علیه السلام) دوستانت را به او بسپار که او بچرخاند و دشمنان را با او خوار کن و پیوندی بین ما و او برقرار نما که ما را به هماهنگی با اجداد طاهرینش بکشاند «واجعلنا ممن یاخذ بحجرتهم و یمکث فی ظلمهم»؛ که دست به دامان آنان شویم و در سایه آنان بیارامیم.

وظایف منتظران در زمان غیبت نسبت به امام علیه السلام

«و أعنا علی تأدیة حقوقه الیه والاجتهاد فی طاعته واجتناب معصیته»؛ و ما را بر ادای حقوق او و کوشش در فرمانبرداری اش و کناره‌گیری از نافرمانی اش، یاری فرما!

امام قائم علیه السلام چنان که از نام عزیزش بر می‌آید، برای کارها قیام نموده و مشغول اهداف است چنان که در دعا او را جحججاج مجاهد، یعنی سرور بزرگ مجاهد خطاب می‌کنیم.^۲

۱. تو می‌آیی، استاد علی صفایی حائری، ص ۶۷.

۲. دعای امام رضا علیه السلام برای صاحب الامر، مفاتیح الجنان بعد از دعای عهد.

به راستی نمی توان نام خود را منتظر نامید مگر آن که حقوق محبوب را دانسته و در راه رضایت خداوند و پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام تلاش و کوشش داشته باشیم وگرنه این نام شایسته ما نیست. چنان که ائمه اطهار علیهم السلام از نسبت نام تشیع بر هر شخصی حذر می داشتند؛ و در حدیثی نقل شده که سدید صیرفی به امام صادق علیه السلام عرض می کند: به خدا قسم خانه نشینی برای شما روا نیست و در برابر دلیل خواهی امام علیه السلام پاسخ می دهد: برای آن که شیعیان و یاوران شما بسیارند و اگر امیرالمؤمنین علیه السلام به اندازه شما شیعه و یاور داشت «بنی تیم و عدی» نسبت به (حق) او طمع نمی کردند و در پاسخ امام علیه السلام می پرسد: چقدر شیعه داریم، می گوید صد هزار، امام علیه السلام با شگفتی پرسید: صد هزار؟!!

سدیر تعداد را بالا می برد، دویست هزار و بلکه نصف دنیا، امام علیه السلام سکوت فرموده و به سدید می گوید: بیا تا ینبع برویم و سپس در جایی تعدادی بزغاله نشان می دهد و می فرماید: به خدا قسم اگر شیعیانم به تعداد این بزغاله ها بودند، خانه نشینی برایم روا نبود.

سدیر می گوید: بعد از نماز، بزغاله ها را شمردم هفده رأس بودند.^۱ چنین است که امام هادی علیه السلام می فرماید: «لیس کل من قال بولایتنا مؤمناً، ولكن جعلوا أنساً للمؤمنین»؛ چنین نیست هر کسی که به ولایت ما معتقد شد مؤمن (شیعه) باشد، بلکه آنها همدم مؤمنین قرار داده شده اند.^۲

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۴۱، چاپ علمیه اسلامیه.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۲.

نام فروردین نیارد گل به باغ خانه روشن نگردد از نام چراغ

اینجاست که باید از روندگان راه بخوانیم که نوشته‌اند:

عاشق می‌خواهد راحت معشوق را فراهم کند، نه راحت خودش را، چون راحت خودش، همان راحت محدود و مانده و فانی است.^۱ این مطلب در انتخاب معشوق بالاتر حل شده که عشق او از بن بست رهایی و از خود خلاص شدن است و این حرکت است چون با او بودن یعنی رفتن و با خویش ماندن، مرگ است و گندیدن.

آنچه ما با نام عشق امام با آن مانوس شده‌ایم و به آن دل بسته‌ایم عشق و حرکت واقعی نیست، که بسیاری از اوقات، سرگرم شدن و تنوع داشتن است.

آنچه ما در برابر امام علیه السلام داریم، هنوز تا عشق واقعی و حقیقی فاصله دارد، ما از امام نه خودش و نه خودمان که خانه و زندگی می‌خواهیم و از او به جای مغازه و ... استفاده می‌کنیم؛ ما بیشترها را فدای کمترها کرده‌ایم و این عشق نیست بلکه بازی است.

مثل بازی بچه‌هایی که متکاها را زیر پا می‌گذارند تا به عروسک‌هایشان برسند و همین که رسیدند، فرار می‌کنند، سوداگری است مثل آن رند که می‌گفت: حیف است که انسان از غیر امام چیزی بخواند. در حالی که حیف است از امام، غیر از امام، چیزی بخوانیم.

ما از امام، امامت را می‌خواهیم و این عشق ماست و از او وسیلهٔ راه

۱. تومی‌آبی، استاد علی صفایی حائری، ص ۷۶.

یافتن و جهت گرفتن می خواهیم و این توسل ماست، جز این عشق و توسل، ظلم است، جفاست،^۱ امام وسیله است، برای چه؟
برای نان و آب و فرزند؟

این ها که وسیله هایی دیگر دارند، او وسیله رسیدن است جهت یافتن و حرکت کردن است، پس توسل به او، به کار گرفتن او در جایی است که جایگاه شایسته اوست.

ما می خواهیم معصوم علیه السلام را به سمت خود بکشیم در حالی که آنچه با ما باشد و با ما بماند فنا و نابودی است «ما عندکم ینفد»؛ آنچه پیش شماست تمام می شود آنچه با آنهاست باقی می ماند، «ما عندالله باق».^۲
لذا ما باید خود را به آن طرف بکشیم، در نتیجه عاشق عهده دار کارها و اهداف معشوق می شود. چنین است که می بینیم مردان پاک و صادق چگونه با مقاومت و گذشت آدم می سازند. با این تحلیل است که آنها انتظار فرجشان به گشایش رسیده، زیرا آرمان امام خویش را تمهید نموده اند، ابابصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم کی فرج و گشایش باشد؟ فرمود: ای ابابصیر تو هم از جمله دنیاخواهانی «من عرف هذا الامر فلقد فرج عنه لانتظار».^۳

ذکر یک نمونه از افرادی که منتظر حقیقی و سازنده بوده اند؛ کمال لطف است: بعضی ها مرحوم ابوترابی را در دوران اسارت برای مدت

۱. تومی آبی، استاد علی صفایی حائری، ص ۷۵.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲. سوره نحل، آیه ۹۶.

طولانی در یک اردوگاه نگاه نمی‌داشتند؛ زیرا جاذبه معنوی او همگان را جلب می‌کرد، گرچه در ظاهر اسیر بود اما با اخلاق و رفتاری که برگرفته از معارف اهل بیت علیهم‌السلام بود، زندانبانان را اسیر خود نموده بود، یکی از هم سلول‌های آن عزیز تعریف کرده است:

روزی آقای ابوترابی را آنقدر شکنجه دادند که حالش خراب شد و به درمانگاه منتقل شد، در همین روزها یکی از فرماندهان ارتش بعث برای بازدید به اردوگاه آمد و پرسید: چه خبر؟

فرمانده اردوگاه (که خودش او را شکنجه کرده بود) گفت: قربان خبری نیست، فقط یکی از اسرا که تازه وارد اردوگاه شده مقدرای کسالت داشت، بردیم درمانگاه.

فرمانده پرسید: اسم او چیست؟

گفت: اسمش ابوترابی است.

فرمانده بلافاصله گفت: هذا صدیقی! برویم عیادتش! ترس در وجود فرمانده نیروگاه موج می‌زد که اگر ابوترابی جریان را به مافوق بگوید چه خواهد شد.

وقتی فرمانده مافوق از مرحوم ابوترابی پرسید: آیا از فرمانده اردوگاه راضی هستی یا نه؟

پاسخ داد: آری! ایشان خیلی محبت کرد!

فرمانده اردوگاه اینجا اسیر ابوترابی شد و تحت تأثیر بزرگواری

ایشان قرار گرفت،^۱ این همان سازندگی و آرمان امام علیه السلام است و مقصد فرج می باشد.

این چنین است که رضا و خشنودی امام به دست می آید و رأفت و رحمتش و دعایش و خیرش به ما می رسد و به وسعت رحمت خداوند و فوز و کامیابی نزد او نائل می شویم.

وابستگی شدید و بی بدیل به ولایت

و امام موعود علیه السلام در جهت دهی و قبولی اعمال

هنگامی که اطاعت رسول الله صلی الله علیه و آله اطاعت خدا باشد^۲ و علی و اهل بیت علیهم السلام نفس و جان پیامبر صلی الله علیه و آله^۳ و علی علیه السلام میراث دار علم و تبیین کننده وحی، که علوم را به فرزندانش می سپارد^۴ اینجا یک وحدت بین توحید و ولایت ایجاد می شود، چنان که کلمه «لا اله الا الله حصنی»^۵ و «ولایت علی بن ابی طالب حصنی»^۶ پس دیگر ولایت امام علیه السلام شرط دین و قبولی اعمال می شود و هر چه از غیر این بیت بیرون بیاید، باطل است. زیرا اطاعت آنان اطاعت خداست و معصیت آنان نافرمانی

۱. خاطره از حجة الاسلام نقویان.

۲. سوره نساء، آیه ۸۰ و تفسیر الثقلین، ج ۱، ص ۶۲۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۶۱.

۴. احتجاج، ج ۱، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۹.

۵. بحار الانوار، ج ۴۹، باب ۱۲.

۶. همان، ج ۳۹، ص ۲۴۶ و احتجاج، ج ۱، ص ۸۳.

خدا. ^۱ «اما لو ان رجلا قام ليله وصام نهاره و تصدق بجميع ماله و حج جميع دهره و لم يعرف ولا يه ولى اسفيوا اليه و يكون جميع اعماله بدالته ما كان له على الله عزوجل حق فى ثوابه ولا كان من اهل الايمان»؛ اگر مردی شب را به نماز و روز به روزه داری بگذارند و همه اموالش را صدقه دهد و تمامی سال‌ها حج برود، اما ولایت امامش را نشناسد و تحت رهبری او نیاید و تمام اعمالش به هدایت امام نباشد، بر خداوند عزوجل حقی برای ثواب ندارد و از اهل ایمان نخواهد بود. ^۲

چنین است که دعای ندبه را با این سیاق به پایان برده‌اند:

«و اجعل صلواتنا به مقبوله»؛ نماز ما را با او قبول کن.

«و ذنوبنا به مغفوره»؛ گناهان ما را به وسیله او بیامرز.

«و دعائنا به مستجاباً»؛ و دعاهاى ما را با او اجابت کن.

«و اجعل ارزاقنا به مبسوطه»؛ و روزی ما را با او گسترش بده.

«و همومنا به مكفيه»؛ و اندوه‌های ما را به وسیله او برطرف نما.

«و حوائجنا به مقضيه»؛ و حاجت‌های ما را بوسیله او برآورده کن.

«و أقبل الينا بوجهك الكريم»؛ تو ای خدا! به ما اقبال نما به وجه با

کرامت.

«و اقبل تقربنا اليك»؛ و این تقرب را از ما بپذیر

«و انظر الينا نظرة رحيمه»؛ و ما را از نگاه بخشش خویش سرشار ساز.

۱. امالی مفید، ص ۱۳۵ و اثبات الهداة، ج ۱، ص ۶۳۵، بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۴.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶، باب دعائم الاسلام، ح ۵.

«نستكمل بها الكرامة عندك»؛ تا با توجه تو، کرامت ما نزدت به کمال رسد.
 «ثم لاتصرفها عنا بجودك»؛ و دیگر این عنایت را به خاطر سخاوت
 خودت از ما دریغ ندار!
 «وأسقنا من حوض جدّه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبَيَّده رِيًّا رَوِيًّا
 هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَلَمًا بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ و ما را از حوض کوثر جد
 موعود عليه السلام با جامی از دست او سیراب کن که گوارا و دلچسب باشد
 و بعد از آن تشنگی باقی نماند، ای مهربان‌ترین مهربانان.
 دعا با دو گانه‌ای^۱ بر درگاه یگانه پایان می‌یابد که مقصد ولایت نیز
 همان عبودیت خداست.

والحمد لله

منابع

در مدارک و منابع از کتاب‌های «الحکم الزاهره» نوشته علی رضا
 صابری و «میزان الحکمه» نوشته استاد محمدی ری شهری استفاده
 زیادی کرده‌ام.

فهرست کتاب‌های انتشارات مسجد مقدس جمکران

دعا و نیایش و نماز

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۴	آداب و اعمال زیارتگاه در سوریه	حسین احمدی قمی	۷۰۰۰
۵	ادعیه و زیارات امام زمان <small>علیه السلام</small>	واحد پژوهش	۲۰۰۰
۶	ارتباط با خدا	واحد تحقیقات	۶۵۰۰
۷	از خدا چه بخواهیم	احمد سعیدی	۵۰۰۰
۸	اهمیت اذان و اقامه	محمد محمدی اشتهاردی	۶۰۰۰
۹	اهمیت نماز جمعه و آداب آن از دیدگاه امام علی <small>علیه السلام</small>	مفید فیاضی	۳۰۰۰
۱۰	ترجمه حدیث عنوان بصری	واحد پژوهش	۱۰۰۰
۱۱	ختم سوره‌های یس و واقعه	واحد پژوهش انتشارات	۵۰۰۰
۱۲	دستوراتی از قرآن	احمد سعیدی	۲۸۰۰۰
۱۳	ربیع الاسبیع	علامه مجلسی	۲۵۰۰۰
۱۴	زیارت ناحیه مقدسه	واحد تحقیقات	۴۵۰۰
۱۵	فضیلت خواندن سوره‌های قرآن (مشکاة الانوار)	علامه مجلسی (ره)	۱۵۰۰۰
۱۶	گنجینه نور و برکت	حسینی اردکانی (ره)	۴۵۰۰
۱۷	نماز شب	واحد پژوهش انتشارات	۱۰۰۰
۱۸	هدیه احمدیه	میرزا احمد آشتیانی	۱۲۰۰
۱۹	هدیه احمدیه	میرزا احمد آشتیانی	۳۵۰۰

تاریخ مسجد مقدس جمکران

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۲۰	آئینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدس جمکران	حسین کریمی قمی	۶۰۰۰

۵۰۰۰	واحد تحقیقات	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)	۲۱
۲۵۰۰	واحد تحقیقات	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)	۲۲
۱۵۰۰۰	سید جعفر میرعظیمی	مسجد مقدس جمکران نجلیگاه صاحب الزمان <small>علیه السلام</small>	۲۳

پیامبر صلی الله علیه و آله

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۲۴	اوصاف الرسول (اسامی و القاب)	احمد سعیدی	۱۶۰۰۰
۲۵	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small> و تروریسم و خشنونت طلبی	علی اصغر رضوانی	۲۵۰۰
۲۶	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small> و جهاد و برده داری	علی اصغر رضوانی	۲۰۰۰
۲۷	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small> و حقوق اقلیت ها و ارتداد	علی اصغر رضوانی	۳۰۰۰
۲۸	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small> و حقوق زن	علی اصغر رضوانی	۴۵۰۰
۲۹	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small> و صلح طلبی	علی اصغر رضوانی	۲۵۰۰
۳۰	تاریخ پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> (در جلد)	عباس صفایی حائری	۶۵۰۰۰
۳۱	چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>	احمد سعیدی	۴۵۰۰
۳۲	حکومت بر دل ها اولین و آخرین خطبه پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	شفیعی مازندرانی	۶۰۰۰
۳۳	راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>	خیرالله سلیم زاده	۵۰۰۰
۳۴	روزشمار تاریخ پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>	احمد سعیدی	۱۰۰۰۰
۳۵	محمد رسول الله	واحد پژوهش	۴۰۰۰

امام علی و حضرت زهرا علیهما السلام

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۳۶	امامت و ولایت حضرت علی <small>علیه السلام</small>	سید محسن کمالی تقوی	۱۵۰۰۰
۳۷	با اولین امام در آخرین پیام	حسین ایرانی	۳۵۰۰
۳۸	تاریخ امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> (دو جلد)	عباس صفایی حائری	۹۰۰۰۰

۲۵۰۰	واحد تحقیقات	علیؑ مروارید ولایت	۳۹
۱۰۰۰۰	محمد سلمانی کباسری	حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه	۴۰
۱۳۰۰۰	سید محمد واحدی	فدک ذوالفقار فاطمهؑ	۴۱
۳۰۰۰۰	عباس اسماعیلی یزدی	مام فضیلت‌ها	۴۲

امام حسینؑ

بردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۴۳	از زلال ولایت	واحد تحقیقات	۱۶۰۰۰
۴۴	تاریخ سید الشهداءؑ	عباس صفایی حائری	۵۵۰۰۰
۴۵	حکمت‌های جاوید	محمد حسین فهیم‌نیا	۱۳۰۰۰
۴۶	خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)	عباس حسینی جوهری	۴۸۰۰۰
۴۷	در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس‌المبوم)	شیخ عباس قمی / کوه‌کمره‌ای	۵۸۰۰۰
۴۸	دلشده در حسرت دیدار دوست	زهرا فرزلقاشی	۳۵۰۰
۴۹	رسول ترک (آزادشده امام حسینؑ)	محمد حسن سیف‌اللهی	۱۲۰۰۰
۵۰	سحاب رحمت	عباس اسماعیلی یزدی	۶۳۰۰۰
۵۱	عاشورا تجلی دوستی و دشمنی	سید خلیل حسینی	۲۲۰۰۰
۵۲	منشور نینوا	مجید حیدری‌فر	۴۸۰۰۰
۵۳	نهج الکرامه	محمد رضا اکبری	۲۰۰۰۰
۵۴	یاران باوفا و شهیدان بی‌همتا	واحد فرهنگ‌ی مسجد جمکران	۳۵۰۰

اهل بیتؑ

بردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۵۵	آخرین خورشید پیدا	واحد تحقیقات	۶۵۰۰
۵۶	امام رضاؑ در رزمگاه ادیان	سهراب علوی	۸۵۰۰

۵۷	پرچمدار نینوا	محمد محمدی اشتهاردی	۱۶۰۰۰
۵۸	پیشوایان معصوم (زندگینامه چهارده معصوم)	آیت الله سید محسن خرازی	۴۵۰۰۰
۵۹	دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب های پیشاور)	کریم شنی	۱۰۰۰۰
۶۰	شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعة)	محمد حسین نائیجی	۵۸۰۰۰
۶۱	عمه سادات	سید ابوالقاسم حمیدی	۶۵۰۰
۶۲	کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)	حسن بیاتانی	۲۵۰۰
۶۳	ماه مدینه	واحد پژوهش	۴۰۰۰
۶۴	ویژگی های حضرت زینب <small>علیها السلام</small>	سید نورالدین جزائری	۲۵۰۰۰

امام مهدی علیه السلام

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۶۵	آخرین پناه	محمود ترجمی	۶۰۰۰
۶۶	آن آشنا آمد	مسلم پور وهاب	۳۰۰۰
۶۷	آیین انتظار (مختصر مکالمات)	واحد پژوهش انتشارات	۱۵۰۰۰
۶۸	ارتباط معنوی با حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	حسین گنجی	۱۵۰۰۰
۶۹	از غروب عاشورای حسینی تا طلوع ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	حسین احمدی قمی	۸۵۰۰
۷۰	امامت، غیبت، ظهور	واحد پژوهش انتشارات	۶۵۰۰
۷۱	امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام	علم الهدی / واحد تحقیقات	۵۰۰۰
۷۲	امام مهدی در کلام امام علی <small>علیه السلام</small> (چهل حدیث)	سید صادق سیدنژاد	۲۰۰۰
۷۳	امید آخر	حسن محمودی	۵۰۰۰
۷۴	انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	سکینه طاووسی	۱۳۰۰۰
۷۵	انتظار بهار و باران	واحد تحقیقات	۳۰۰۰
۷۶	انتظار چیست؟ منتظر کیست؟	واحد پژوهش	۴۰۰۰
۷۷	انتظار و انسان معاصر	عزیز الله حیدری	۴۰۰۰

۱۵۰۰۰	احمد سعیدی	ارصاف المهدی (اسامی و القاب)	۷۸
۴۵۰۰	محمد خامه یار	اولین های مهدویت	۷۹
۳۰۰۰	مرتضی محیطی	او هر جا که هست مرا دوست دارد	۸۰
۱۱۰۰۰	محمد جواد مزوجی طبسی	بامداد بشریت	۸۱
۵۵۰۰	مسلم پور وهاب	پایان انتظار	۸۲
۱۳۰۰۰	محمد رضا اکبری	پرچم هدایت	۸۳
۷۵۰۰	میرزا حسین طبرسی نوری	تشریف یافتگان (دفتر اول)	۸۴
۹۰۰۰	میرزا حسین طبرسی نوری	تشریف یافتگان (دفتر دوم)	۸۵
۷۰۰۰	میرزا حسین طبرسی نوری	تشریف یافتگان (دفتر سوم)	۸۶
۷۰۰۰	میرزا حسین طبرسی نوری	تشریف یافتگان (دفتر چهارم)	۸۷
۲۴۰۰۰	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	تکالیف بتدگان نسبت به امام زمان <small>علیه السلام</small>	۸۸
۵۸۰۰۰	شیخ طوسی / مجتبی عزیزی	ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی	۸۹
۳۵۰۰	سید غلام رضا حسینی	تمنای وصال	۹۰
۳۰۰۰	مسلم پور وهاب	جزیره خوشبختی	۹۱
۹۵۰۰	حسین علی پور	جلوه های پنهانی امام عصر <small>علیه السلام</small>	۹۲
۶۰۰۰	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر <small>علیه السلام</small>	۹۳
۶۰۰۰	سید مهدی حائری قزوینی	چگونه امام زمان <small>علیه السلام</small> را یاری کنیم؟	۹۴
۲۱۰۰۰	محمد محمدی اشتهاردی	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> فروغ تابان ولایت	۹۵
۱۲۰۰۰	رضا استادی	خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)	۹۶
۱۶۰۰۰	محمد علی مجاهدی (پروانه)	خوشه های طلایی (مجموعه اشعار)	۹۷
۳۵۰۰۰	شیخ محمود عراقی میثمی	دارالسلام	۹۸
۲۰۰۰۰	حسن ارشاد	داستان هایی از امام زمان <small>علیه السلام</small>	۹۹
۸۵۰۰	علی مهدوی	داغ شقایق (مجموعه اشعار)	۱۰۰
۳۵۰۰	مسلم پور وهاب	در آسمان عشق	۱۰۱

۴۵۰۰	صافی، سبحانی، کورانی	در جستجوی نور	۱۰۲
۲۵۰۰	اسماء خواجه زاده	ذخیره خدا	۱۰۳
۲۴۰۰۰	مفید فیاضی	ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور	۱۰۴
۹۰۰۰	موسوی اصفهانی / حائری تروینی	زمان و مکان دعا برای حضرت صاحب الزمان <small>علیه السلام</small>	۱۰۵
۴۰۰۰	واحد پژوهش	سخنرانی مراجع در مسجد جمکران	۱۰۶
۵۰۰۰	الهه بهشتی	سرود سرخ انار	۱۰۷
۲۰۰۰	ظهورا حیدری	سقا خود تشنه دیدار	۱۰۸
۱۵۵۰۰	دکتر عبداللهی	سیمای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در شعر عربی	۱۰۹
۹۵۰۰۰	محمد امینی گلستانی	سیمای جهان در عصر امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۱۰
۱۸۵۰۰	محمد علی مجاهدی (پروانه)	سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی	۱۱۱
۷۰۰۰	علی اصغر رضوانی	شرح چهل حدیث حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۱۲
۵۰۰۰	موسوی اصفهانی / حائری تروینی	شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۱۳
۶۰۰۰	مؤسسه فرهنگی توحید	صبح فرا می رسد	۱۱۴
۶۵۰۰	زهرا برقی	صفای دل	۱۱۵
۳۸۰۰۰	سید اسدالله هاشمی شهیدی	ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از دیدگاه ادیان	۱۱۶
۴۲۰۰۰۰	علی اکبر نهاوندی	المبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان	۱۱۷
۸۰۰۰	سید صادق سید نژاد	عریضه نویسی	۱۱۸
۳۵۰۰	حامد حجتی	عطر سبب	۱۱۹
۷۵۰۰	مسلم پور وهاب	عطر یاس	۱۲۰
۱۱۰۰۰	سید مجید فلسفیان	علی <small>علیه السلام</small> و پایان تاریخ	۱۲۱
۵۵۰۰	حسن محمودی	فریادرس	۱۲۲
۹۰۰۰	محمد باقر فقیه ایمانی	فوز اکبر	۱۲۳
۵۵۰۰	واحد تحقیقات	کرامات المهدی <small>علیه السلام</small>	۱۲۴
۱۰۰۰۰	واحد تحقیقات	کرامت های حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۲۵

۹۰۰۰	محمد تقی اکبر نژاد	کلمات قصار امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۲۶
۱۰۰۰۰۰	شیخ صدوق (ره)	کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)	۱۲۷
۳۰۰۰۰	علی اصغر یونسیان	گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)	۱۲۸
۱۵۰۰۰	آیت الله صافی گلپایگانی	گفتمان مهدویت	۱۲۹
۲۸۰۰۰	مجتهد رحمتی شهرضا / حسین احمدی قمی	گوهرهای ناب در کلام امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۳۰
۲۰۰۰	مسلم پور وهاب	مسافر گمشده	۱۳۱
۵۰۰۰	علی مؤذنی	مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)	۱۳۲
۷۲۰۰۰	موسوی اصفهانی / حائری تروینی	مکیال المکارم (دو جلد)	۱۳۳
۴۰۰۰	حسین ایرانی	منجی موعود از منظر نهج البلاغه	۱۳۴
۱۰۰۰۰	عزیز الله حیدری	مهدی <small>علیه السلام</small> تجسم امید و نجات	۱۳۵
۱۸۰۰۰	العمیدی / محبوب القلوب	مهدی منتظر <small>علیه السلام</small> در اندیشه اسلامی	۱۳۶
۵۰۰۰	احمد سعیدی	مهدی موعود در کلام پیامبر محمود	۱۳۷
۱۲۰۰۰۰	علامه مجلسی / ارومیه‌ای	مهدی موعود <small>علیه السلام</small> (دو جلد)	۱۳۸
۵۰۰۰	حسن محمودی	مهربان‌تر از مادر	۱۳۹
۹۰۰۰	محمد حسن شاه آبادی	مهر بیکران	۱۴۰
۸۰۰۰	سید مهدی حائری تروینی	میثاق منتظران «۱» شرح زیارت آل یاسین	۱۴۱
۱۰۰۰۰	سید مهدی حائری تروینی	میثاق منتظران «۲» شرح زیارت آل یاسین	۱۴۲
۳۰۰۰	واحد تحقیقات	ناپیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش‌آموزان	۱۴۳
۶۰۰۰	محمد تقی اکبر نژاد	نامه‌های جوانان به امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۴۴
۶۰۰۰	محمد تقی اکبر نژاد	نامه‌های دختران به امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۴۵
۵۰۰۰	محمد تقی اکبر نژاد	نامه‌های نوجوانان به امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۴۶
۱۷۰۰۰	موسوی اصفهانی / حائری تروینی	نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۴۷
۷۵۰۰۰	میرزا حسین نوری (ره)	نجم الثاقب (دو جلدی)	۱۴۸
۱۶۰۰۰	محمد خادمی شیرازی	نشانه‌های ظهور او	۱۴۹

۶۰۰۰	مهدی علیزاده	نشانه‌های یار و چکامه انتظار	۱۵۰
۱۰۰۰۰	احمد سعیدی	نشانه‌هایی از مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۵۱
۵۰۰۰	محمد مولوی	نیاز جهان به امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۵۲
۴۵۰۰	الله بهشتی	و آن‌که دیرتر آمد	۱۵۳
۲۵۰۰	واحد تحقیقات	وظایف منتظران	۱۵۴
۶۰۰۰	محمود ترخمی	وعدۀ دیدار	۱۵۵
۲۸۰۰۰	موسوی اصفهانی / حائری قزوینی	ویژگی‌های امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۵۶
۴۵۰۰۰	محمد رحمتی شهرضا	هزار و یک نکته پیرامون امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۵۷
۹۰۰۰	مهدی فتلاوی / بیژن کرمی	همراه با مهدی منتظر	۱۵۸
۲۰۰۰	مسلم پور وهاب	یا ابی‌صالح	۱۵۹
۲۲۰۰۰	محمد خادمی شیرازی	یاد مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۶۰
۳۰۰۰۰	حامد حجتی	یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)	۱۶۱

پاسخ به شبهات

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۱۶۲	اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات	علی اصغر رضوانی	۴۵۰۰۰
۱۶۳	امام‌شناسی و پاسخ به شبهات (قرآن)	علی اصغر رضوانی	۴۸۰۰۰
۱۶۴	امام‌شناسی و پاسخ به شبهات (حدیث)	علی اصغر رضوانی	۵۵۰۰۰
۱۶۵	دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات	علی اصغر رضوانی	۳۰۰۰۰
۱۶۶	سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات	علی اصغر رضوانی	۵۰۰۰۰
۱۶۷	خدیرشناسی و پاسخ به شبهات	علی اصغر رضوانی	۲۰۰۰۰
۱۶۸	مرجعیت دینی اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و پاسخ به شبهات	علی اصغر رضوانی	۴۱۰۰۰
۱۶۹	موعودشناسی و پاسخ به شبهات	علی اصغر رضوانی	۴۷۰۰۰
۱۷۰	نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات	علی اصغر رضوانی	۳۰۰۰۰

۲۲۵۰۰	علی اصغر رضوانی	واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات	۱۷۱
۱۱۰۰۰	علی اصغر رضوانی	اهل بیت <small>علیهم السلام</small> از دیدگاه اهل سنت	۱۷۲

سلسله مباحث مهدویت

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۱۷۳	اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	علی اصغر رضوانی	۳۰۰۰
۱۷۴	امامت در سنین کودکی	علی اصغر رضوانی	۳۰۰۰
۱۷۵	امامت و غیبت	علی اصغر رضوانی	۵۰۰۰
۱۷۶	بررسی دعای ندبه	علی اصغر رضوانی	۳۵۰۰
۱۷۷	تولد حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	علی اصغر رضوانی	۷۰۰۰
۱۷۸	حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	علی اصغر رضوانی	۴۰۰۰
۱۷۹	دفاع از مهدویت	علی اصغر رضوانی	۶۵۰۰
۱۸۰	دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر	علی اصغر رضوانی	۵۰۰۰
۱۸۱	علایم ظهور	علی اصغر رضوانی	۶۰۰۰
۱۸۲	غیبت صغری	علی اصغر رضوانی	۵۰۰۰
۱۸۳	غیبت کبری	علی اصغر رضوانی	۷۵۰۰
۱۸۴	فلسفه حکومت عدل جهانی	علی اصغر رضوانی	۳۵۰۰
۱۸۵	قرآن و ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	علی اصغر رضوانی	۵۰۰۰
۱۸۶	منجی از دیدگاه ادیان	علی اصغر رضوانی	۶۵۰۰
۱۸۷	مهدویت و جهانی سازی	علی اصغر رضوانی	۳۵۰۰
۱۸۸	نظریه پردازی درباره آینده جهان	علی اصغر رضوانی	۷۰۰۰
۱۸۹	وجود امام مهدی <small>علیه السلام</small> از منظر قرآن و حدیث	علی اصغر رضوانی	۵۰۰۰
۱۹۰	وجود امام مهدی <small>علیه السلام</small> در پرتو عقل	علی اصغر رضوانی	۶۰۰۰
۱۹۱	وظایف مادر عصر غیبت	علی اصغر رضوانی	۶۵۰۰
۱۹۲	هنگامه ظهور	علی اصغر رضوانی	۵۰۰۰

سلسله مباحث شناخت و هابیت

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۱۹۳	ابن تیمیه، مؤسس افکار و هابیت	علی اصغر رضوانی	۱۲۰۰۰
۱۹۴	برپایی مراسم جشن و عزا	علی اصغر رضوانی	۷۵۰۰
۱۹۵	توسل از دیدگاه وهابیان	علی اصغر رضوانی	۲۵۰۰
۱۹۶	خدا از دیدگاه وهابیان	علی اصغر رضوانی	۵۰۰۰
۱۹۷	زیارت قبور از دیدگاه وهابیان	علی اصغر رضوانی	۱۱۰۰۰
۱۹۸	شناخت سلفی‌ها (وهابیان)	علی اصغر رضوانی	۷۵۰۰
۱۹۹	فتنه و هابیت	علی اصغر رضوانی	۳۰۰۰
۲۰۰	مبانی اعتقادی وهابیان	علی اصغر رضوانی	۱۲۰۰۰
۲۰۱	موارد شرک از دیدگاه وهابیان	علی اصغر رضوانی	۷۵۰۰

کودکان

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۲۰۲	آشنایی با چهارده معصوم (۱ و ۲)	سید حمید رضا موسوی	۸۰۰۰
۲۰۳	آموزش وضو و نماز (کودکان/مصور)	حسین احمدی قمی	۶۵۰۰
۲۰۴	بهتر از بهار	شمسی وفایی	۴۰۰۰
۲۰۵	مجموعه زندگی چهارده معصوم (حضرت محمد ﷺ) واحد پژوهش	واحد پژوهش	۷۰۰۰
۲۰۶	مجموعه زندگی چهارده معصوم (امام علی ﷺ)	واحد پژوهش	۷۰۰۰
۲۰۷	مجموعه زندگی چهارده معصوم (حضرت زهرا ﷺ)	واحد پژوهش	۷۰۰۰
۲۰۸	مجموعه زندگی چهارده معصوم (امام حسن ﷺ)	واحد پژوهش	۶۵۰۰
۲۰۹	مجموعه زندگی چهارده معصوم (امام حسین ﷺ)	واحد پژوهش	۶۵۰۰

غدیر

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۲۱۰	اتحاد ملی انجام اسلامی در پرتو آموزه‌های غدیر	علی اصغر رضوانی	۹۰۰۰
۲۱۱	غدیر در گذر تاریخ	علی تقوی دهکلانی	۶۵۰۰
۲۱۲	غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ	رضا فرهادیان	۶۰۰۰
۲۱۳	ندای ولایت در اولین کنگره غدیر	بنیاد بین المللی غدیر	۳۵۰۰
۲۱۴	ندای ولایت در دومین کنگره غدیر	بنیاد بین المللی غدیر	۵۰۰۰

اخلاقی، تربیتی

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۲۱۵	آثار گناه در زندگی و راه جبران	علی اکبر صمدی	۲۰۰۰۰
۲۱۶	اخلاق عملی	آیت الله مهدوی کنی	۲۰۰۰۰
۲۱۷	حلیة المتقین	محمد باقر مجلسی	۴۰۰۰۰
۲۱۸	درس‌هایی از طبیعت	محمد رضا اکبری	۶۰۰۰
۲۱۹	عبرت‌های ماندگار	محمد رضا اکبری	۹۰۰۰
۲۲۰	فرهنگ اخلاق	عباس اسماعیلی یزدی	۳۸۰۰۰
۲۲۱	فرهنگ تربیت	عباس اسماعیلی یزدی	۳۰۰۰۰
۲۲۲	فرهنگ صفات	عباس اسماعیلی یزدی	۵۰۰۰۰
۲۲۳	قصه‌های تربیتی	محمد رضا اکبری	۹۰۰۰
۲۲۴	مبانی تربیت و شاخصه‌های مهم در برنامه‌ریزی مدارس	رضا فرهادیان	۵۰۰۰
۲۲۵	معلم محبوب شرایط مقبول مدرسه مطلوب	رضا فرهادیان	۴۰۰۰

شرح حال

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۲۲۶	آقا شیخ مرتضای زاهد	محمد حسن سیف‌اللهی	۱۵۰۰۰
۲۲۷	بدر مشعشع در احوال موسی مبرقع	محدث نوری	۲۰۰۰

۲۲۸	تولدی نو (نقد مسیحیت)	علی الشیخ / سید مسلم مدنی	۱۴۰۰۰
۲۲۹	روزنهایی از عالم غیب	آیت الله سید محسن خرازی	۲۵۰۰۰
۲۳۰	سیاحت غرب	آقاجفی قوچانی	۱۰۰۰۰

کتاب‌های دیگر

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۲۳۱	اسرار مناسک حج	محمد تقی اکبر نژاد	۱۲۰۰۰
۲۳۲	دین و آزادی	محمد حسین فهیم نیا	۲۲۰۰۰
۲۳۳	رجعت یا حیات دوباره	احمد علی طاهری ورسی	۱۵۰۰۰
۲۳۴	عالم ذر	محمد رضا اکبری	۱۵۰۰۰
۲۳۵	فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها	علیرضا صدری	۳۰۰۰۰
۲۳۶	مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر	علی اصغر رضوانی	۵۰۰۰
۲۳۷	منازل الآخرة (زندگی پس از مرگ)	شیخ عباس قمی (ره)	۱۵۰۰۰

پوسترهای نمایشگاهی

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۲۳۸	مجموعه نمایشگاهی صبح امید	انتشارات	۱۵۰۰۰۰
۲۳۹	مجموعه نمایشگاهی صبح امید	انتشارات	۷۵۰۰۰
۲۴۰	مجموعه نمایشگاهی اشک خون	انتشارات	۱۵۰۰۰۰
۲۴۱	مجموعه نمایشگاهی اشک خون	انتشارات	۷۵۰۰۰

کتاب‌های به زبان دیگر

ردیف	نام کتاب	نویسنده / مترجم	قیمت
۲۴۲	امامت اور غیبت (اردو)	علی اصغر رضوانی	۲۵۰۰۰
۲۴۳	امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه (علیها السلام) (روسی)	آلمات آبالیکوف	۵۰۰۰
۲۴۴	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (اردو)	واحد تحقیقات	۲۰۰۰

۲۴۵	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (انگلیسی)	واحد تحقیقات	۲۰۰۰
۲۴۶	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (عربی)	واحد تحقیقات	۲۰۰۰
۲۴۷	در انتظار منجی (روسی)	آلمات آبالیکوف	۵۰۰۰
۲۴۸	شمس وراء السحاب (عربی) رمان	جمال محمد صالح	۱۲۰۰۰
۲۴۹	عقد الدرر (عربی)	المقدّس الشافعی / نظری منفرد	۳۲۰۰۰
۲۵۰	غدیر خم (آذری لاتین)	علی اصغر رضوانی	۳۵۰۰
۲۵۱	غدیر خم (روسی)	علی اصغر رضوانی	۳۵۰۰
۲۵۲	موسوعه توقعات الامام المهدي (عربی)	محمد تقی اکبر نژاد	۳۰۰۰۰
۲۵۳	مهدی منتظر (ترکی استانبولی)	جواد خراسانی / محمود آعاجار	۳۰۰۰۰
۲۵۴	منتخب الادعية والزیارات (عربی)	حسین احمدی قمی	۴۰۰۰
۲۵۵	ناپیدا ولی با ما (صبح امید) (اردو)	واحد تحقیقات	۸۰۰۰
۲۵۶	ناپیدا ولی با ما (انگلیسی)	واحد تحقیقات	۴۰۰۰
۲۵۷	ناپیدا ولی با ما (بنگالا)	واحد پژوهش انتشارات	۲۰۰۰
۲۵۸	ناپیدا ولی با ما (ترکی استانبولی)	واحد پژوهش انتشارات	۲۵۰۰
۲۵۹	ناپیدا ولی با ما (عربی)	واحد تحقیقات	۳۰۰۰
۲۶۰	واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات (تاجیک)	علی اصغر رضوانی / قاسم اف	۲۰۰۰۰
۲۶۱	ینابیع الحکمة (عربی / پنج جلد)	عباس اسماعیلی یزدی	۲۰۰۰۰۰

کتاب‌های این انتشارات بدون هزینه پستی به آدرس شما ارسال می‌گردد.

قم - مسجد مقدس جمکران: صندوق پستی: ۶۱۷ ☎ تلفن: ۷۲۵۳۷۰۰ ☎ شماره: ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۲۰

شماره حساب: بانک ملت، قم شعبه جمکران، کد ۸۷۸۵/۵، جزئی ۵۰۰/۳

بانک رفاه کارگران، قم شعبه آذر، کد ۸۲۲، جاری ۳۰۰۹۳۹